

تولدت مبارک آقای «کامو»!  
**از دومین برنده جوان نوبل ادبیات چه می دانید؟**  
 نوشتن از «آلبر کامو» نباید کار سختی باشد، شاید الان فکر کنید که قرار است در ادامه بنویسم «اما...»



### تیرها

یک برداشت از ۳ واقعه  
**پاسخ های تاریخی ایران به دخالت های استکبار**



تجربه های هیجان انگیز  
 سفر با کودک  
**مامکوپولو**

وقتی اولین فرزندش سه ساله شده بود، میل به سفر زیادی پیدا کرده بود، همان زمان بود که با تیم طبیعت گردی آشنا شد و توانست جمعه ها چند تجربه سفر تنهایی را به خودش هدیه دهد و...



**تسخیر لانه از نگاه دختران دانشجو**

گفت و گو با فائزه مصلحی  
 دانشجوی حاضر در تسخیر سفارت آمریکا در سال ۵۸



گزارشی از اعتیاد سرسام آور به بازی های موبایلی  
**مظنه خوره بازی شدن چند؟**



نگاهی به یک واقعه تاریخی  
 به بهانه اجرای نمایش «کنل»  
**عاشقانه ای برای اولین خلبان ایران**

محمد تقی خان پسیان اولین خلبان ایرانی بود که آوازه رشادت و وطن پرستی او همچنان در حافظه تاریخ ماندگار است. چهره ای که زندگی عزت بار و مرگ دلخراشش بهانه تولید دیگر باره یک نمایش شد.



گفت و گویی با دکتر علیرضا رحیمی فعال حوزه رسانه و کودک  
**برنامه سازی کودک تنها لوس حرف زدن نیست**

برای بسیاری از ما شکایت برخی والدین از فرزندان خود به دلیل قانون گریزی فرزندان شان امری آشناست؛ روانشناسان معتقدند که قسمت اعظمی از این معضل به دلیل کم اطلاعی و در نتیجه رفتارهای نادرست والدین در رابطه با فرزندان ایجاد می شود.



نیم نگاهی به فعالیت ها و سابقه نخست وزیری که این روزها داغ جنگ را بر پیشانی غرب آسیا زده است

# نتانیا لوزی



مروری بر کمک های نظامی که آمریکادر اختیار صهیونیست ها گذاشته است  
**سرریز تسلیحات برای دفن غزه**



**به وقت خروش**



جنايت حساب شده با قطعی اینترنت در غزه  
**انزوای تاریک بی خبری**



شهادت سه زن خبرنگار در حملات اخیر رژیم صهیونیستی در سکوت فمینیست ها و مجامع حقوق بشری

**حقوق بشر زنان و خبرنگاران**



در پی مواضع حمایتی نمایشگاه فرانکفورت از جنایات اسرائیل

**ناشران مسلمان نمایشگاه کتاب فرانکفورت را تحریم کردند**



نگاهی به واکنش های هنرمندان ایران و جهان نسبت به مسأله فلسطین

**جنایات اسرائیل گارد محافظه کاری سلبریتی ها را هم باز کرد**



گالری گردی در پایتخت به وقت آبان؛  
**نمایشگاهی که تا پیروزی مقاومت غزه ادامه دارد**



# گزارش



مروری بر کمک‌های نظامی که آمریکا در اختیار صهیونیست‌ها گذاشته است

## سرریز تسلیحات برای دفن غزه

آرزو نوروز جم

نویسنده



تنها یازده دقیقه از انتشار اعلامیه تشکیل اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ گذشته بود که هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا به عنوان اولین رهبر جهان، موجودیت رژیم اسرائیل را به رسمیت شناخت. از آن روز تاکنون حفظ امنیت این رژیم بخشی از تعهدات ایالات متحده آمریکا است. ۷۵ سال از آن روز گذشته و حالا این روزها غزه با کمبود دست و پنجه نرم می‌کند؛ از غذا و آب و برق گرفته تا منابع بهداشتی و درمانی و سوخت، اما آن سوی دیوارهای حائل، رژیم صهیونیستی دلارهایش را به حراج گذاشته تا منابع تسلیحاتی خود را ساماندهی و کمبودهایش را جبران کند. دلسوزی آمریکایی‌ها برای درآمد بیشتر شرکت‌های تسلیحاتی خود نیز قرار نیست محدود به شمال اروپا و اوکراین شود، اسرائیل هم در صفا ایستاده تا سهمی از این تولیدات نظامی داشته باشد.

### پول توجیبی از جنس نوپ و تانک

تسلیحات کرده است که این مبلغ شامل هزینه ۶.۵ میلیارد دلاری در پنج سال منتهی به سال ۲۰۲۲ می‌شود. تنها چند ساعت پس از عملیات «طوفان الاقصی» در هفتم اکتبر امسال، همه دستگاه‌های سیاسی، اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده آمریکا برای کمک به اسرائیل

آن طور که آژانس همکاری امنیتی دفاع آمریکا گزارش داده، رژیم صهیونیستی هزینه هنگفتی را صرف خرید سلاح‌های آمریکایی کرده و تقریباً ۵۳.۵ میلیارد دلار در هفت دهه گذشته صرف خرید این

بسیج شدند. رفت و آمدهای سران آمریکایی و متحدان اروپایی‌اش در قالب سفرهای دیپلماتیک و نظامی به تل‌آویو عجیب افزایش یافته است. وزارت دفاع اسرائیل در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که اولین محموله جیب‌های زرهی ارسالی در چهار چوب بسته کمک‌های نظامی اختصاص داده شده از سوی واشنگتن به تل‌آویو دریافت شد که قرار است جایگزین خودروهای نظامی فرسوده اسرائیلی شود؛ کمک‌هایی که مقامات ارشد آمریکایی بر این باورند که رژیم صهیونیستی سامانه‌های رهگیری بیشتری را بجز بسته کمک مرگباری که این کشور تاکنون در اختیار این رژیم قرار داده است درخواست کند. البته این کمک‌ها قرار نیست صرفاً از آمریکا تأمین شود. وزارت دفاع اسرائیل بجز جیب‌های آمریکایی، دستور خرید خودروها و تجهیزات سنگین به ارزش بیش از ۴۰۰ میلیون شکل در اسرائیل و خارج از کشور را امضا کرده است. بر اساس آنچه نیویورک تایمز نوشته است، قبل از حملات رژیم صهیونیستی نیز جنگ اوکراین و تصور تهدید فزاینده چین، شتاب جهانی به سمت خرید جت‌های جنگنده، موشک، تانک، مهمات و دیگر تجهیزات مرگبار را افزایش داده بود.

### افزایش تولیدات اسلحه‌سازی اولویت اول واشنگتن

افزایش فروش تسلیحات همچنین

ناشی از تغییرات سریع فناوری در جنگ است که کشورهای مسلح را تحت فشار قرار داده تا نسل جدیدی از تجهیزات نظامی را برای حفظ رقابت‌پذیری خریداری کنند؛ اتفاقی که شاید این تعبیر را به همراه داشته باشد که واشنگتن غیر از تحقق اهداف سیاست خارجی خود در خاورمیانه و تثبیت اقتدارش میان کشورهای حامی آمریکا به عنوان قدرت برتر، به دنبال بازار فروش سلاح برای شرکت‌های ساخت سلاح داخل آمریکا است تا اقتصادش را از بحران نجات دهد. همچنین تلاش برای تأمین سلاح‌های رژیم صهیونیستی، با تقیای پیمانکاران نظامی آمریکا برای تأمین نیاز تسلیحاتی اوکراین و کمک به دیگر متحدانش در اروپا مانند لهستان به منظور تقویت قدرت دفاعی خود، همزمان شده است. فایننشال تایمز نیز در گزارشی نوشته است: تولیدکنندگان سلاح‌های آمریکایی در حالی که همین حالا هم تحت فشار ناشی از تسلیح اوکراین و احیای ذخایر تهر شده پنتاگون هستند، خود را برای افزایش تأمین تسلیحاتی رژیم صهیونیستی آماده می‌کنند؛ چالشی که به گفته تحلیلگران به فشارها بر پایگاه صنعت دفاعی این کشور خواهد افزود. اسرائیل بر خلاف اوکراین که صدها فروند تانک و خودروهای زرهی دریافت کرده، در وهله نخست به دنبال مهمات است. سامانه‌های رهگیری برای سامانه دفاع موشکی

گنبد آهنین نیز در صدر فهرست نیازهای تسلیحاتی تل‌آویو قرار دارد.

### آمریکا و کمک ۳/۸ میلیارد دلاری

اما با ادامه درگیری‌ها، تحلیلگران می‌گویند نیروهای صهیونیستی همچنین به سامانه‌های هدایت شده موشکی از جمله پهپادهای مسلح و همچنین گلوله‌های توپخانه ۱۵۵ میلیمتری نیاز خواهند داشت که اکنون در اوکراین در رابطه با آنها کمبود وجود دارد.

جنگنده‌های اسرائیلی که غزه را بمباران می‌کنند، ساخت آمریکا هستند و بیشتر تجهیزات هدایت دقیقی هم که اسرائیل به کار می‌برد از آمریکا آمده است. بخشی از سیستم رهگیری پدافند هوایی «گنبد آهنین» هم در آمریکا تولید شده است. پنتاگون اعلام کرد که سامانه‌های دفاع موشکی و ضد هوایی تاد و پاتریوت، دو سیستم قدرتمند دفاع موشکی خود را به خاورمیانه می‌فرستد.

آمریکا حتی پیش از درخواست اسرائیل، در حال فرستادن و تأمین مجدد این تجهیزات بود. روز جمعه گذشته جو بایدن از کنگره آمریکا خواست تا بودجه‌ای ۱۴ میلیارد دلاری برای کمک به متحد خود در خاورمیانه تصویب کند که بخشی از بسته کمک‌های نظامی ۱۰۵ میلیارد دلاری آمریکا محسوب می‌شود.

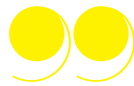
### اسرائیل و اوکراین، مشتری دست به نقد

وعده و وعیدهای جو بایدن هم



جنس گزینه‌های روی میز واشنگتن برای تل‌آویو با گزینه‌های روی میز اهالی خاورمیانه فرق می‌کند؛ حمایت‌های بی‌چون و چرایی که آماده است فرزند نامشروع آمریکا را به زور و ضرب هم که شده عاقل و بالغ نشان دهد

## از اکتبر سال ۲۰۲۳، ایالات متحده ۵۹۹ پرونده فروش نظامی خارجی به اسرائیل به ارزش ۲۳،۸ میلیارد دلار در دستور کار قرار داده است



خارجه ایران در نشست اضطراری مجمع سازمان ملل در خصوص غزه هم واکنش نشان دادند، مارک والاس، مدیر عامل سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای، با اشاره به حسین امیرعبداللہیان در نیویورک گفت: او که دستاوردش به خون امریکایی‌ها آلوده است، نباید اجازه ورود به خاک امریکارا دریافت می‌کند.

که برای خیلی به وضوح نشان داد هدفش ایران و متحدانش بودند. جو بایدن همچنین چهارشنبه سوم آبان در نشست خبری با نخست‌وزیر استرالیا گفت: هشدار من به آیت‌الله این بود که اگر به اقدام علیه این نیروها [امریکایی] ادامه دهند، ما پاسخ خواهیم داد و او باید آماده باشد. این هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارد.

برای تأمین تسلیحاتی اوکراین و رژیم صهیونیستی برای پیشبرد اهداف خود علیه روسیه و حماس به نوعی امریکا و پنتاگون را می‌تواند برای دیگر عملیات پشتیبانی از جمله جنگ بر سر تایوان مجهز نگه دارد. امریکا تعهد داده است که بدون هیچ تردیدی از اسرائیل حمایت خواهد کرد و این وعده را با کمک‌های نظامی خود همراه کرده است. اما قول و قرار بانکی‌ها در حالی برای خوارچ یهودی در حال تحقق است که زخم‌های دخالت‌های امریکایی‌ها از زمان حمله هیروشیما تا حمایتش از داعش هنوز ترمیم نشده است. برخلاف آنچه در صحنه بین‌المللی برای اتفاقات غزه می‌گذرد و بمباران‌های هر روزه صهیونیست‌ها بر سر اهالی غزه و تأسیسات درمانی آنها، ست جی جونز، مدیر بخش امنیت بین‌الملل مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن اعلام کرده امریکا هیچ تمایلی برای دخالت مستقیم نظامی در جنگ غزه ندارد.

### ایران، خار در چشم امریکا و اسرائیل

نگرانی‌های امریکایی‌ها در خصوص ایران به هشدارها و خط و نشان‌های رئیس‌جمهورش محدود نمی‌شود، آنطور که رسانه‌های‌شان مدعی شده‌اند، بیشترین نگرانی بین‌المللی امریکا و متحدانش درباره اقدامات نیروهای نیابتی ایران است. روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی مدعی شده است حدود ۵۰۰ شبه‌نظامی از حماس و جهاد اسلامی فلسطین، چند هفته پیش از حمله به اسرائیل در ایران تحت آموزش‌های تخصصی قرار گرفتند. تعلیم آنها توسط افسران نیروی قدس انجام شده است. ادعایی که نوریوز رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، آن را تکذیب کرد و نوشت: «مقاومت فلسطین جریانی بالغ، مستقل و مورد حمایت مردم است و در جریان سال‌ها مبارزه توانمندی ذاتی و روبه توسعه خود را اثبات نموده است.»

با وجود تکذیب ایران برای دخالت در درگیری بین حماس و رژیم صهیونیستی و عدم حمایت نظامی ایران، امریکا در راستای حمایت از مواضع اسرائیل در برابر ایران و حزب الله، اعلام کرده یک ناوگروه ضربت در شرق مدیترانه مستقر کرده و به زودی یکی دیگر هم به منطقه خواهد فرستاد. بایدن همچنین هزاران سرباز امریکایی را در حالت آماده‌باش قرار داده تا در صورت لزوم راهی منطقه شوند. دست‌های غیبی ایالات متحده برای حمایت‌های همه جانبه از اسرائیل، حالا از آستین بیرون آمده و تلاش می‌کند نه تنها فلسطینیان را در تنگنا قرار دهد بلکه تلاش می‌کند کشورهای حامی فلسطین مانند ایران و عراق و... را در تیررس تهدیدهای مختلف قرار دهد. آنها حتی به حضور وزیر

به باور او حضور ناوگروه‌های جنگی امریکا در منطقه «بدون شلیک یک گلوله» هم می‌تواند مفید باشد، چون در کمترین حالت، توانایی آنها در جمع‌آوری اطلاعات و پدافند هوایی به کار می‌آید. او می‌گوید که هرگونه درگیری مستقیم «آخرین راه چاره» امریکا خواهد بود. بر اساس گزارش‌ها، دولت امریکا لایحه‌ای شامل کمک مالی به تل‌آویو و کی‌یف را به کنگره تحویل داده است. لایحه‌ای مضاف بر آنچه برای افزایش فروش تسلیحات به اسرائیل تصویب شده است. از اکتبر سال ۲۰۲۳، ایالات متحده ۵۹۹ پرونده فروش نظامی خارجی به اسرائیل به ارزش ۲۳،۸ میلیارد دلار در دستور کار قرار داده است. جنب و جوشی که نشان می‌دهد هدف دولت بایدن بالا بردن تصویر قدرت نظامی اسرائیل در منطقه خاورمیانه در پی عملیات طوفان الاقصی است، امریکا پیش از حمله حماس به اسرائیل نیز به بهانه‌هایی مانند مقابله با ایران در خلیج فارس حضور نظامی در منطقه را افزایش داده بود.

### می‌گوییم امریکا، شما بخوانید اسرائیل

رئیس‌جمهور امریکا در اولین واکنش به حمله حماس علیه اسرائیل به روشنی مشخص کرد که با کدام طرف است. او گفت: برای هر کسی که فکری می‌کند از این وضعیت به نفع خود سود ببرد، یک پیام دارم: فکرتش را نکند. همداری

### چشم ملت‌منس بایدن به سمت لابی‌های صهیونیست

هر چند دولت‌مردان امریکایی بر این باورند که دخالت‌ها و حمایت آنها از اسرائیل از شدیدتر شدن درگیری‌ها جلوگیری می‌کند و به ثبات سیاسی صحنه خاورمیانه کمک می‌کند، اما حمله حزب الله به مواضع امریکا در عراق و سوریه چیزی خلاف این باور را به نمایش گذاشته است. حمایت امریکا از اسرائیل در طول این هفت دهه، در بین جامعه امریکایی اسرائیلی و حتی بین سیاسیون قاره سبز، به یک باور تبدیل شده است، باوری که به رژیم صهیونیستی این اجازه را می‌دهد تمام قوانین حقوق بشری را نقض کرده و دست به یک نسل‌کشی بزند، آن هم نه یکبار بلکه چندین بار. لابی طرفدار اسرائیل در امریکا هم نقش مهمی را در تداوم این حمایت‌ها از اسرائیل بازی می‌کند، بر اساس نظرسنجی‌های مدافع دولت امریکا، تقریباً دو سوم امریکایی‌ها معتقدند که ایالات متحده باید علناً و بطور مستقیم از اسرائیل در جنگ بین اسرائیل و گروه‌های فلسطینی حمایت کند. به ویژه اینکه ایالات متحده در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد و بایدن نیز بار دیگر نامزد انتخابات شده و تمایل دارد دور دوم ریاست جمهوری خود را تضمین کند. به همین دلیل چشم به حمایت لابی اسرائیلی دوخته است.

جونی ارنست، سناتور جمهوری خواه هم در واکنش به حضور نماینده ایران در نیویورک در شبکه مجازی اکس نوشت: در حالی که تروریست‌های تحت حمایت ایران به نیروهای امریکایی حمله کرده و شهروندان امریکارا گروگان گرفته‌اند، دولت بایدن به یک مقام ارشد ایران ویزا می‌دهد. این مماشات باید پایان یابد.

### حمایت می‌کنیم حتی به زور ضرب و شتم

حمایت‌های امریکا از اسرائیل البته با انتقادات فراوانی هم روبه‌رو شده است، از بیداری اجتماعی در سراسر دنیا گرفته تا خبرنگاران و نویسندگان هابی که با اخراج می‌شوند یا صفحات‌شان تعطیل می‌شود، حتی چهره‌های سیاسی امریکا هم به عملکرد دولت‌شان نقد دارند. یاکوف کاتز، تحلیلگر نظامی و ستون نویس روزنامه «جرزالم پست» می‌گوید حمایت امریکا از اسرائیل به محض آنکه عملیات نظامی اسرائیل در غزه آغاز شود و تلفات غیرنظامیان افزایش یابد، با انتقاد روبه‌رو خواهد شد. او معتقد است که چنین حمایتی در عرض چند هفته تحلیل خواهد رفت. آقای کاتز می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم که در صورت به درازا کشیدن حمله زمینی، اسرائیل آزادی عمل بیشتری از سوی امریکا و بقیه جهان دریافت کند.»

آنگونه که کارشناسان امریکایی می‌گویند: به نظرمی رسد فضای واکنش به سمت حمایت بی‌چون و چرا از تل‌آویو تغییر کرده است که جنگ اوکراین کمی از حالت بحرانی بودنش را از دست داده است و اتفاق فکر کاخ سفید برای

مشاوره سیاسی - اطلاعاتی، نظامی و امنیتی برای تل‌آویو فعال شده است. حجم بالای دخالت امریکا در جنگ فعلی بین حماس و رژیم صهیونیستی کار را به جایی رسانده که گویی جنگ راه افتاده بین امریکا و حماس است و اسرائیل فقط نقش یک سرباز مزدور را بازی می‌کند.

### یونیسف عضو غایب دنیای کودکان

اما حضور گروه‌های مختلف مردمی در خیابان‌های نیویورک و سایر شهرهای امریکا صحت و سقم این ادعاها و نظرسنجی‌ها را زیر سؤال می‌برد. در هر حال، آنچه را که این روزها رسانه‌های موافق و مخالف امریکا و اسرائیل به تصویر می‌کشند نشان می‌دهد ایالات متحده کمک‌های نظامی خود را با هدف مقابله با گروه‌های تروریستی در خاورمیانه و مقابله با ایران توجیه می‌کند و برای اثبات فکر خود در صحنه رقابت بین‌المللی، ناوها و جنگنده‌های بیشتری راهی منطقه کرده است. تا جایی که پنتاگون هم دستور داده تعداد بیشتری از جنگنده‌های امریکایی به پایگاه‌های این کشور در خاورمیانه اعزام شوند و محموله‌های بیشتری برای مقابله با حماس و حتی حملات احتمالی و قریب‌الوقوع حزب الله راهی سرزمین‌های اشغالی شود. دستوری که معلوم نیست برای سران کاخ سفید و اهالی غاصب اورشلیم، نتیجه‌ای که برایشان مطلوب است را داشته باشد یا نه، اما آنچه این روزها پیش چشم جهانیان هر لحظه تصویر می‌شود، موفقیت و پیروزی امریکا و اسرائیل نیست، روی دست رفتن وزیر آوار ماندن بیش از ۳۰۰۰ کودک فلسطینی زیر سایه سکوت نهادی مدعی همچون یونیسف است.



ساکنان کاخ سفید برای دارودسته صهیونیست‌ها چک سفیدامضا داده‌اند تا آن طور که می‌خواهند برای اهداف امریکایی‌ها دست به جیب شوند و مثل نقل و نبات موشک بر سر کودکان و خانه‌های غزه بریزند



# تاریخ



نیم‌نگاهی به فعالیت‌ها و سابقه نخست‌وزیری که این روزها داغ جنگ را بر پیشانی غرب آسیا زده است

## نتانیاهو

محمد مهدی اسلامی

نویسنده و پژوهشگر تاریخ

نخست‌وزیر ۷۴ ساله صهیونیست‌ها که تقریباً هم‌زمان با اشغال قدس شریف (توسط همفکران پدر بزرگش) به دنیا آمد، بیش از دودهم سال‌های اشغال فلسطین مسئول کابینه صهیونیستی بوده است که این روزها، تصمیمات او در نسل‌کشی فلسطینیان، بسیاری را به تعجب واداشته اما مرور تاریخ زندگی او، ریشه این تصمیم‌ها را به خوبی نشان می‌دهد.

تشکیل امپراطوری اسرائیل در دو سوی رود اردن، احیای زبان عبری، لژیون نیسیسم (تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی) و... بود؛ با شعار «هجوم به طرف فلسطین» و تصرف هرچه زودتر آن از اصلی‌ترین ابعاد نرم غصب سرزمین فلسطین بود. پدر نتانیاهو که «بن صهیون» نام داشت، در سال ۱۹۳۹ از طرف ژابوتینسکی به لندن و از آنجا به نیویورک رفت. یک سال بعد ژابوتینسکی مرد و او در نیویورک ماند. او در نیویورک به نمایندگی از طرف ژابوتینسکی از ارگان «صهیونیسم رोजیونیست» شد. همان‌که بنیان جناح راست امروز در اسرائیل است. سرود رोजیونیست شامل

### تربیت اشغال‌گرانه

شاید برایتان جالب باشد که بدانید نتانیاهو مرام صهیونیستی خود برای اشغال فلسطین را از پدر بزرگش به ارث برده است. ناتان میلیکوسکی، از اولین مبلغان صهیونیسم هم‌زمان با اولین کنگره صهیونیستی بوده است. او در بلاروس علیه عالمان دینی به سخنرانی می‌پرداخت که حزب باند راه‌آنداخته و معتقد بودند ایده مهاجرت به سرزمین فلسطین، نوعی فرار است.

پدرش هم راه پدر بزرگش را ادامه داد. دستیار منشی شخصی زیو (ولادیمیر) ژابوتینسکی، یکی از رهبران افراطی صهیونیسم بود. «اصول هفتگانه ولادیمیر ژابوتینسکی» که شامل

دوران کودکی نتانیاهو



در خانه پدر و مادر او ماند و شب‌ها روی تخت او می‌خوابید.

البته این تنها آشنایی ترامپ و نتانیاهو نبود. زمانی که نتانیاهو بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ معاون و سپس سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل بود و در نیویورک زندگی می‌کرد، با فرد ترامپ، پدر دونالد ترامپ که در کار املاک و مستغلات بود، دوستی نزدیکی پیدا کرد که همین آشنایی موجب شد وقتی دونالد ترامپ به خاک دیس، دفتر رسمی رئیس‌جمهور در بال غربی کاخ سفید وارد شد؛ نتانیاهو به صورت مرتب از امریکا رفتار تند علیه ایران را مطالبه کند تا جایی که در فاصله کمی پس از آن، ترامپ اعلام کرد امریکا از برجام خارج شده است و حدود سه سال پس از آن نیز، امریکا را متقاعد به ترور قاسم سلیمانی کرد. اما رفتار او آنقدر منفعت طلبانه بود که پس از چند سال، هنوز دونالد ترامپ را می‌آزارد و به تازگی از آن پرده برداشت: «بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر فعلی و آن زمان اسرائیل، ما را ناامید کرد. این بسیار وحشتناک بود... اسرائیل قرار بود با ما این عملیات را انجام دهد. همه چیز تنظیم شده بود و برای ماه‌ها روی آن کار کرده بودیم. همه چیز را



نتانیاهو در دوران جوانی

ترامپ ازدواج کرد خیلی به درد نتانیاهو خورد و زمینه‌ساز هماهنگی کم نظیر میان اسرائیل و امریکا شد. جرد کوشنر در خاطراتش با اشاره به اینکه آن روزها نتانیاهو در نیویورک ساکن نبود، گفته که نتانیاهو حتی یک بار برای چند روز

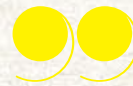


بنیامین نتانیاهو قبل از مهاجرتش از امریکا به سرزمین‌های اشغالی، با چارلز کوشنر که در نیویورک املاکی داشت، دوست شد. نتانیاهو که فارغ‌التحصیل رشته مهندسی شهرسازی و مدیریت خدمات مؤسسه تکنولوژی ماساچوست امریکا بود، در آن زمان مشاور اقتصادی «گروه مشاوره بوستون» شده بود؛ گروهی که یکی از شهرت‌های اخیرش ارائه مشاوره در طرح‌های خاص بن سلمان در عربستان است



لندن- عکسی از ستوان ولادیمیر ژابوتینسکی سازمان دهنده نیروی شبه‌نظامی یهودی در جریان کشتارهای قدس در ابتدای دهه ۱۹۴۰





بنیامین نتانیاهو نیز در دوران خدمت در ارتش «بی بی» نامیده شده بود و این نام امروز به فضای سیاست و رسانه نیز کشیده شده است. شاید در اولین دوره او به عنوان نخست وزیر، رقیبانش نام مستعار زمان سر بازی او «بی بی» را بیرون کشیدند تا به نوعی با استفاده از این اسم او را تحقیر کنند. اما امروز در ادبیات رسمی بسیاری از این نام مستعار استفاده می کنند

نتانیاهو و پدر و مادرش



داشتیم. اما شب قبل از اتفاق، یک تماس داشتیم که اسرائیل در این حمله شرکت نمی کند». ترامپ در عین حال ادامه داد که «باید از اسرائیل پشتیبانی کنیم، چاره دیگری نداریم.»

مسیر صعود در قدرت

ورود نتانیاهو به سرزمین های اشغالی همراه با حضور او در جمع نظامیان اشغالی بود. او در سال ۱۳۶۱ با خروج از ارتش، به عنوان معاون سفیر در سازمان ملل به امریکا بازگشت. در سال ۱۳۶۷ وقتی مأموریت او در نیویورک تمام شد، از ارتش جدا شده و با حضور در حزب لیگود به سیاست پیوست و برای اولین بار به عضویت کنست درآمد و به عنوان معاون موشه آرنس، وزیر خارجه وقت منصوب شد. حزب لیگود از احزاب راست گرای سکولار صهیونیست ها است که توسط مناخم بگین بنیانگذاری شد. نتانیاهو ۱۴ بهمن ۱۳۷۱ به عنوان رئیس این حزب انتخاب شد و سه سال بعد، بر رقیب خود شیمون پرز غلبه کرد تا جوان ترین نخست وزیر تاریخ اسرائیل شود.

تاکتیک همیشگی

از رفتارهای پرتکرار نتانیاهو همواره فرار به جلو بوده است. مثلاً در ۱۴۰۰ در حالی که پایه صندلی نخست وزیریش لرزان بود، در کمال بی پروایی اعلام کرد «حداکثر تا پایان ماه آینده قسمتی دیگر از سرزمین فلسطین در کرانه غربی را به جغرافیای کشور اسرائیل ملحق و قوانین جاری حقوق بین الملل و اعتراضات جهانیان را پایمال خواهد کرد.» موضوعی که آرزوی بسیاری از صهیونیست های قبلی نیز بوده است اما از بیم پیامدهایش از بیان آن پرهیز داشتند. ریشه این سخنان رادیکال او

پرونده هایی که در دور قبل از آن نیز مانع تشکیل کابینه توسط نتانیاهو شد و او را ناگزیر به ائتلاف با بنی گانتس کرد. دوری نتانیاهو زیاد به طول نینجامید و دی ماه ۱۴۰۱ بار دیگر به قدرت رسید. او که سه پرونده در خصوص فساد دولتی و مالی دارد، این بار سعی به تغییر در ساختار قضایی حکومت جعلی اسرائیل برای حل مشکل خود کرد و همین موجب اعتراضات گسترده خیابانی از سوی صهیونیست ها به او شد که در تاریخ اشغال فلسطین بی سابقه بود. برخی رفتار او در جنگ طوفان الاقصی را به شدت متأثر از منافع شخصی وی برای باقی ماندن در قدرت تحلیل می کنند. البته حاشیه های متعدد نتانیاهو فراتر از این پرونده قضایی است.

تمرد و اخراج از ارتش

اوایل سال جاری که اختلافات داخلی لژره بر ارکان کابینه نتانیاهو انداخته بود؛ رازی از پرده برون افتاد که نشان می داد چرا او از ارتش به عالم سیاست وارد شد. حمایت نتانیاهو از اخراج نیروهای ذخیره ای که در اعتراض به سیاست های کابینه او در تمرینات شرکت نکرده بودند، موجب شد «رایزمن» که در زمان تجاوز اسرائیل به خاک لبنان در سال ۱۹۸۲، فرمانده نتانیاهو در یگان تکاوری «سایر متکال» بوده است از رویکرد نتانیاهو در قبال نیروهای ذخیره ارتش انتقاد کرده و



نتانیاهو ۱۹۹۰



نتانیاهو با وزیر امور خارجه وقت آمریکا مادالین آلبرایت و پاسر عرفات ۱۹۹۸

در ادبیات رسمی بسیاری از این نام مستعار استفاده می کنند.

فسادهای مکرر اخلاقی

نتانیاهو سه بار ازدواج کرده است. اولین ازدواج نتانیاهو با میریام وایزمن در سال ۱۳۵۱ بود که در سرزمین های اشغالی با او آشنا شد. در سال ۱۳۵۷، زمانی که وایزمن باردار بود، نتانیاهو با یک دانشجوی بریتانیایی به نام فلور کیتس در کتابخانه دانشگاه ملاقات کرد و رابطه ای را آغاز کرد که موجب طلاق ازدواج هم ۱۰ سال بعد به طلاق منجر شد. سه سال بعد، نتانیاهو با سارا بن آرتزی آشنا شد که میهماندار پرواز ال عال از نیویورک به اسرائیل بود. هنوز دو سال از این ازدواج نگذشته بود که در سال ۱۳۷۲ نتانیاهو در برنامه زنده تلویزیونی اعتراف کرد که با روث بار، مشاور روابط عمومی خود رابطه داشته

فاش سازد: «خود توبه عنوان یک نیروی ذخیره در جنگ اول لبنان از انجام مأموریت تمدد کردی و چون این مأموریت را دوست نداشتی، از حضور خودداری کردی و غیب شدی. تو خودت یک روز هم به عنوان نیروی ذخیره خدمت نکردی و به همین خاطر هم، اخراجت کردم.»

بی بی گیت

اخراج از ارتش، تنها راز حضور نتانیاهو در سیاست نبود. یکی از نویسندگان نیوزویک در مقاله ای که در تاریخ دهم مارس ۱۹۹۷ نوشته، او را «بی بی گیت» در برابر «واترگیت» قرار داده است. همان طور که نیکسون با برنامه «واترگیت» به کاخ سفید راه یافت، نتانیاهو هم با نیرنگ وارد کاخ نخست وزیری اسرائیل شد و جالب تر آن که او مقاله خود را تحت عنوان «فقط او را بی بی مخفف بنیامین نیرنگ باز بنامید» نوشته است.

در فضای متأثر از نظامی گری اسرائیل، بسیاری از سیاستمداران و دیگر افراد برجسته با نام مستعار خود در ارتش شناخته می شوند. بنیامین نتانیاهو نیز در دوران خدمت در ارتش «بی بی» نامیده شده بود و این نام امروز به فضای سیاست و رسانه نیز کشیده شده است. شاید در اولین دوره او به عنوان نخست وزیر، رقیبانش نام مستعار زمان سر بازی او «بی بی» را بیرون کشیدند تا به نوعی با استفاده از این اسم او را تحقیر کنند. اما امروز

بتواند از سایه پرونده خودرهایی یابد. او به خوبی می داند که شکست اطلاعاتی تحمیل شده در طوفان الاقصی کابینه او را به آخر خط خواهد رساند. از این رو، سعی دارد با افزایش کشتار خشونت آمیز از فلسطینیان، از رنگ شکست نزد افکار عمومی صهیونیست ها بکاهد تا بلکه این بار هم بتواند از فشار پرونده قضایی، اعتراضات گسترده خیابانی و نیز شکست اطلاعاتی و نظامی اخیر، به جلو فرار کند.

مختلف ارتش رژیم صهیونیستی شد. معترضان می گویند، لایحه تغییرات قضایی موجب تقوץ سیاست بررسیدگی قضایی است زیرا تأثیر دیوان عالی (بالترین نهاد قضایی رژیم صهیونیستی) را محدود می کند و به اعضای کنست (پارلمان) اجازه می دهد که مصوبات آن را به تعویق بیندازند. همچنین به کابینه اجازه می دهد بر کمیته ای که قضات را منصوب می کند، سیطره یابد. حال در شرایطی که نتانیاهو ناگزیر به نرمش در برابر این اعتراضات شده بود، شرایط جنگ موجب شده است و

بلکه این روش همیشگی او است که با استقبال از یک بحران بزرگ تر، از بحرانی که در آن قرار دارد به جلو فرار می کند. با این تفاوت که سعی می کند هزینه بحران جدید را دیگران بپردازند. او در این مقطع نیز درگیر یک بحران جدی بود. نتانیاهو پس از آن که مطمئن شد با روش های قبلی نتوانسته سه پرونده اقتصادی خود را ببندد، لایحه تغییرات در دستگاه قضایی را به کابینه برد که از آن به «کودتا» علیه دستگاه قضایی یاد شد که این امر موجب بروز نافرمانی در درون نیروهای



او در این مقطع نیز درگیر یک بحران جدی بود. نتانیاهو پس از آن که مطمئن شد با روش های قبلی نتوانسته سه پرونده اقتصادی خود را ببندد، لایحه تغییرات در دستگاه قضایی را به کابینه برد که از آن به «کودتا» علیه دستگاه قضایی یاد شد که این امر موجب بروز نافرمانی در درون نیروهای مختلف ارتش رژیم صهیونیستی شد



## یک برداشت از ۳ واقعه

# پاسخ های تاریخی ایران به دخالت های استکبار

واحقاق حقوق خویش و دیگری عزم بیگانگان و وابستگان داخلی آنها برای مسدود کردن راه تحقق این آرمان بزرگ ملی و دینی و مردمی بوده است. به این مناسبت به شرح مختصری از این حوادث می پردازیم:

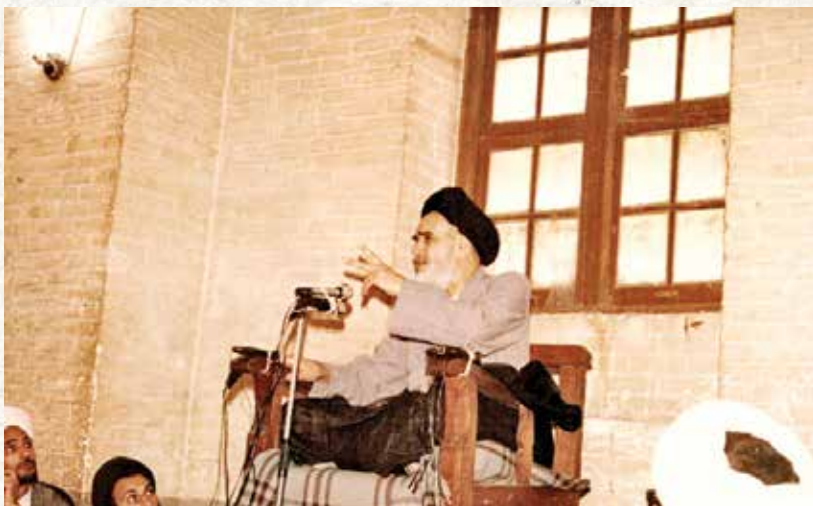
سالروز وقایع متفاوتی بود که اگرچه در سه زمان، سه مکان و به سه شکل متفاوت اتفاق افتادند ولی هر سه رویداد دارای یک حلقه وصل بودند و آن صف آرایی و رویارویی دو نیرو در مقابل یکدیگر بود. یکی اراده ملت ایران برای نیل به استقلال و آزادی

شبهاتی به هم نداشتند، ولی هر یک در شکل دادن به حرکت انقلاب اسلامی نقش خاصی ایفا کردند. هویت هر سه رخداد، مبارزه با استکبار و عوامل آن بوده و به همین دلیل این روز «روز ملی مبارزه با استکبار» نامیده می شود. ۱۳ آبان در واقع

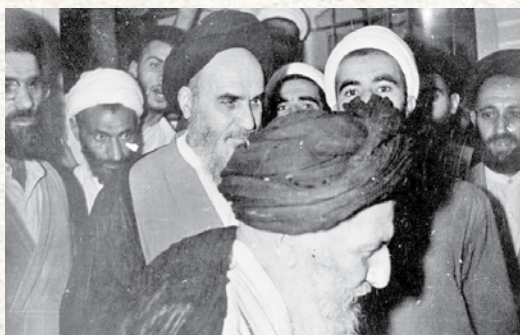
روز ۱۳ آبان یادآور سه رویداد مهم در تاریخ معاصر ایران است. تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، کشتار دانش آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران و تسخیر سفارت آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، سه رویداد مختلف بودند که



امام خمینی به هنگام زیارت مرقد امیر مومنان (ع) در دوران تبعید به شهر نجف



امام خمینی به هنگام تدریس در مسجد شیخ انصاری در دوران تبعید به شهر نجف



دیدار آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی با امام خمینی به هنگام ورود ایشان به شهر نجف



امام خمینی پس از وضو ساختن و به عزم نماز در دهکده نوفل لوشاتوی پاریس



انتقال امام از قم به تهران



امام خمینی در دوران اقامت در دهکده نوفل لوشاتوی پاریس



امام خمینی در دوران تبعید به بورسای ترکیه در سال ۱۳۴۳

### آغاز دوران تبعید امام خمینی

در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی (ره) توسط مأموران حکومت شاه بازداشت و پس از انتقال از قم به تهران، به ترکیه تبعید شدند. این تبعید در پی اعتراض امام به سیاست های حکومت پهلوی و از جمله تصویب لایحه کاپیتولاسیون به وقوع پیوست. امام ۹ روز پیش از تبعید، یعنی در چهارم آبان آن سال در مراسمی که به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) در منزلشان برگزار شد، با ایراد نطقی جنایات و مفاسد کاپیتولاسیون را تشریح کردند. کاپیتولاسیون دو هفته پیش از این سخنرانی، در ۲۱ مهر در مجلس شورای ملی به تصویب رسیده بود. امام در پی این سخنرانی در سپیده دم ۱۳ آبان توسط یک گروه از مأموران ساواک به سرپرستی سرهنگ مولوی رئیس ساواک تهران بازداشت شدند و هنوز آفتاب از افق سرزنده بوده که با یک فرزند هواپیمای نظامی از فرودگاه مهرآباد به ترکیه تبعید شدند. اطلاعیه کوتاه ساواک که از رادیو و تلویزیون و روزنامه ها انتشار یافت، چنین بود: «طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد، لذا در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۴۳ از ایران تبعید شد.» (۱) در پی تبعید امام خمینی با وجود فضای خفقان، موجی از اعتراض ها به صورت تظاهرات در بازار تهران، تعطیلی طولانی دروس حوزه ها و ارسال طومارها و نامه ها به سازمان های بین المللی و مراجع تقلید جلوه گر شد. آیت الله حاج مصطفی خمینی فرزند امام نیز در روز تبعید ایشان بازداشت و زندانی شد و پس از چندی در ۱۳ دی ۱۳۴۳ به ترکیه نزد پدر تبعید شد. امام خمینی (ره) جمعا ۱۱ ماه در ترکیه به سربردند، سپس ساواک با هماهنگی دولت ترکیه ایشان را در ۱۳ مهر ۱۳۴۴ به عراق تبعید کردند. ایشان به مدت ۱۳ سال تحت نظارت توأم با فشار رژیم بعثی عراق بودند. در بحبوحه انقلاب اسلامی و در نتیجه افزایش اختناق رژیم بغداد، امام خمینی در مهر ۱۳۵۷ راهی فرانسه شدند و طی ۴ ماه اقامت خود در آن کشور انقلاب اسلامی را تا مراحل پیروزی هدایت کردند و سپس در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به کشور بازگشتند. امام در طول هجرت ۱۴ ساله خود به روشنگری افکار عمومی ایران و جهان نسبت به ماهیت حکومت شاه پرداخته و زمینه انقلاب مردمی و سقوط رژیم پهلوی را فراهم ساختند. به همین دلیل نقطه شروع دوره هجرت یعنی ۱۳ آبان ۱۳۴۳ و همچنین نقطه پایان آن یعنی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به عنوان «یوم الله» شناخته شده است.



انتقال مجروحان و شهدا از مقابل دانشگاه



تجمع دانش آموزان و دانشجویان در ۱۳ آبان ۵۷



تجمع مردم روبروی دانشگاه تهران



سنگر گرفتن مردم عادی برای در امان ماندن از حمله سربازان رژیم پهلوی



درگیری دانشجویان با سربازان رژیم پهلوی

تجمع دانشجویان در زمین چمن دانشگاه تهران

## روز کشتار دانش آموزان

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ و در روزهای اوج گیری انقلاب اسلامی ده ها نفر از دانش آموزان که برای انجام تظاهرات در محوطه دانشگاه تهران تجمع کرده بودند، هدف تیراندازی مأموران حکومت قرار گرفته و به شهادت رسیدند. به دلیل بسته بودن درهای دانشگاه هیچ یک از دانش آموزان نتوانستند از برابر آتش گلوله های مأموران بگریزند و این امر تلفات آنان را افزایش داده بود. این جنایت توسط دولت شریف امامی صورت گرفت؛ دولتی که نام کابینه خود را «آشتی ملی» نهاده بود. حادثه ۱۳ آبان ۱۳۵۷ بعد از حادثه ۱۷ شهریور آن سال، دومین خونریزی عمده دولت جعفر شریف امامی بود؛ در حالی که عمر سیاسی این دولت از ۷۰ روز تجاوز نمی کرد. ابعاد حادثه دانشگاه به حدی بود که وقتی در برنامه اخبار شبانه گاهی گزارش تیراندازی مستقیم سربازان به روی دانش آموزان در دانشگاه از شبکه سراسری تلویزیون پخش شد، وزیر وقت علوم بلافاصله از مقام خود استعفا داد و فردای آن روز کابینه شریف امامی نیز سقوط کرد. از آن پس روز ۱۳ آبان «روز دانش آموز» نامیده شد.

## روز تسخیر «لانه جاسوسی»

خود را نیز برکنار می کند، هر دو چهره های متفاوت شیطنی هستند که اعتقاد به مردم و آرمان آنان ندارند و در برابر آن ایستادگی می کنند، در عین آنکه در برابر این اراده احساس ضعف و استیصال نیز می کنند. آنکه در تمام دوران حکومت خود شدیدترین اختناق ها را به مدد ساواک علیه گروه های اسلامی برقرار می کند با آنکه در دوران حکومت خود به تشدید تحریم های ۴۰ ساله کشورش علیه جمهوری اسلامی و اشخاص و نهادهای اسلامی می پردازد تفاوتی ندارند. هر دو در برابر اراده مردم ایستاده اند و هر دو نیز می دانند که این ایستادگی و عناد، بی ثمر است. از این رو دشمنان مردم ایران در حوادث مختلفی که در روزهای ۱۳ آبان به وقوع پیوسته اند، اهداف و ماهیت یکسانی دارند. چنانکه خود این سه حادثه نیز یک رویکرد داشت و به عبارت دیگر ۱۳ آبان حاوی یک درس از سه رویداد بود.

نمی تواند بکند و جوان ها هم مطمئن باشند که امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. بی خود صحبت اینکه اگر دخالت نظامی کند، مگر امریکا می تواند دخالت نظامی در این مملکت بکند؟... غلط می کند دخالت نظامی بکند. دخالت نظامی در این سه حادثه همانگونه که ذکر آن رفت، در سه زمان متفاوت و در سه نقطه کشور به وقوع پیوست اما هر سه رویداد یک مشخصه واحد داشتند و آن ایستادگی مردمی در برابر اقدامات و دشمنی های بیگانگان و یا حکومت های وابسته به آنها بوده است. این رویارویی و صف کشی تا به امروز ادامه یافته است. آنکه از سر ضعف و زبونی و با هدف پیروزی خود در برابر عزم و اراده مردم می گوید «صدای انقلاب شما را شنیدیم... و متعهد می شوم خطاهای گذشته از هر جهت جبران شود...» با آن کسی که اصرار دارد مذاکره صلح دوباره ای صورت گیرد و حتی مهره جنگ طلب

حکومتی امریکا علیه ایران که از طریق سفارتخانه آن کشور در تهران هدایت می شد اقرار کردند. سفارت امریکا در تهران طی زمستان ۱۳۵۷ تا پاییز ۱۳۵۸ به مرکز فرماندهی عملیات جاسوسی و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده بود؛ نظامی که عمر سیاسی آن به یک سال نمی رسید. با این حال سفارت امریکا زمانی توسط دانشجویان تسخیر شد که امریکا خواست مشروع ملت ایران در استرداد شاه و اموال و دارایی های بلوکه شده ایران را نادیده گرفت و حتی امکاناتی وسیع در اختیار فراریان حکومت شاه گذاشت تا تشکیلات خود را علیه انقلاب سازماندهی و فعال کنند. تسخیر لانه جاسوسی امریکا در تهران از ابتدا با حمایت امام خمینی (ره) مواجه شد. امام در این باره فرمودند: «شما می بینید که الان مرکز فساد امریکا را جوان ها رفته اند گرفته اند و امریکایی هایی هم که در آنجا بوده گرفتند و آن لانه فساد را به دست آوردند و امریکا هم هیچ غلطی

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ساختمان سفارت امریکا در تهران توسط جمعی از دانشجویان معترض تصرف شد. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا زمان تسخیر سفارت امریکا در تهران دیپلمات های امریکایی مستقر در سفارتخانه از هیچ تلاشی در جهت مقابله با نظام نوپدید جمهوری اسلامی ایران فروگذار نمی کردند. تماس با سرکردگان گروه های ضد انقلاب، ارتباط حمایتی با شبکه های کودتا و براندازی در داخل کشور و تأمین مالی گروهک های تروریستی که در غرب و جنوب ایران به انفجار در لوله های نفتی و یا ایجاد نا امنی و بی ثباتی، ترور و خونریزی در مناطق کردنشین مشغول بودند، از عملکردهای مأموران سیاسی فعال در ساختمان سفارت امریکا بود. این حقایق در اسناد لانه جاسوسی نیز آمده است. بعضی از مقامات بلند پایه دولت کاتر پس از شکست وی در انتخابات ۱۳۵۹، ش. در خاطرات خود، به نقش نامطلوب و مخرب دستگاه

تظاهرات مردم و دانشجویان بعد از تسخیر لانه جاسوسی



منابع: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی پژوهشکده تاریخ معاصر



تصرف لانه جاسوسی و تسخیر سفارت امریکا در ایران



دستگیری ویلیام سولیوان (سفیر امریکا در ایران) توسط نیروهای انقلابی بعد از اشغال سفارت امریکا در تهران



مصاحبه با جمعی از کارکنان سیاهپوست سفارت امریکا در ایران در آستانه آزادی



ملاقات فرستادگان ویژه امریکا با چند تن از کارکنان سفارت آن کشور در ایران بعد از تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام

# کتاب

آلبر کامو خود را وابسته به هیچ مکتب فکری ای نمی دانست



آلبر کامو در مراسم اهدای جایزه نوبل

## خداوکیلی کامو عشق فوتبال بود؟

بله چه جور هم! کامو در سال ۱۹۲۸ فوتبال را در باشگاه ورزشی مون پانسیه آغاز کرد. خود او می گوید: «خیلی زود یاد گرفتم که توپ هیچ گاه از طرفی که فکرمی کنید نمی آید و این درس، در زندگی ام - به خصوص در پاریس که هیچ کس با دیگری روراست نیست - خیلی به دردم خورد.» یک سال بعد کامو دروازه بان رده جوانان تیم راسینگ دانشگاه الجزیره شد. در گزارش هایی که از دوران فوتبال کامو به جای مانده او دروازه بانی توصیف شده که با فریادهای خود شور و اشتیاقی را به سایر بازیکنان تیم تزریق می کرد. اما بیماری سل تمام آینده حرفه ای آلبر کامو فوتبالیست را نابود کرد. او معالجه شد، اما نه به اندازه ای که بتواند رؤیای برابری با ستارگان بزرگ و استثنايي دروازه های فوتبال را که در سمری پروا نند محقق کند. هر چند که کامو دیگر بعد از سن ۱۷ سالگی نتوانست فوتبال بازی کند اما همیشه تا پایان عمر کوتاهش یک تماشاگر پرو ویا قرص فوتبال باقی ماند. علاقه او به فوتبال به حدی بود که وقتی چارلز پونسه، یکی از دوستانش، از او پرسید فوتبال را ترجیح می دهد یا تئاتر؟ پاسخ داد: «بدون تردید، فوتبال.»

## میراث او چیست؟

یک دو جین اثر فلسفی و ادبی درجه یک (که در همین شماره به معرفی برخی از آنها پرداخته ایم). مقادیر دلچسبی تفکرات و اندیشه های ناب. عنوان دومین برنده جایزه نوبل ادبیات در طول تاریخ و بسیار بسیار نامایشناها، مقالات و جستارهای جذاب در کنار تأثیرگذاری بر اندیشه ادبی و فلسفی بر تمام نسل های پس از خودش - که تا همین الان هم ادامه دارد - از مهمترین میراثی هستند که او برای بشریت به جای گذاشت.



او هرگز خودش را نه تنها و وجودگر بلکه وابسته فکری به هیچ مکتب و نحله فکری دیگری نمی دانست. او یک بار گفته بود «هم من و هم سارتر بسیار تعجب می کنیم وقتی نام ما را کنار یکدیگر می آورند». او به قدری از قرار گرفتن در چهارچوب های مشخص و قطعی گریزان بود که حتی انجمنی تأسیس کرد که در آن هر دو شیوه امریکایی و شوروی در حکمرانی زیر سؤال برده می شدند.

تولدت مبارک آقای «کامو»!

# از دومین برنده جوان نوبل ادبیات چه می دانید؟

محمد علی یزدانیار  
دبیر گروه کتاب



نوشتن از «آلبر کامو» نباید کار سختی باشد، شاید الان فکر کنید که قرار است در ادامه بنویسیم «اما صحبت کردن از او واقعاً کاری دشوار است». خیر! واقعاً نوشتن در مورد کامو اصلاً سخت نیست و جنابشان چنان تأثیر عمیق و بزرگی بر دو جهان فلسفه و ادبیات گذاشته و تقدیری زندگی و مرگ جذاب و عجیبی داشته اند که می شود ساعت ها در مورد او حرف زد و نوشت و نوشت بدون اینکه ماجرا تکراری شود. در این شماره به مناسبت تولد کامو در هفتم نوامبر نگاهی به زندگی و آثار او انداخته ایم.

## Albert Camus

کامو هیچ گاه پاسخ روشنی به این سؤال نداد و در موردش صحبت نکرد اما متنی در میان یادداشت هایش پیدا شد که طی آن او خودش را بیشتر «هنرمند» محسوب می کرد. بنابراین یک هیچ به نفع اهالی ادبیات! اما محصور کردن کامو در یک تعریف تک بُعدی ظلم بزرگی به میراث اوست، برای همه بزرگان علم و هنر، کامو فیلسوف و نویسنده ای بزرگ بود، همزمان و بدون تردید!

## آیا کامو وجودگر بود؟

خیر، فلسفه اگزیستانسیالی را دیگران از آرای او بیرون کشیده اند و گرنه او هرگز خودش را نه تنها وجودگر بلکه وابسته فکری به هیچ مکتب و نحله فکری دیگری نمی دانست. او یک بار گفته بود «هم من و هم سارتر بسیار تعجب می کنیم وقتی نام ما را کنار یکدیگر می آورند». او به قدری از قرار گرفتن در چهارچوب های مشخص و قطعی گریزان بود که حتی انجمنی تأسیس کرد که در آن هر دو شیوه امریکایی و شوروی در حکمرانی زیر سؤال برده می شدند.



تصویری از آلبر کامو در زمین فوتبال

## مثل همیشه اول اطلاعات و یکی پدایی

آلبر کامو در ۷ نوامبر ۱۹۱۳ در دهکده ای کوچک در الجزایر به دنیا آمد. پدرش «لوسین کامو» فرانسوی فقیری بود که در الجزیره برزگری می کرد و در آنجا با زن خدمتکاری که اهل اسپانیا بود ازدواج کرد و صاحب دو فرزند به نام های لوسین (هم نام پدر) و آلبر شد. پدر در ادامه و طی جنگ جهانی اول کشته شد. کامو در دوران جوانی و تا قبل از ابتلا به بیماری سل به فوتبال می پرداخت و دروازه بان تیم دانشگاه بود.

## کامو چه بود؟ فیلسوف یا نویسنده ادبیات؟

این درگیری بین علاقه مندان فلسفه و ادبیات سال هاست که وجود دارد. کامو نویسنده ای بود که فلسفه هم می دانست یا - مانند سارتر - فیلسوفی بود که دستی هم به قلم و داستان می برد؟ خود



در ستایش ادبیات مقاومت

## دست های خالی علیه اشغال!

محمد علی یزدانیار  
دبیر گروه کتاب

Mohammadalyazdanyar@gmail.com



توصیه می کنم این روزها حتماً نگاهی به آثار بزرگ ادبیات مقاومت بیندازید. این کتاب ها، برخلاف حال و هوای سیاسی دهه سوم قرن بیست و یک، بر اساس حفظ نظم موجود و ملامت مظلوم نوشته نشده اند. در آثار ادبیات مقاومت خط کشی ها نهایتاً مشخص هستند. اشتباه نکنید، این رمان ها و داستان ها سیاه و سفید نوشته نشده اند و اتفاقاً تعدادی از شگفت انگیزترین شخصیت های خاکستری تاریخ ادبیات داستانی در همین آثار خلق شده اند. با این حال و در انتها، تکلیف همه روشن است، حتی اگر نویسنده چیز زیادی در این مورد نگوید - که در بهترین آثار ادبیات مقاومت هم همینگونه است - خواننده پس از خواندن اثر فرق اشغال و اشغال شده را متوجه می شود. می فهمد که در چنین شرایطی انسان شریف چه می کند. خواننده در یکایک این داستان ها با خودش روبه رو شده و آزمونی سخت در تشخیص ظالم و مظلوم را از سر می گذراند. رمان های ادبیات مقاومت پر هستند از آدم های اهل مذاکره، عاقبت طلب ها، سیاسیون و مردم کوچ و بازار که از مبارزه خسته اند و باور دارند که باید بالاخره برای آسایش خودشان هم که شده سر خم کنند. اینکه چرا سری خم نمی شود و چرا نباید خم نشود را البته فقط در داستان های این گونه ادبی می توانید پیدا کنید.

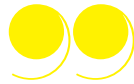
بله، این چیزی است که دنیای امروز ما نیاز دارد، یا حداقل اگر نخواهم گزاره گویی کنم این یکی از بسیار چیزهایی است که دنیای امروز ما به آن نیاز دارد. در دنیایی که به اشغالگر «حق دفاع از خود» بدون قید و شرط می دهند و به محکوم کردن اشغال شده می پردازند، در دنیایی که گویا «مقاومت» کاری است بسیار زشت و خلاف مصالح بشری و در دنیایی که حتی نخبگانش تفاوت «جنبش اجتماعی خشونت پرهیز» را با «حق مبارزه با اشغالگر» نمی فهمند و اولی را جای دومی می گذارند و دفاع از خاک را نهی می کنند این تنها و تنها ادبیات مقاومت است که به شما نشان می دهد باید کجای ماجرا ایستاد و باید به کدام سمت حرکت کرد



در دنیایی که حتی نخبگانش تفاوت «جنبش اجتماعی خشونت پرهیز» را با «حق مبارزه با اشغالگر» نمی فهمند و اولی را جای دومی می گذارند و دفاع از خاک را نهی می کنند این تنها و تنها ادبیات مقاومت است که به شما نشان می دهد باید کجای ماجرا ایستاد و باید به کدام سمت حرکت کرد



کتاب بیگانه، چهار بار به زبان انگلیسی و همچنین به زبان‌های متعدد دیگری ترجمه شده و یکی از برترین آثار کلاسیک قرن بیستم به حساب می‌آید. روزنامه لوموند فرانسه، رمان بیگانه را در رتبه نخست ۱۰۰ کتاب برتر قرن قرار داده است



# بفرمایید «کامو» بخوانید!

## راهنمای کوتاه مطالعه آثار کامو

ارائه و معرفی فهرست گزیده‌ای از آثار کامو بر خلاف نوشتن در مورد کامو کاری بسیار سخت و طاقت فرساست. او در هر زمینه‌ای که ورود کرده آثار ماندگاری به جای گذاشته است. کارنامه او پر است از رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه و آثار فلسفی درجه یک. در این مطلب سعی کرده‌ایم گلچینی از آثار مهم کامو را به شما معرفی کنیم.



### بیگانه

از پس زمینه و جان مایه رمان بیگانه، اغلب به عنوان مثالی از فلسفه آیزور و هستی‌گرایی کامو یاد شده است؛ گرچه خود او، اگزیستانسیالیست بود این اثر را رد کرده است. شخصیت اصلی کتاب، یک مرد فرانسوی/الجزایری بی تفاوت به نام مورسو است که با عباراتی چون «شهروند رام شده فرانسه در آفریقای شمالی» و «مرد مدیترانه‌ای» توصیف شده است؛ هرچند مورسو به ندرت از فرهنگ سنتی مدیترانه بویی برده و در آن سهیم می‌شود. او در مراسم خاکسپاری مادرش حضور می‌یابد و چند روز بعد، مردی عرب را که درگیر تزاغی با یکی از دوستانش بوده، در الجزیره تحت اشغال فرانسوی‌ها به قتل می‌رساند. مورسو محاکمه و به اعدام محکوم می‌شود. داستان به دو بخش قبل و بعد از قتل تقسیم شده و به صورت اول شخص، توسط شخصیت اصلی روایت می‌شود. کتاب بیگانه، چهار بار به زبان انگلیسی و همچنین به زبان‌های متعدد دیگری ترجمه شده و یکی از برترین آثار کلاسیک قرن بیستم به حساب می‌آید. روزنامه لوموند فرانسه، رمان بیگانه را در رتبه نخست ۱۰۰ کتاب برتر قرن قرار داده است.

### عصیانگر

کامو در کتاب عصیانگر که به صورت مقاله نگاشته شده و احتمالاً مهم‌ترین اثر فلسفی اوست، تلاش می‌کند با بهره‌گیری از تفکرات و دیدگاه‌های انسان‌های باغی، تجربیات عقیدتی و ایمانی اروپاییان. مسیحیت، نیست‌انگاری، فاشیسم و کمونیسم را با کاود و از سیر تاریخی افکاری که در طول زمان در اروپا بروز کرده، دیدگاهی روشن به دست دهد. این اثر که در پنج فصل -عصیانگر، عصیان متافیزیکی، عصیان تاریخی، عصیان هنری و اندیشه نیمروزی- نوشته شده، با یادآوری لحظات تاریخی هشدار می‌دهد تکرار رویدادهای گذشته اجتناب‌ناپذیر است. نویسنده باور دارد افرادی که از عشق به انسان سخن می‌گویند، کشتارها را با دستاویز قرار دادن فلسفه توجیه می‌کنند.

### طاعون

رمان طاعون، داستان شیوع یک بیماری مهلک را در اوران، شهری بزرگ در الجزایر، روایت می‌کند. هزاران موش در ماه آوریل، به بیماری مبتلا شده و می‌میرند. وقتی که ترسی نه چندان عمیق، جامعه را فرامی‌گیرد، روزنامه‌ها و جراید شروع به تأکید بر اهمیت یک اقدام فوری می‌کنند و در نهایت، مقامات دولتی دستور به جمع‌آوری و سوزاندن روزانه موش‌ها می‌دهند. رمان طاعون، برخلاف مخالفت‌های آلبر کامو، یک اثر کلاسیک هستی‌گراییانه در نظر گرفته می‌شود. لحن راوی کتاب، با جملاتی ساده اما چندوجهی و داستانی تمثیلی که بیشتر مواقع، اشاره به ذهن و خودآگاهی بشر دارد، مخاطب را به یاد آثار کافکا، بخصوص رمان محاکمه، می‌اندازد.

### تسخیرشدگان

تسخیرشدگان نمایشنامه‌ای است که آلبر کامو بر اساس رمانی به همین نام از فیودور داستایوفسکی نوشته است. کامو این رمان داستایوفسکی را در جوانی خوانده بود و تحلیلی سخت از آن تأثیر گرفته بود. او جنایت پنهانی، تحول و دگرگونی و سرزشت استاوروگین، شخصیت رمان داستایوفسکی، را در مرکز محور نمایشنامه‌اش قرار داده است.



### سقوط

سقوط آخرین اثر داستانی کامل شده از کامو است. در این اثر، بن مایه‌هایی چون بی‌گناهی، حصر، نیستی و حقیقت را مورد واکاوی و کنکاش قرار می‌دهد. ژان پل سارتر «احتمالاً زیباترین و درک نشده‌ترین» کتاب کامو توصیف کرده است.

### اسطوره سیزیف

این یکی از آثار فلسفی کامو است و داستان کتاب، از اسطوره مردی الهام گرفته شده که به فرمان خدایان مجبور است تا ابد، تخته سنگی را از کوهی بالا ببرد و بازگشت دوباره آن به دره پایین کوه را به تماشا بنشیند. کتاب اسطوره سیزیف، با استدلال‌هایی پرشور و حرارت درباره ارزش زندگی در دنیایی خالی از معنی و مفهوم، فلسفه قرن بیستم را متحول ساخت و همچنان به عنوان یکی از برترین آثار ادبی و فلسفی تمام دوران شناخته می‌شود.



### کالیگولا

کالیگولا، امپراطور رومی و بدنامی است که در این نمایشنامه چهار پرده‌ای، به تجسمی از پوچی و معنازدگی تبدیل می‌شود. ذهن کالیگولا پس از مرگ خواهر و معشوقه‌اش، به شکل وسواس گونه‌ای درگیر مفهوم «غیرممکن‌ها» می‌شود. او با گذشت زمان به حقیقتی مهم اعتقاد پیدا می‌کند: «انسان‌ها می‌میرند و از زندگی شان راضی نیستند». این حقیقت، که کالیگولا آن را نتیجه‌ای برخاسته از منطقی ساده و درست می‌داند، مسأله‌ای است که همه ملت باید از آن آگاه شوند و این آغازی بر اتفاقات عجیب و غریب و پیچیده در ادامه نمایشنامه است.

### وقایع نگاری‌های الجزایر

وقایع نگاری‌های الجزایر مجموعه‌ای است از مقالات و یادداشت‌هایی که آلبر کامو از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۸ درباره زادگاهش الجزایر نوشت. او در این دوره پر آشوب که به فقر، کشتار، جنگ‌های داخلی و اختلاف‌های عمیق سیاسی منجر شد، سعی کرد راوی روح الجزایری باشد که می‌شناخت. بی‌هیچ مسامحه و مصالحه‌ای با یکی از طرفین درگیری. او در این کتاب به وضوح آرای خودش در زمینه استقلال الجزایر، استعمار فرانسه و دیگر درگیری‌های مهم بین دو ملت را شرح می‌دهد.



## بوسنی از زاویه‌ای دیگر

کشتار در قلب اروپا

طاهره راهی  
خبرنگار

کلید بوسنی برای من متولد دهه شصت با یک فیلم روشن شد، فیلمی از ابراهیم حاتمی کیا با عنوان خاکستر سبز، ابتدای دهه هفتاد، زمانی که تنها کلاس سوم دبستان بودم؛ با آن فاطیمای زیبا که هنوز هم برایم فرشته‌ای دست نیافتنی است و آن چشم‌های سرشار از عشق، شوق و دل‌تنگی عزیز. بوسنی برای من دخترک هشت نه ساله ایرانی، جنگی بود که هم دلیل وصل بود و هم مانع آن.

بوسنی اما نه تنها عشق را، که جنگ را هم پیش رویم آورد. جنگی که برای مای دور از آنجا، در عکس‌ها و فیلم‌ها قابل دیدن بود و البته خاطرات زنده‌گانی که از ایران برای کمک به مردم بوسنی به آنجا رفته بودند. در مورد جنگ بوسنی کتاب‌های متعددی نوشته شده اما شاید یکی از معدود کتاب‌هایی که جزئیاتی از آن را برایمان به تصویر کشیده، کتابی است با عنوان «مجاهدین در بوسنی: تروریست یا رزمنده» نوشته ژنرال حسن افندیچ.

این ژنرال که یکی از مقامات ارشد نظامی و سیاسی بوسنی و هرزگوین است، از ابتدای جنگ در بوسنی تا پایان آن در جریان کلیات و جزئیات مسائل نظامی و امنیتی داخلی و خارجی منطقه بوده و از سوی دیگر دسترسی مناسبی به گزارش‌ها و مستندات بوشنیایی (اصطلاح قومی برای مسلمانان بوسنی) و صربی در دوره مذکور داشته است.

نویسنده در این کتاب از افرادی سخن می‌گوید که برای کمک و با عنوان مسلمان و مجاهد، به بوسنی رفته‌اند، مجاهدانی که دشمنان بوسنی مدعی اند فقط به منظور تشکیل جمهوری اسلامی در قلب اروپا وارد بوسنی شده و به اصطلاح باعث ایجاد القاعده سفید شده‌اند. او این مجاهدان را به سه گروه شهادت طلب، ماجراجو و عوامل سرویس‌های امنیتی غربی و عربی تقسیم می‌کند و با این تقسیم‌بندی، مخاطب را با جزئیات بیشتری از جنگ و وضعیت مسلمانان بوسنی و هرزگوین، قبل و بعد از استقلال این کشور آشنا می‌کند.

افندیچ در این کتاب بارها بیان می‌کند ارتش بوسنی نه به افراد، که به سلاح نیاز داشته اما این مجاهدین بودند که بی‌خبر به کشورشان آمده و میان ارتش‌شان جاجوش کرده بودند. «ما دقیقاً نمی‌دانستیم بیگانگان برای چه می‌خواهند به ما کمک کنند. خود آنها می‌گفتند که می‌خواهند به برادران مسلمان بوسنی کمک کنند. طبیعی بود که بوشنیاک‌ها هم از آنها استقبال کنند، چون هم می‌خواستند کمک کنند و هم در جبهه حضور یابند. اما آیا کسی نبود از مجاهدین بپرسد ما به شما نیازی نداریم، چرا به اینجا می‌آید؟ از نظر اخلاقی ما نمی‌توانستیم به کسانی که پیشنهاد کمک می‌دادند جواب رد بدهیم.»

مجاهدینی که با ورودشان وهابیت را در بوسنی گسترش دادند، چیزی که حتی علی عزت بگوویچ هم با درک خطر آن در مراسم مجلس جامعه اسلامی در سال ۹۵ میلادی از آن سخن گفته: «در کنار گوش ما صحبت‌هایی درباره یک مذهب جدید در بوسنی به میان آمده... کسانی هستند که فکرشان فقط این است که ریش بلند بگذاریم...» در این میان افندیچ از مجاهدین ایرانی نام می‌برد که برای کمک به مردم و ارتش بوسنی در معرکه حضور داشته و هیچ‌گاه از حدود اسلام و قانون کشور بوسنی خارج نشده بودند.

ژنرال افندیچ که به اسناد و گزارش‌های رسمی ارتش بوسنی و هرزگوین، سرویس‌های اطلاعاتی پلیس و وزارت کشور بوسنی و همچنین سیاست‌های اعلامی و مستندات دشمن صرب و اظهارات رسمی مقامات کشورهای اروپایی و غربی دسترسی داشته، توانسته کتابی مستند برای مخاطب به تصویر بکشد و از این منظر، کتاب اهمیت ویژه‌ای دارد.



در مورد جنگ بوسنی کتاب‌های متعددی نوشته شده اما شاید یکی از معدود کتاب‌هایی که جزئیاتی از آن جنگ داخلی را برایمان به تصویر کشیده، کتابی است با عنوان «مجاهدین در بوسنی: تروریست یا رزمنده» که مخاطب را با جزئیات بیشتری از جنگ و وضعیت مسلمانان بوسنی و هرزگوین، قبل و بعد از استقلال این کشور آشنا می‌کند

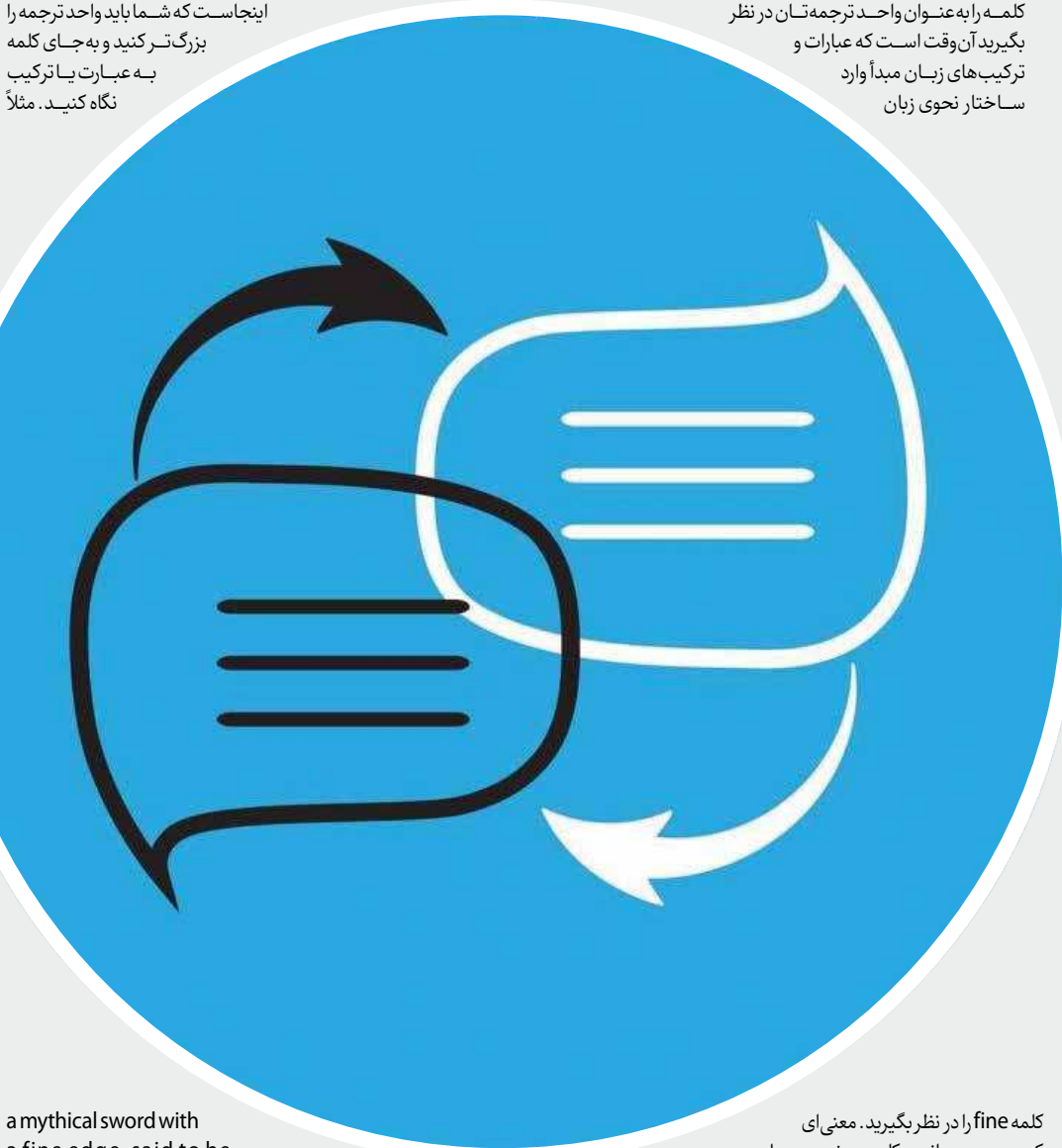
# بررسی برخی واحدهای ترجمه

فاطمه منصوری نصرآباد  
مترجم

فارسی یا همان متن مقصدتان می‌شود. متن خروجی انسجام کافی ندارد؛ چون تمام واحدها را یک شکل در نظر گرفته‌اید پس نتوانستید الگوهای مختلف را تشخیص دهید و متنی منسجم مثل متن زبان مقصد ارائه دهید.

همه کلمه‌های جمله‌هایی که در متن نوشته شده‌اند تک معنایی نیستند. همه معانی به کار رفته برای یک لغت در لغت نامه هم قرار نیست به مفهوم و محتوای متن بخورد و ربط داشته باشد. اینجاست که شما باید واحد ترجمه را بزرگ‌تر کنید و به جای کلمه به عبارت یا ترکیب نگاه کنید. مثلاً

اگر به عنوان مترجمی تازه کار نمی‌دانید واحد ترجمه دقیقاً چیست باید بگوییم کوچک‌ترین بخشی که شما ترجمه می‌کنید واحد است. برخلاف تصور خیلی از مترجم‌های نوپا واحد ترجمه فقط کلمه نیست؛ بلکه می‌تواند هم کلمه باشد، هم گروه اسمی. گاهی حتی واحد ترجمه یک جمله است! و چرا دانستن این موضوع مهم است؟ چون تمام این واحدها به یکدیگر متصل‌اند و برای ادامه ترجمه لازم است آن را تشخیص دهید و در نظر بگیرید. علاوه بر آن اگر شما مترجم فقط کلمه را به عنوان واحد ترجمه‌تان در نظر بگیرید آن وقت است که عبارات و ترکیب‌های زبان مبدأ وارد ساختار نحوی زبان



a mythical sword with a fine edge, said to be capable of cutting through any armor with ease  
در نظر گرفتن واحد ترجمه جمله‌ای طولانی، زشت و کسل‌کننده تحویل می‌دهید. اینجاست که باید واحد ترجمه را جمله در نظر بگیرید. این یعنی تنها هدف شما اینجا انتقال مضمون و محتوای جمله اصلی است. پس متن ترجمه را می‌توان این طور نوشت: «در افسانه‌ها آمده شوالیه‌ای نامدار شمشیری چنان برنده داشت که از زره عبور می‌کرد، پس هنگام ترجمه دقت کنید که از چه واحدی باید استفاده کنید تا ترجمه خوشخوان داشته باشید.»

کلمه fine را در نظر بگیرید. معنی‌ای که همه می‌دانند کلمه «خوب» یا «جریمه» است. حالا این دو جمله فرضی را بخوانید:

The driver had to pay a parking fine because they parked illegally in front of their office.  
«جریمه پارکینگ» و «پارک غیرمجاز جلوی اداره‌شان» حتماً در جمله بیاید. این ترکیب‌ها جمله‌ای مصنوعی می‌سازند. حالا اگر جمله را در سطح عبارت بشکنید می‌توانید مفهوم عبارت‌ها را در نظر بگیرید و جمله‌ای به شکل «راننده باید جریمه بی‌اجازه پارک کردن جلوی در اداره را بپردازد.» بنویسید.

اگر جمله Legends spoke of a legendary knight who wielded

اگر فقط کلمه را به عنوان واحد ترجمه در نظر بگیرید عبارات و ترکیب‌های زبان مبدأ وارد ساختار نحوی زبان می‌شود. متن خروجی انسجام کافی ندارد؛ چون تمام واحدها را یک شکل در نظر گرفته‌اید پس نتوانستید الگوهای مختلف را تشخیص دهید و متنی منسجم مثل متن زبان مقصد ارائه دهید



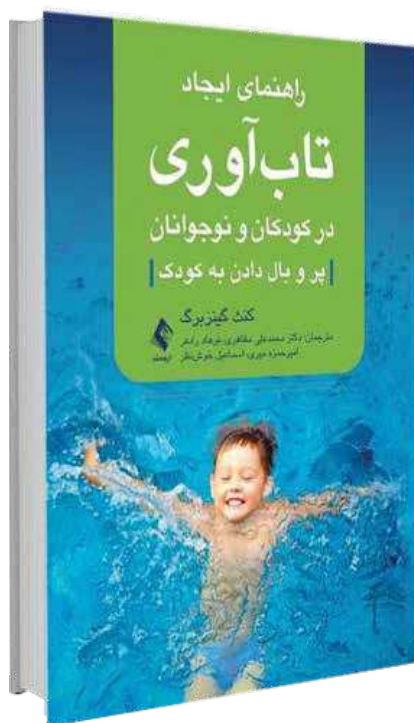


# «من می توانم»

## چگونه دایره توانمندی های کودکمان را بزرگتر کنیم؟



همه ما طی چند سال همزیستی با کودکان فهمیده ایم که آنها با «قوی باش»، «خودت انجام بده»، «باید یاد بگیری زود کم نیاری»، «تاب آور» نمی شوند. مغز بچه ها اصولاً طور دیگری کار می کند



زهرابزرگ زاده  
روانشناس کودک و نوجوان



**حال پرسیم کودک تاب آور چه ویژگی هایی دارد؟**

۱- به نیازهایش به طور پیش رونده ای آگاهی دارد و برای برآوردن آن تلاش می کند. ۲- در هنگام مواجهه با چالش، اولین راه حلش، پرسیدن از بزرگترها یا شکایت به آنها نیست، ابتدا سعی می کند خودش کمی با مسأله کلنجار برود. ۳- سازگار است. می تواند شرایط جدید یا ناخوشایند را تحمل کند.

**چگونه کودک تاب آوری داشته باشیم؟**

مهم ترین راه برای افزایش طاقت و تاب آوری کودکان، افزایش تاب آوری خودمان است. وقتی کودک ما ببیند که در حل مسائل کوشا و با پشتکار هستیم می آموزد که همیشه برای امیدواری و ادامه دادن راهی هست. دومین راهکار مهم این است که ابزار کنجکاوی و استقلال کودک را از او نگیریم.

کودکان دوست دارند کارها را خودشان انجام دهند اما خیلی وقت ها ما به خاطر کندی یا کثیف کاری های احتمالی نمی گذاریم مسئولیتی بپذیرند. این کار ابزار استقلال را از آنها می گیرد. گاهی نیز با نگرانی های بیش از حد آنها را به قدری محدود می کنیم که کنجکاوی شان از بین می رود. و در نهایت لذت کشف پیش از آموختن است. بگذاریم کودکان، بدون دستورالعمل ما، کارهایشان را پیش ببرند، آنها در این فرایند می آموزند تلاش کنند، اشتباه کنند، اشتباهشان را ببینند و جبران کنند و خسته نشوند و این یعنی تاب آوری.

حال کتاب هایی در مورد تاب آوری برای کودکان و بزرگسالان معرفی خواهیم کرد:

ما بزرگترها خیلی وقت ها از بچه ها انتظار داریم که «قوی» باشند و ناامید نشوند. چند بار تلاش کنند و اگر باز نتوانستند از ما کمک بخواهند.

در هر چالش و موقعیتی زود داد و فریادشان به هوانرود. مادر واقع می خواهیم کودکانی «تاب آور» داشته باشیم. تاب آوری همان مهارتی است که همه فن حریف است.

خیلی وقت ها که از کوره در می رویم، به کفایتان شک می کنیم یا می خواهیم راهی را که آمده ایم برگردیم در واقع تاب آوری مان کم است و باید طاقتمان را بیشتر کنیم. حتماً طی چند سال همزیستی با بچه ها فهمیده اید که آنها با «قوی باش»، «خودت انجام بده»، «باید یاد بگیری زود کم نیاری»، «تاب آور» نمی شوند. مغز بچه ها اصولاً طور دیگری کار می کند.

در این نوشتار، به مناسبت دست و پنجه نرم کردن تمام کودکان با مقوله ای به نام مدرسه، در مورد تاب آوری چند راهکار و کتاب معرفی خواهیم کرد.

تاب آوری در فرهنگ لغات روانشناسی این طور تعریف شده است: تاب آوری فرایند و دستاورد انطباق موفقیت آمیز با تجربیات سخت یا چالش برانگیز زندگی است، بخصوص انعطاف و کنار آمدن با چالش های درونی و بیرونی به طور ذهنی، هیجانی و رفتاری تعریف پیچیده ای است اما اصل مطلب این است که اگر شما نتوانستید از پس چالش های مثبت و منفی زندگی برنیایید به لحاظ روانی، جسمی و هیجانی با هر چالش آشفته نشدید، شما تاب آور هستید.

است اما دل مهربانی دارد و همین دل مهربان برایش انگیزه ای است تا «بخواند». این کتاب داستان پیچیده ای ندارد اما به کودکان یاد می هد که گاهی برخی آدم ها به درخواست های ما جواب مثبت نمی دهند و باید برای رسیدن به خواسته هایمان تلاش بیشتری کنیم. به علاوه ممکن است چندان قوی و بزرگ نباشیم ولی بتوانیم کارهای بزرگی انجام دهیم. و در نهایت کتاب کاری برای شما والد عزیز تا بتوانید از آن برای تاب آوری کودکان کمک بگیرید: راهنمای ایجاد تاب آوری در کودکان و نوجوانان، نوشته کنگیزبزرگ، انتشارات ارجمند

این کتاب در واقع یک روانشناس خانگی مکتوب است که می تواند به شما کمک کند تاب آوری کودک یا نوجوانتان را بالا ببرید. اگر نیاز داشتید که روی تاب آوری خودتان هم کار کنید می توانید به دیگر کتاب کارهای نشر ارجمند که پیرامون همین موضوع هستند سر بزنید.

**برای سن ۴-۵ سال و تا ۶ سال**

ساختن فوق العاده است، نوشته اشلی اسپایز، ترجمه شبنم حیدری پور، نشر پرتقال. این کتاب، داستان نتوانستن است. داستان پیشرفت. تقدیم به تمام کودکانی که کاردستی هایشان را مجال می کنند، یا از ترس اینکه کارشان خوب نشود، اصلاً انجامش نمی دهند. دختر این داستان می خواهد چیزی فوق العاده بسازد، اما هر چیزی که می سازد به نظرش فوق العاده نیست. به نظرم این داستان بیش از آنکه خودش خیلی فوق العاده باشد، حرف زدن پیرامونش است که خیلی خوب است. گاهی کتاب ها تنها پلی هستند به شهری جدید که در کودکان کشف می کنیم. بعد از خواندن این کتاب هر وقت کودکان از نقاشی اش یا کاردستی اش ناراضی بود می توانیم به او بگوییم با با هم قدمی بزنیم و هوایی بخوریم، بعد که کلافگی اش از بین رفت، می توانیم سیر پیشرفتش را به او نشان دهیم. حالا او قطعاً در مورد خودش احساس بهتری خواهد داشت و می آموزد که چیزهای فوق العاده با یک بار تلاش، به دست نمی آیند.

**قطار کوچولویی که توانست، نوشته واتنی پایپر، ترجمه سمیه حیدری، انتشارات مهرسا**

داستان این قطار کوچولو هم به این جهت اهمیت دارد که به ما بزرگترها یادآوری می کند که «من می توانم» جمله مهم و کمیابی است و مراقب باشیم آن را از کودک نگیریم. قطار این قصه کوچک

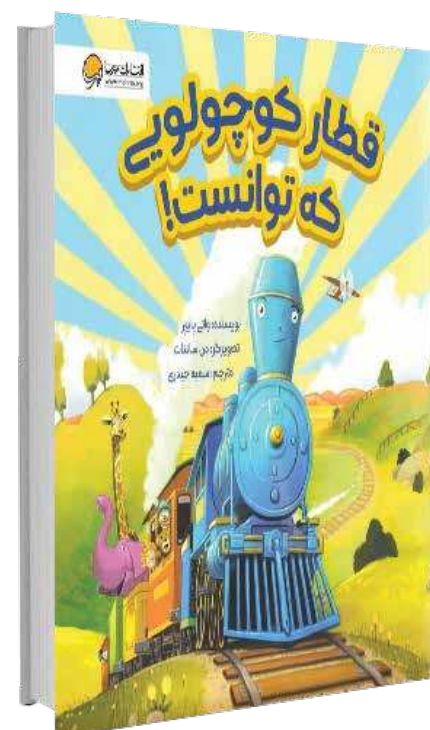
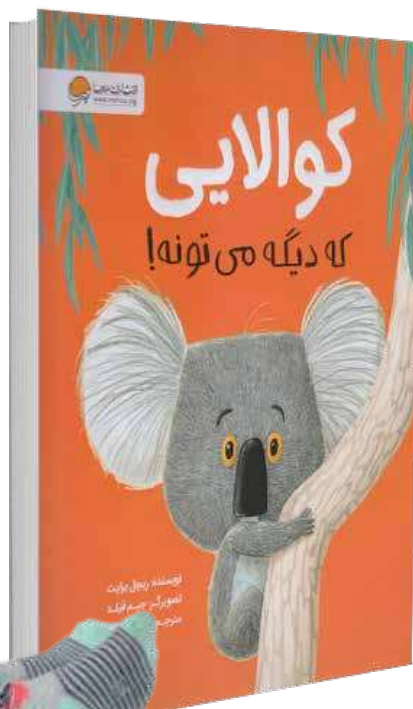
**برای سن ۳-۴ سال**

کوالایی که دیگه می تونه، نوشته ریچل برایت، ترجمه شارا عاشوری، انتشارات مهرسا

کوالای این قصه، یک شاخه امن دارد که رها کردن آن برایش سخت است. مثل همه ما و همه کودکان که با گذاشتن به دنیای ناشناخته بیرون برامان سخت است.

اما می دانیم که گریزی از این اتفاق نیست و دیر یا زود باید از این شاخه جدا شویم. کوالا هم به کمک دوستانش از شاخه دل می کند و به دنیای جدید بیرون پامی گذارد.

این کتاب را می توانید وقتی کودکان را برای اولین بار به مهد کودک می برید برایش بخوانید و از لذت تجربه های جدید با او حرف بزنید.



# زندگی

درباب تعامل با خویشاوندان

## در ستایش عمه و شوهرش!



تصویری از بزرگ‌ترهای یک خانواده در انتظار یک میهمانی صمیمی

سازمؤمنی  
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

تعاملی که با او داشتیم فکر می‌کنیم. بنابراین ارتباط سطحی، اولیه و خیلی کم‌رنگ را با خویشاوندان مان داریم. این با نظریه اساسی که می‌گوید انسان یک موجود اجتماعی است هم بی‌ربط نیست. آدمی تاب «تنهایی مدام» را ندارد، وگرنه بازداشت‌های خانگی و زندان‌های انفرادی برای مجازات اختراع نمی‌شد. یک خاله پیر در یک شهر کوچک را تصور کنید که او هم روزی شاد و سرحال و جوان بوده و شبکه اجتماعی شلوغی داشته، اما حالا تنهاست و تنها چیزی که برایش مانده شما هستید، همین برادرزاده یا خواهرزاده‌هایش. انتخاب تعامل با او اجباری نیست، اما مشاهده، صبوری، سازش و ساعاتی جداشدن از جهان شلوغ پیرامون تان را به دنبال دارد که دیدن لبخند یا شادی او از دیدن شما، ناخودآگاه به شما حس مسئولیت‌پذیری، محبت و حتی تغییر جهان را می‌دهد و این چیزی نیست که جای دیگر و در زمانی کوتاه بتوان به دست آورد.

وقتی می‌خواستیم درباره یکی از ابعاد سبک زندگی که انتخاب مادر نحوه تعامل با «فامیل و آشنا» است بنویسیم، بیشترین مطالبی که به چشم خورد، مطالب پزشکی بود؛ اینکه مثلاً فلان سرطان اگر در فامیل و خویشاوند شما باشد، ممکن است به صورت ارثی در شما هم باشد. با اینکه ازدواج فامیلی چه پیامدهایی دارد و چیزهایی از این قبیل که خواندن تیتراش خود به خود آدم را از فامیل و خویشاوند دور می‌کند، چه رسد به اینکه بخواهیم در تعامل با خویشاوند عمیق شویم و ببینیم وقتی که انتخاب مان تعامل با خویشاوندان است، چه اثراتی روی ما و فامیل مان دارد. (اصطلاح خون، خون رو می‌کشد) مستقیماً به فامیل، هم‌کیشی و خویشاوندان وصل می‌شود، به این معنا که در بدترین، دورترین، تلخ‌ترین و سردترین حالت، وقتی که یکی از فامیل‌های ما به مسأله‌ای بحرانی دچار می‌شود، دلمان برای او می‌سوزد یا چند دقیقه یا ثانیه به او و تجربه نسبت و



اصلاً چه شد که در بحث و جدال‌ها همه ناسزاها نصیب عمه‌ها شد و از کی شوهر عمه‌ها موجوداتی منفور، بی‌خیال، فضول و دردسرساز شدند؟

تعامل با فامیل، چرا، چقدر و چگونه؟!

مادر نقش عمه یا شوهرش!

ممکن است یکی از علل عدم تعامل ما با قوم و خویش، تصورات غالبی باشد که فیلم و کتاب و رسانه و دوستان و محیط به ما تلقین کرده باشند. اصلاً چه شد که در بحث و جدال‌ها همه ناسزاها نصیب عمه‌ها شد و از کی شوهر عمه‌ها موجوداتی منفور، بی‌خیال، فضول و دردسرساز شدند؟ فارغ از اینکه خود ما تصمیم می‌گیریم که دیگری بیرون از ما با چه رفتاری داشته باشد، در چه فاصله‌ای از ما قرار بگیرد و اجازه گفت‌وگو درباره چه چیزهایی را با ما داشته باشد، مگر غیر از این است که ممکن است ما به عنوان یک فرد با هویت مشخص، یک خواهرزاده و برادرزاده داشته باشیم که برای یکی خاله و دایی باشیم و برای دیگری عمو و عمه؟ پس راه اول برای تغییر نوع تعاملات مان با قوم و خویش این است که تصورات قدیمی را از ذهنمان خارج کنیم. عمه یا شوهرش پیش از اینکه عمه یا شوهر عمه ما باشند، دختر و پسر جوانی شبیه خود ما بوده‌اند و در آینده ما هم نقش آنها را نسبت به برادرزاده یا خواهرزاده‌مان خواهیم داشت.

ورود فامیل و آشنا ممنوع!

یکی از علت‌های مهم عدم تعامل ما با قوم و خویش، ورود هم‌زمان همه ما به عصر شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی بود که نه تنها تعامل ما با قوم و خویش را تغییر داد یا حتی حذف کرد، بلکه نگرشی منفی نسبت به خانواده پدري و مادري را در ما ایجاد کرد که پیش از این با هم دور یک سفره جمع می‌شدیم و با انتخاب گردش در طبیعت مان حتماً با خانواده گسترده و عمو و دایی و خاله و عمه بود، بنابراین در پروفایل صفحه مجازی مان نوشتیم: «ورود فامیل و آشنا ممنوع!» و به طور هم‌زمان بی‌خبر و ناخودآگاه در حال تنبیدن پيله‌های تنهایی خود شدیم. فکر کردیم غریبه‌ها بهتر هستند، ما را بهتر می‌بینند و دیگر تنها نیستیم. فارغ از اینکه حواس مان نبود آن غریبه‌ها هم شبیه ما و مانند خود ما عمو و خاله و عمه و دایی کسی دیگر هستند یا اینکه برادرزاده و خواهرزاده کسی دیگر هستند. اینجا نمی‌خواهم درباره سواد رسانه و مصرف درست و آگاهانه رسانه حرف بزنم؛ اما همین را بگویم که این ورود سریع به فضای مجازی و شوق بی‌حد و حصر کشف جهان پوشالی آن، زمان، توجه و هویت ما را در زندان مجلل انفرادی خودش قرار داد و ما را از چیزهایی غافل کرد که ریشه اصلی وجودی ما را شکل داده بودند.

ارتش سری جهان جدید مقابل قوم و خویش

شاید شما هم این گفته‌های کلی تعمیم داده شده را شنیده باشید که مثلاً «کردها خیلی پشت هم هستند»

اغلب روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مشاوران دینی در حوزه خانواده برای این باورند که انسان موجودی اجتماعی است و تعامل، برقراری ارتباط و گفت‌وگو با دیگری از نخستین نمودهای اجتماعی بودن انسان است. خوب و زیاد و بیشتر شدن اخلاق و روزی و بخشندگی آدمی با تعامل با قوم و خویش و بسیاری از اثرات مثبت تعامل با فامیل را که فقط اشاره کنیم به این می‌رسیم که حضرت امیر علیه‌السلام خویشاوندان را پروبال آدمی دانسته که پرواز با آنها ممکن است. رشد و پیشرفت در سایه کمک‌های آنها، تنها نبودن در مواجهه با مشکلات و مبارزه با دشمنان با کمک خویشاوندان سه عبارت کلیدی همین فرموده امام است. برای هر سه مورد مثال‌های واقعی در ذهنم دارم. «لیلا دختر کوچکی بود که با حمایت مالی و روانی عمویش برای تحصیل به شهری دیگر رفت و دکتر شد.» «ژیا، عمه‌ای بود که ناگهان فهمید غده‌های سرطانی دارد و باید عمل کند. همه خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها به محض شنیدن خبر همراه پسر عمه و دختر عمه خود شدند و دنبال دکترو بیمارستان برای او و تا لحظه مرخصی از بیمارستان همراه او بودند.» برای مورد سوم مثال پرغمی از زنی در غزه دارم که به برادرش گفت: «بیا بچه‌هایمان را عوض کنیم و بچه‌های من در خانه شما و بچه‌های شما در خانه ما باشند که اگر بمب‌های اسرائیل به یکی از خانه‌ها فرود آمد، خیالمان راحت باشد در خانه دیگریاز هردو خانواده کسی زنده مانده...» یا «دختر بچه‌ای که وصیت کرده بود و لباس‌ها و عروسک‌هایش را به خواهر و دختر عمه و دختر عمو داده بود...»

اینجا کمی درباره چرایی گفتیم. اما کیفیت و کمیت تعامل را خود ما تعیین می‌کنیم. مثلاً اینکه یک عصر سرد پاییزی از شیفت بیمارستان یا کلاس دانشگاه یا شرکت بیرون بزنیم و راه مان را به سمت خانه مادر بزرگ، عمو یا دایی پیر کج کنیم و چند ساعتی کنارش بمانیم، انتخاب خود ما است. ممکن است کمتر زمانی برای تعامل حضوری داشته باشیم؛ می‌شود مثلاً تماس بگیریم و اگر دسترسی به پیام‌رسان‌ها دارد برای او سبکی از موسیقی را که دوست دارد بفرستیم یا حتی چند عکس و فیلم خانوادگی از خودمان یا مسخره‌بازی‌های بچه‌مان بفرستیم. اینها همه در عین اینکه فامیل و خویشاوندان را از تنهایی درمی‌آورد، به خود ما هم حس اثرگذار بودن می‌دهد؛ چیزی که ممکن است کمتر برای مان اتفاق بیفتد. راستش باید این را هم بگویم که توجه و محبت بدون توقع در یک تعامل هر دو طرف را چند پله در انسانیت و ارتقا شخصیت فردی بالا می‌برد.



کیفیت و کمیت تعامل را خود ما تعیین می کنیم. مثلاً اینکه یک عصر سرد پاییزی از شیفیت بیمارستان یا کلاس دانشگاه یا شرکت بیرون بزنیم و راه مان را به سمت خانه مادر بزرگ، عمو یا دایی پیر کج کنیم و چند ساعتی کنارش بمانیم، انتخاب خود ما است

### قوم و خویش خارجی ها

با تعامل جنوبی ها با قوم و خویش زیاد است «یا رفت و آمد در شهرهای کوچک بیشتر و راحت تر است و زندگی شادتری دارند» و غیره. فارغ از اینکه تأیید این نکات به پژوهش های علمی دوره ای نیاز دارد و نباید آن را ابزاری برای اشتباه گرفت؛ باید بگوییم که بیراه نیستند. موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی محیط زندگی بر تعامل با خویشاوندان اثرگذار است. مثلاً مردم در کلان شهرها خیلی امکان دورهمی های خانوادگی در وسط هفته را ندارند. تعامل با قوم و خویش شبیه حضور کودک تان در سینما است. به این معنا که کودکان اغلب تنها یا بدون والدین به سینما نمی روند؛ در تعامل خویشاوندی هم قانون نانوشته قدیمی ای هست که همه خانواده به دیدن قوم و خویش بروند و هماهنگی همه اعضا برای حضور در یک میهمانی خانوادگی بویژه با بزرگتر شدن فرزندان سخت است. می شود اینجا آسان گرفت. می شود فقط تعامل و رفت و آمد و حتی تماس و گفت و گو انتخاب مان باشد، بویژه که در جهان جدید رسانه ها امکان خوبی برای تماس های صوتی و تصویری ایجاد کرده اند و به نوعی فاصله را حذف کرده اند. هر چند حس و حال تعاملات قوم و خویشی با تعداد بالای افراد بسیار متفاوت از تعاملات فردی است.



فرزندان در خانواده می توانند بهترین دوستان هم باشند

## گام هایی نواز کودکی به دوران نوجوانی چند قدم با نوجوانان و والدین شان

نسرین خانی  
نویسنده

نوجوانی، مرحله انتقال از کودکی به بزرگسالی است. نوجوانی شامل تغییرات زیستی، اجتماعی و روانشناختی است. این دوره هم می تواند زمان سرگردانی و هم زمان کشف باشد. در این دوره نوجوان پرسش هایی درباره هویت و استقلال خود دارد. تغییرات رفتاری باعث می شود والدین از ورود فرزند به دوره نوجوانی آگاه شوند.

بر اساس مصاحبه هایی که با والدین نوجوانان در محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی انجام داده ام، بهتری می توان این موضوع را درک کرد.

مریم مادر آریا ۱۶ ساله، می گوید آریا از یک زمانی به بعد بد اخلاق شد؛ تغییرات جسمی او مثل بلند شدن قد به نوعی حس بزرگ شدن و مستقل شدنش را تکمیل می کرد. فاطمه مادر نازنین ۱۴ ساله، معتقد است تغییر سلیقه نازنین و تمایل بیشترش به حضور در جمع دوستانش، شروع دوره تغییرات او بوده است.

زرگس مادر علی ۱۶ ساله، پرسیدن سؤالات و علت جویی در مسائل مختلف را نشانه بزرگ شدن و بالغ شدن پسرش می داند. شقایق مادر پوریا ۱۶ ساله، می گوید پوریا مسائل مختلف را تحلیل می کند و در مواجهه با مشکلات به دنبال راه حل می گردد.

هانیه مادر فاطمه ۱۴ ساله، تغییرات رفتاری در فاطمه را نشانه ورود دخترش به دوره نوجوانی و بلوغ او می داند. او می گوید فاطمه رفتارهای کودکی اش را کمتر انجام می دهد و به انجام یک سری کارهای شخصی که تا قبل از این، به او یادآوری می کردم، توجه بیشتری دارد.

این والدین یک سری ویژگی های مثبت و منفی رفتاری برای نوجوانانشان ذکر کردند؛ ویژگی های مثبت مثل، احساس مسئولیت در قبال خانواده، نظم دادن به وسایل و اطراف، رعایت نظافت شخصی، مهربانی و... ویژگی های منفی مثل، خواب بی موقع و طولانی، بد اخلاقی، راحت طلب بودن، استفاده زیاد از موبایل و فضای مجازی، اعتماد به نفس پایین از موارد مشترک بین این نوجوانان بود.

نوجوانان در این دوره تلاش می کنند تا مستقل بودن خودشان را به همه ثابت کنند؛ این مورد گاهی با دوری از جمع های خانوادگی و حضور بیشتر در جمع دوستان اتفاق می افتد. اضطراب و افسردگی از مشکلات دیگر والدین با نوجوانان است. اضطراب از طرد شدن در اجتماع و خانواده، اضطراب از آینده تحصیلی و شغلی و حتی روابط اجتماعی و البته ترس از شکست می تواند عواملی باشند تا نوجوان را مضطرب کرده و کم کم به سمت افسردگی و اختلالات دیگر ببرد.

از علائم افسردگی در نوجوانان، اختلال در خواب، احساس ناامیدی، از دست دادن اشتها یا پر خوری، افست ناگهانی نمرات و بی علاقه ای به درس، شکایت از درد مثل سردرد، کمردرد یا خستگی بی دلیل، بی حوصلگی و عدم ارتباط مناسب با اعضای خانواده، تبلی و راحت طلبی، اعتماد به نفس پایین و استفاده زیاد و طولانی مدت از موبایل و فضای مجازی می توان نام برد. بهتر است در این دوره والدین با تشویق نوجوانان به ورزش و فعالیت بدنی آنها را به این سمت سوق داده تا به تدریج با استرس و اضطراب احتمالی نوجوانان مقابله شده و احساس بهتری داشته باشند. تغییرات رفتاری در این دوره می تواند باعث بروز اختلاف با خانواده شود.

تغییرات جسمی و زیستی هم می تواند باعث نارضایتی نوجوانان شده و به تدریج آنها را افسرده کند. اما اختلال در خوردن از مهم ترین تغییرات زیستی نوجوانان است، از کم خوری و کم اشتها تا پر خوری و میل به ریزه خوری می تواند در نوجوانان آسیب زا باشد.

بهترین راهکار برای کمک به نوجوانان در گذر از این دوره و مواجهه با مشکلات، درک کردن و همراهی والدین است. گاهی ممکن است به سبب اختلافات و بحث های خانوادگی، نوجوانان پیشنهادها و صحبت ها را قبول نکنند و این باعث ناراحتی والدین و دوری آنها از فضا خانواده شود.

در این مواقع باید والدین از تحقیر فرزندان و خندیدن به آنها، فعالیت ها و حتی سؤالاتشان پرهیز کنند. باید نوجوان تشویق به حرف زدن شود؛ هنگام صحبت کردن و یا تعریف کردن اتفاقات به طور کامل و با آرامش به آنها توجه شود. نظرخواهی از نوجوانان در امور مختلف بخصوص مشکلات خانوادگی و شرکت دادن آنها در بحث ها، به تدریج اعتماد به نفس آنها را افزایش داده و میزان اضطراب و استرس آنها را کم می کند. در صورت انجام کار اشتباه و یا پیدا شدن مشکل، نباید نوجوان سرزنش شود؛ باید والدین حس امنیت را به فرزند القا کنند و به او کمک کنند تا مشکل را رفع کند. بهتر است خانواده ها در موقعیت های مختلف نه تنها در گفتار بلکه با همراهی نوجوانان به آنها بگویند که تنها نیستند.

همراهی نوجوانان در رؤیاهای شان و کمک به فعالیت در کارهای مورد علاقه شان، به بالا رفتن اعتماد به نفس آنها کمک شایانی می کند. در صورت انجام رفتار نامناسب یا واکنش متفاوت، درک احساسات نوجوانان و عدم قضاوت آنها، به پویایی روابط بین پدر و مادر و فرزند کمک خواهد کرد.

در این دوره نوجوانان به حضور والدین در کنارشان بیشتر از همیشه احتیاج دارند، پس والدین باید بگویند تا موقعیت های ارتباطی شان را افزایش دهند.

مریم می گوید: «آریا با مسافرت رفتن، هدیه دادن یا هدیه گرفتن خوشحال می شود.»

فاطمه، نازنین را با تشویق کردن و خرید لباس خوشحال می کند.

شقایق می گوید: «پوریا صرفاً با بازی و سرگرمی سرزنده می شود.»

تغییرات نوجوانان را می توان با پررنگ کردن علایق مثبت و استعدادهایشان کنترل کرده و آنها را از سردرگمی این دوره نجات داد.

یک آسیب شناس اجتماعی می گوید، با توجه به استقلال طلبی نوجوانان ممکن است رفتارهایی از قبیل لجبازی، منفی گرایی و خودمداری را نشان دهند؛ والدین بهتر است با آگاهی و شناخت نسبت به ویژگی ها و چالش های نوجوانی، به نوجوانان در مدیریت این دوره کمک کنند.

حضور خانواده آگاه در کنار نوجوان می تواند به شناخت و استقبال او از دوره نوجوانی منجر شده تا از این دوره برای رشد و موفقیت در جوانی استفاده کند.



باید نوجوان تشویق به حرف زدن شود؛ هنگام صحبت کردن و یا تعریف کردن اتفاقات به طور کامل و با آرامش به آنها توجه شود



با توجه به استقلال طلبی نوجوانان ممکن است رفتارهایی از قبیل لجبازی، منفی گرایی و خودمداری را نشان دهند



تغییرات رفتاری مثل پر خاشگری در نوجوانی طبیعی است

گفت‌وگویی با دکتر علیرضا رحیمی  
فعال حوزه رسانه و کودک

# برنامه‌سازی کودک تنها لوس حرف زدن نیست

برای بسیاری از ما شکایت برخی والدین از فرزندان خود به دلیل قانون‌گریزی فرزندان‌شان امری آشناست؛ روانشناسان معتقدند که قسمت اعظمی از این معضل به دلیل کم‌اطلاعی و در نتیجه رفتارهای نادرست والدین در رابطه با فرزندان ایجاد می‌شود. اما مسلماً عوامل دیگری نیز در ایجاد چنین مشکلی نقش دارند. یکی از عواملی که می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی مهمی بر رفتار کودکان و به‌طور مشخص قانون‌مداری و قانون‌گریزی آنان داشته باشد رسانه است. احتمالاً مهم‌ترین رسانه‌ای که کودکان با آن سروکار دارند، تلویزیون است، پس قاعدتاً بررسی نقش این رسانه می‌تواند در موضوع مورد بحث قابل توجه باشد. قانون‌گریزی کودکان از اهمیت بالایی در مباحث سلامت خانواده و جامعه برخوردار است؛ کودکان امروز در جامعه فردا به عنوان عضوی از جامعه ویژگی‌های خود را بروز می‌دهند و قانون‌گریزی کودک می‌تواند زمینه‌ساز بروز شخصیتی ناسالم در آینده جامعه باشد. لذا با توجه به اهمیت موضوع بر آن شدیم تا درباره تأثیرات صدا و سیما بر شخصیت و قانون‌مندی کودکان گفت‌وگویی ترتیب دهیم با جناب دکتر علیرضا رحیمی، تاگامی در شناخت بهتر این موضوع برداشته باشیم. دکتر رحیمی در حوزه رسانه و کودک فعالیت‌های بسیاری داشته‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به پروژه کودک، دین و رسانه نام برد که زیر نظر اتحادیه رادیو و تلویزیون اسلامی انجام پذیرفته است.

## به عنوان سؤال اول بفرمایید

قانونمندی کودک تا چه اندازه در تحکیم پایه‌های خانواده و همچنین آینده کودک و اجتماع مهم و ضروری است؟

در تمام دنیا بحث جدی داریم تحت عنوان آموزش ارزش‌ها؛ این موضوعی تخصصی در حوزه تعلیم و تربیت است و عنوانی عمومی‌تر از اخلاق را دربرمی‌گیرد. بخشی از این ارزش‌ها تحت عنوان آموزش حقوق شهروندی مطرح می‌شود که برای زندگی در جهان امروز و ساخت یک نظام دموکراتیک به معنای واقعی روی آن سرمایه‌گذاری می‌شود و در غالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی ارائه می‌شود. بخش دیگری از این آموزش‌ها به‌طور خاص مربوط به مباحثی است همچون احترام به قوانین الهی که در جوامع مختلف و ادیان مختلف وجود دارد. به هر حال دنیای عقلانی امروز به این نتیجه رسیده است که اگر کودکان تحت این‌گونه آموزش‌ها قرار نگیرند، جامعه دچار زیان می‌شود و باید این‌گونه مسائل را کودکان بیاموزند و در خیلی از نقاط دنیا اهمیت آنها حتی بیش از آموزش مهارت‌های شناختی پایه مثل خواندن و نوشتن و حساب کردن است و معتقدند مشخصه انسان تربیت‌یافته، این است که به عنوان شهروند خوب و مفید و فعال در جامعه ایفای نقش کند و این موضوع جزو ضروری‌ترین آموزش‌های کودکان محسوب می‌شود.

## تلویزیون باید دست کم ضد تربیت نباشد

به‌طور کلی تأثیر صدا و سیما بر تربیت کودکان و شکل‌گیری شخصیت آنان را چگونه تبیین می‌کنید؟

اگر بخواهیم به‌طور مشخص روی تلویزیون متمرکز شویم، باید بگوییم در دنیا بسیار در این مورد بحث شده است. عده‌ای تلاش کردند تلویزیون را به یک ابزار تربیتی تبدیل کنند و روی میزان موفقیت آنها بسیار تحقیق و بررسی شده است. به عنوان مثال در کشور آمریکا مطالعات





### انتظار از

تلویزیون برای اینکه مدرسه و دانشگاه باشد، به یک تعبیر حرف درستی نیست ولی به یک تعبیر حداقل باید از آن انتظار داشت ضد تربیت نباشد.

پت و مت نمونه‌های واضحی هستند. برخلاف برخی برنامه‌های کودکی که تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان آنها اساساً نمی‌دانند چه می‌کنند و صرفاً با جودگی‌ها پیش می‌روند.

### در برنامه‌سازی کودک در صدا و سیما هیچ خط مشی منسجمی دیده نمی‌شود

آیا از نظر شما در امر برنامه‌سازی

در صدا و سیما خط مشی برای ترویج

قانون‌گرایی ترسیم شده است؟

متأسفانه حرف زیاد زده می‌شود اما از نظر بنده خیر. برنامه درسی به عنوان نقشه یادگیری در صدا و سیما وجود ندارد. ممکن است بگویند که چنین چیزی نیاز نیست اما بنده اعتقاد دارم که قطعاً باید چنین نقشه‌ای وجود داشته باشد. باید برنامه‌ساز بدانند مسیرش چیست و باید از چه راهی پیش رود و به چه چیزی برسد. مادر موارد دیگر هم در صدا و سیما چنین خط مشی را مشاهده نمی‌کنیم و این معضل فقط مربوط به حوزه کار کودک و موضوع قانون و آموزش ارزش‌ها نیست. مگر ما مثلاً در حوزه کارهای دینی در صدا و سیما از خط مشی دقیق و مشخصی استفاده می‌کنیم؟ قاعدتاً حوزه قانون‌گریزی هم روند مناسبی در این مورد نداشته است.

مالی دارند. مدار کار ما در این حوزه حول مجری-بازیگرهایی می‌گردد که هیچ نظامی بر کارشان حاکم نیست و فقط برحسب نوع استقبال مخاطب، به صحنه می‌آیند، می‌مانند یا می‌روند.

### آموزش کودکان نباید مستقیم باشد

به طور کلی چه تیپ برنامه‌هایی

را در تعمیق این مفاهیم تأثیرگذارتر

می‌پندارید؟

برای کودکان سرگرم‌کنندگی و جذابیت حرف اول و آخر را می‌زند. البته جذابیت و سرگرم‌کننده بودن برنامه‌های کودکان شرط لازم این‌گونه برنامه‌هاست اما شرط کافی، بی‌تردید آموزش است. اما آموزش نباید به معنای آموزش بودن نیست. حتی برنامه‌های آموزشی مخصوص کودکان نیز نباید از زبانی مستقیم برخوردار باشند، بلکه هرچه این برنامه‌ها از جنبه‌های سرگرمی بیشتری داشته باشند، برای انتقال این مفاهیم مناسب‌ترند. به کارتون‌های جنجالی دقت کنید! لابلای ماجراهای پرجنجال خود چه حرف‌های اساسی و مهمی می‌زنند! حرف‌هایی که کودک بی‌آنکه متوجه فرایند انتقال آنها باشد، به خوبی و به سهولت در ذهن او تأثیر می‌گذارد. کارتون‌های بسیار موفق و آموزنده‌ای مثل تنسی تاکسیدو یا

اساسی برای برنامه‌سازی با یک ایده دقیق حاکم نباشد، این راه به جایی نمی‌رسد. از طرف دیگر مسأله پرکردن آنتن هم، خود مسأله جدایی است که جای تفکر دارد.

### برنامه‌های اختصاصی کودکان که در

صدا و سیما تولید می‌شوند، آیا سطح

مناسبی در ارائه مفاهیم قانونمندی به

کودکان داشته؟ بیشتر مشکلات موجود

در این بخش را از چه لحاظی می‌دانید؟

این‌گونه برنامه‌ها کاملاً سلیقه‌ای، شخصی و اتفاقی بوده‌اند. گاهی اوقات شخصی با توانایی‌های لازم در حوزه رسانه و محتوا توانسته کارهای خوبی را ارائه دهد. به نظر من در این زمینه کارهای خارجی خوب زیادی انجام شده است. در ایران روند مشخصی برای این کارها وجود ندارد. دلیل آن هم این است که ما آدم این کار را نداریم، اولاً تهیه‌کننده تخصصی ویژه کودک نداریم و خیلی‌ها به دلایل مختلف کنار زده شدند. بسیاری از افراد که در این حوزه کار می‌کنند، تخصصی در این زمینه ندارند و از شناخت کافی در مورد مسائل تربیتی و روانشناختی کودک برخوردار نیستند. با لوس حرف زدن که نمی‌توان کار کودک انجام داد. تلویزیون ما در حوزه کودک توسط چند مجری اداره می‌شود و تهیه‌کنندگان اغلب فقط نقش

زیادی در مورد تأثیرات تلویزیون بر کودکان انجام شده است. این دیدگاه مخالفان زیادی نیز داشته است. خیلی از این مخالفت‌ها و موافقت‌ها معطوف به کارکرد رسانه و این سؤال اساسی بوده است، که آیا می‌تواند تأثیرگذار باشد یا اصلاً این حق را برای آن متصور هستیم که روی افراد تأثیرات دلخواه را بگذارد یا نه؟ اما به هر حال باید گفت تلویزیون روی یادگیری کودکان اثرگذار است. اما با توجه به تعریفی که بنده از تربیت دارم که در دو کلمه «یادگیری نافع» خلاصه می‌شود، اینکه تلویزیون بتواند به عنوان یک رسانه تربیت‌گر باشد، یعنی یادگیری نافع ایجاد بکند، هم جزو آرزوهای بشر است و هم جزو سؤالات اساسی آن. باید با تجربه و آزمایش دید که آیا این اتفاق رخ داده است یا نه. اغلب متخصصان رسانه، اساساً کارکرد تلویزیون را در بدو امر آموزش نمی‌دانند، اما ما به عنوان کسانی که در زمینه آموزش کار می‌کنیم، معتقدیم حتی اگر کارکرد تلویزیون را آموزش ندانیم، باید بپذیریم که به طور ضمنی این رسانه ممکن است یادگیری ایجاد کند اما ممکن است این یادگیری نافع نباشد. انتظار از تلویزیون برای اینکه مدرسه و دانشگاه باشد، به یک تعبیر حرف درستی نیست ولی به یک تعبیر دیگر حداقل باید از آن انتظار داشت ضد تربیت نباشد.

### صدا و سیما تنها یک ظرف است

صدا و سیما در نهادینه کردن

قانون‌گرایی در ذهن کودکان چه

روش‌هایی را لازم است به کار بگیرد؟

ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که برای آموزش قانونمندی یا هر ارزش دیگری، ما باید یک نظام آموزشی مناسب داشته باشیم. هنگامی که این نظام آموزشی از طرف آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی دیگر کمتر وجود دارد، ما چگونه می‌توانیم از صدا و سیما چنین انتظاری را داشته باشیم. اما تلویزیون به عنوان یک رسانه مهم، از آنجا که چنانچه فرصت و امکانی مناسب شناخته می‌شود، امید زیادی در این رابطه بدان وجود دارد. خود صدا و سیما به عنوان یک فرصت و یک ابزار به خودی خود نمی‌تواند کار خاصی در این زمینه انجام دهد زیرا یک ظرف است، یک ابزار است. باید برنامه‌های درسی در این زمینه تهیه شده و با مشارکت صدا و سیما اجرا شود. آموزش و پرورش، نهادهای اجتماعی، پلیس، شهرداری‌ها و... هر کدام شاید به‌طور جداگانه فعالیت‌هایی که بیش در این زمینه انجام دهند، اما برنامه‌های جامع وجود ندارد، صدا و سیما هم، چنین برنامه‌های را ندارد، ولی اگر بخواهد در این زمینه کار کند، بسیار سریع‌تر از مدرسه و کتاب درسی می‌تواند مؤثر باشد.

### نقش صدا و سیما در آموزش والدین

و چگونگی انتقال مفهوم قانونمندی به

فرزندان شان چیست؟

همان‌طور که بیان شد اساساً نباید به تلویزیون نقش آموزشی داد، بلکه تلویزیون صرفاً می‌تواند در اختیار کسانی باشد که در این حوزه اثرگذارند. این‌گونه آموزش‌ها می‌تواند به صورت مستقیم یا به صورت غیرمستقیم دنبال شود. اما در این حوزه مسائلی وجود دارد که مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. وقتی ما نه به لحاظ محتوایی، نه به لحاظ هدف و نه روش، یک برنامه مرتب و منسجم و دقیق نداریم، نمی‌توانیم به هدف خاصی نیز دست یابیم. شاید برخی برنامه‌ها و افراد و سریال‌ها تا حد زیادی در این موضوع موفق بوده‌اند اما این قبیل فعالیت‌ها به صورت مودی است و تأثیر آنها با گذشت زمان از بین می‌رود. صدا و سیما یا باید ابزار دست فرهیختگان و اندیشمندان باشد و یا خود تبدیل به سازمان تربیتی عقلانی بدل شود و برنامه تربیتی مناسب برای آن تعریف شود. در غیراین صورت عملاً نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. تا زمانی که یک اراده



تنسی تاکسیدو یا پت و مت نمونه‌ای از کارتون‌های آموزنده و موفق



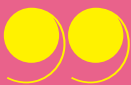
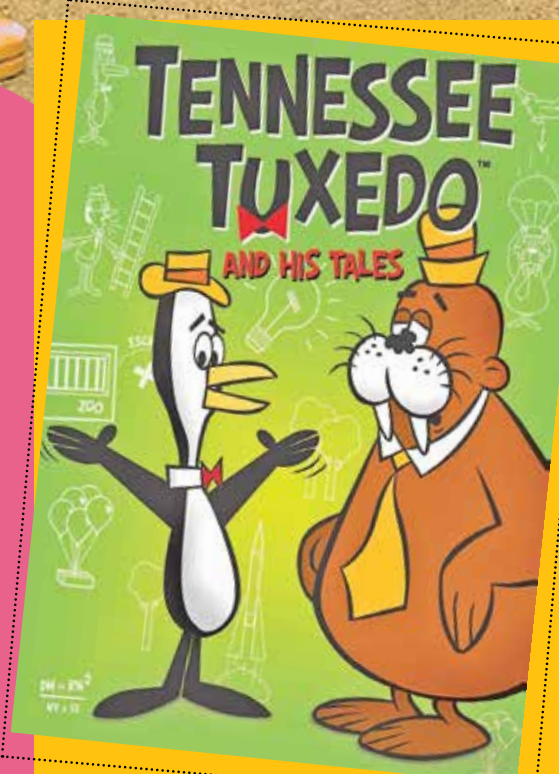
### تلویزیون فعلی ما مدت‌هاست که در کما فرو رفته است

مهم‌ترین پیشنهادات‌تان را درباره بهبود تأثیرگذاری صدا و

سیما بر ترویج قانونمندی در قشر کودکان را بفرمایید.

رسانه اگر بخواهد بصیرت ایجاد کند، باید عقلانی باشد و بداند می‌خواهد چه کند. من صدا و سیما موجود را به موجودی تشبیه می‌کنم که مدت‌هاست در حالت کما فرو رفته، لاجرم روزی به این نتیجه می‌رسیم که باید شبکه‌های خصوصی در فضای رسانه‌ای کشور فعالیت کنند. بدون حضور شبکه‌های خصوصی، تلویزیون فعلی با این عرض و طول گسترده و بدنه سنگین و با تولید و پخش انحصاری، هر کاری بخواهد می‌کند و هر چه بخواهد باشد خواهد بود! پس پیشنهاد اول من امکان فعالیت رسانه‌های رقیب - البته تحت قوانین نظام - و رفع انحصار از تلویزیون فعلی و تبدیل صدا و سیما فعلی به یک سیستم هماهنگ‌کننده است.

دومین پیشنهاد، تخصصی شدن برنامه‌سازی برای کودکان است. چیزی که هر چه جلوتر می‌رویم، وضعیت بدتر و ناهنجارتری پیدا می‌کند. در ذیل همین موضوع پیشنهاد سوم این است که تلویزیون برای برنامه‌سازی کودکان باید سندی شبیه برنامه درسی داشته باشد تا نقشه و راهنمایی باشد در دستان برنامه‌سازان و مقیاسی باشد برای ارزیابی آنان.



بالوس حرف‌زدن که نمی‌توان کار کودک انجام داد. تلویزیون ما در حوزه کودک توسط چند مجری اداره می‌شود و تهیه‌کنندگان اغلب فقط نقش مالی دارند.



«ندین» افتتاح است، اما هر چه رفتار او وحشتناک تر می شود، بیشتر دلستان برای او می سوزد و این احساس بیشتر به دلیل بازی بی نظیر استاینفلد است. او رعد و برقی است که با کفش های کتانی اش به همه جا لگد می زند

نوجوان بودن سخت است، حتی اگر شما به عنوان یک والد این را قبول نداشته باشید. غالب والدین وقتی صحبت از بحران بلوغ و دوران نوجوانی می شود، بحث دوران خودشان و اینکه چقدر در دوره نوجوانی آرام و حرف گوش کن و بساز بوده اند را پیش می کشند. جدا از اینکه این خاطرات صد درصد واقعی و درست نیستند (حتی اگر انکار کنیم همه ما در دوره نوجوانی با بزرگترهای مان دچار چالش بودیم)، کل این مقایسه اشتباه است زیرا ما با نسلی متفاوت روبه رو هستیم.

در دهه هشتاد نوجوان بودن و بلوغ برای ما در چند چیز معنا می شد: تغییرات چهره (دماغ های پف کرده و صورت های جوش دار)، ابروهای پرپشت و موهای تازه رشد کرده صورت (فرقی نداشت دختر باشیم یا پسر!) و بلوغ جنسی که بیشتر ما بدون آگاهی و آموزش با آن مواجه می شدیم. ارتباط با جنس مخالف برای اکثر ما تابو بود. تقریباً بزرگترین تعاملی که با پسرها داشتیم، تعطیلی همزمان مدارس دخترانه و پسرانه همجوار و شنیدن چند متلک از پسران هم سن و سالمان بود که سعی می کردیم نشنیده بگیریم و سریع از محل دور شویم، مبادا که مدیر یا ناظم این صحنه را ببینند و دچار دردسر شویم. بیرون رفتن با دوستان و همکلاسی ها چندان باب نبود، جای خاصی هم برای رفتن نداشتیم. آن روزها کافی شاپ نوعی تهاجم فرهنگی به شمار می آمد و از نظر خانواده های ما جای مناسبی برای رفتن نبود. اگر همکلاسی یا دوستی داشتیم که از نظر خانواده تأیید شده

بود، می توانستیم به بهانه درس خواندن چند ساعتی به خانه آنها برویم و از این آزادی نهایت لذت را می بردیم! هیچ وقت اولین باری که پدرم اجازه داد برای جشن تولد دوستم به خانه آنها بروم را فراموش نمی کنم. در طول مسیر شروع کردیم به صحبت کردن و یکی از مهم ترین نصیحت های این بود که «به هیچ وجه اجازه نده ازت عکس یا فیلم بگیرن! دست به دست می چرخه و دوروز بعد یکی تو خیابون بهم میگه آقای فلانی دخترت چه خوب می رقصه!». همین یک جمله کاملاً نشان می دهد که پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباطی تأثیر بزرگ و مستقیمی بر تفکر و نگرش ما به همه مسائل گذاشته است. چه بپذیریم و چه انکار کنیم، امروز ما با نسل جدیدی مواجه هستیم؛ نسلی که هیچ شباهتی به نوجوانان دهه هشتاد و قبل از آن ندارند. تفاوت های نوجوانان دهه های شصت و هفتاد و هشتاد با یکدیگر در تیپ و استایل و سبک حرف زدن خلاصه می شد، در حالی که تفاوت

نوجوانان یک دهه اخیر با ما قابل خلاصه کردن در چند فاکتور نیست. ما امروز با نسل زد روبه رو هستیم. نسل زد به افرادی گفته می شود که بین سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۹ متولد شده اند. در حال حاضر نسل زد دومین نسل جوان (بعد از نسل هزاره و قبل از نسل آلفا) به حساب می آید. مانند هر نسلی، رفتار نسل زد بر اساس نحوه رشد آنها شکل گرفته است. نوجوانان امروز در سایه تغییرات نگران کننده آب و هوا، قرنطینه کووید-۱۹ و ترس از بحران اقتصادی به بلوغ رسیده اند. اولین گروه این نسل زمانی متولد شدند که استفاده از اینترنت به تازگی همه گیر شده بود. آنها را «بومی های دیجیتال» می نامند، یعنی اولین نسلی که با اینترنت به عنوان بخشی از زندگی روزمره بزرگ شدند. این نسل طیف گسترده ای را در برمی گیرد، قدیمی ترین ها تقریباً شغال و حتی متأهل هستند، در حالی که جوان ترین ها هنوز در دوره نوجوانی به سر می برند.

این زمینه ساخته شده است، «در آستانه هفده سالگی» به نویسندگی و کارگردانی کلی فرمون گریک است که در سال ۲۰۱۶ اکران شد. شخصیت اصلی فیلم «ندین» است، دختری هفده ساله که در ابتدای فیلم با عجله وارد کلاس درس می شود و به معلمش اعلام می کند که می خواهد خودش را بکشد. در ادامه ما شاهد داستان زندگی «ندین» هستیم؛ داستانی که از هفت سالگی او شروع می شود و تا هفده سالگی ادامه می یابد. با اینکه فیلم در مورد یک نوجوان آمریکایی ساخته شده است، ولی درک «ندین» برای بیشتر ما سخت نیست. در دنیای امروز، به دلیل وجود رسانه های جمعی و وسایل ارتباطی، تفاوت نگرش و خلق و خو بین بومی های دیجیتال در سراسر دنیا بسیار کم شده است. حتی اگر بسته به موقعیت جغرافیایی و فرهنگ محل زندگی شان دغدغه های متفاوتی داشته باشند، اشتراکات زیادی هم دارند. به طور کلی در حالی که تفاوت های اساسی در گروهی که به عنوان نسل

زد شناخته می شود وجود دارد، اما اعضای آن چند خصوصیت مشترک دارند. به عنوان اولین بومی های دیجیتال واقعی، این نسل تقریباً همیشه آنلاین هستند. نسل زد با ویژگی انجام کار، خرید و دوست یابی آنلاین شناخته شده اند. بومیان دیجیتال اغلب هنگام جست و جوی هر نوع اطلاعاتی، از جمله اخبار و نظرات قبل از خرید، به اینترنت روی می آورند. آنها مدام در حال رصد سایت ها، برنامه ها و خروجی های رسانه های اجتماعی هستند. با رشد نسل زد، اشتراک گذاری ویدیو در سایت ها و شبکه های اجتماعی افزایش چشمگیری داشته است. تیک تاک در حال حاضر بر نوع نگرش، احساسات و فرهنگ نسل زد - که بیش از ۶۰ درصد از یک میلیارد کاربر این برنامه را تشکیل می دهند - حکومت می کند. این نسل به اینترنت وابسته هستند، جایی که می توانند در مورد علایق خود، از بازی گرفته تا کی پاپ، با افرادی که در زندگی واقعی نمی شناسند، صحبت کنند.

نسل زد همچنین با بدبینی و شاید حتی ناامیدی بی سابقه ای مواجه است. این بدبینی به دلیل ناآرامی های جهانی، جنگ ها و اختلالات، بحران های مالی و وقفه های آموزشی به دلیل همه گیری کووید-۱۹ تقویت شده است. احساس اضطراب به دلیل تغییرات آب و هوایی به طور گسترده گزارش شده است؛ بسیاری از نوجوان ها می گویند که به طور مداوم به سرنوشت کره زمین فکر می کنند. مسأله ای که در دوران نوجوانی ما اصلاً جزو دغدغه ها به حساب نمی آمد. آن روزها پیدا کردن راهی برای از بین بردن جوش های روی بینی برایمان خیلی مهم تر از حل معضل گرمایش زمین بود! «در آستانه هفده سالگی» با ترکیبی از طنز گزنده و درونمایه تلخ، جانشین قوی میراث جان هیوز است. کلی فرمون کریگ، با اولین فیلم بلندش، دیالوگ های قابل درک و لحظات پراز اضطراب را که پایه های اصلی ژانر درام-کمدی نوجوانان هستند، به نمایش می گذارد. احساس خودشنیفتگی دوره نوجوانی که تصور می کنید هر اتفاقی در زندگی شما می افتد بسیار مهم است و دست و پا زدن برای ایجاد هویت در شرایط حساس و پرمخاطره و پرفشار دبیرستان. البته که «در آستانه هفده سالگی» تاریک تر و واقعی تر از آن چیزی است که معمولاً فیلم های هیوز جرأت می کردند باشند و شخصیت پردازی ها به شیوه هایی به روزرسانی شده اند

فیلم های هیوز جرأت می کردند باشند و شخصیت پردازی ها به شیوه هایی به روزرسانی شده اند

فیلمی درباره بحران بلوغ و نوجوانی در نسل زد

# در آستانه هفده سالگی

## هیچ کس بی عیب و نقص نیست

نوشین تقیلی  
نویسنده

ندین با عجله وارد کلاس درس می شود و به معلمش اعلام می کند که می خواهد خودش را بکشد.





## حواشی دانش آموز بودن بعد از پاندمی کرونا هنوز ادامه دارد

# اشتیاق به تعامل همراه با سردرگمی نوجوانی

الهام اسماعیلی  
نویسنده



به مراتب سخت‌تر از قبل شده است. با وجود اینکه دو سالی از اتمام کلاس‌های مجازی و حضوری شدن مدارس می‌گذرد، اما هنوز حواشی آن گریبان دانش‌آموزان و معلمان را زده نکرده است.

در صحبت با بعضی از معلمان این‌طور فهمیدم که فقط ۵ دقیقه درس می‌دهند. بیشتر وقت کلاس را به تفهیم مطلب و گاه رفع کدورت پیش‌آمده بین دانش‌آموزان می‌گذرانند، بازی طراحی می‌کنند و فضا کلاس را شاداب و مفرح می‌کنند تا دانش‌آموز کمتر احساس کلافگی و خستگی کند، این روزگار مدرسه رفتن دانش‌آموزان بعد از کروناست، که با قبل از آن متفاوت است. از کمتر شدن زمان حضور در مدرسه تا شروعی دیرتر از سابق برای دبستانی‌ها - ساعت حضور در دبستان از ۸:۳۰ تا ۱۲:۳۰ است که سابقاً ۷:۳۰ تا ۱۳ بود - متوجه می‌شویم که آموزش و پرورش‌ها هم متوجه این تغییر خلق و خو و نیازهای کودک و نوجوان بعد از پاندمی کرونا شده‌اند و ممکن است قوانین جدید شروع و پایان مدرسه را بر اساس همان اتخاذ کرده باشند.

در مورد دانش‌آموزان نوجوان متوسطه دوم که در دوران بلوغ به سرمی‌برند و در اوج هیجان خواهی و لذت‌اند اما فکر و تصمیم‌گیری گرفته نشده و با آگاهی از احوال چندتایی از آنها می‌گویم که در حال سروکله زدن با درس‌ها و معلم‌ها و پیدا کردن علاقه‌شان هستند تا بتوانند براساس آن انتخاب رشته داشته باشند.

دانش‌آموزان کتابخانه برای شروع مدرسه خیلی شور و شوق داشتند. این‌را از فراموش کردن ما در کتابخانه از دو هفته مانده تا پایان شهریور و پس دادن کتاب‌ها می‌گویم. به نظر این‌روزها بچه‌ها بیشتر از قبل تمایل دارند تا به مدرسه بروند و کمتر از قبل غصه صبح زود بیدار شدن، امتحان و تکالیف را می‌خورند. در کنار همسالان قرار گرفتن و از علایقشان حرف زدن را بیشتر از هر چیزی در دنیا دوست دارند. صحبت کردن از انیمه و کی‌پاپ و کی‌دراما و حتی از سریال ترکیه‌ای که در تابستان چندین فصل از آن را تماشا کردند، زمان زیادی را از آنها می‌گیرد.

البته دانش‌آموزان این‌روزها، کلاس پنجم به بالا را منظرورم است، بیشترشان تلفن همراه یا تبلت شخصی دارند که با سیم‌کارتی اعتباری از رایتل و ایرانسل و همراه اول هم شارژ می‌شود و از طریق شبکه‌های اجتماعی نوجوان‌پسند، در دیسکورت، اسنپ‌چت، تیک‌تاک، لایکی، تلگرام با هم در ارتباط هستند. به لطف سیاستمداران فیلترشکن هم دارند. خانواده‌های حساس به رسانه و ارتباط بچه‌ها، البته برای دبستانی‌ها، از روبیکا، شاد و سروش استفاده



هنوز گمان می‌کنند انتخاب رشته آینده و مسیر زندگی آنها را رقم خواهد زد. در میان بسیاری از توصیه‌ها و مشاوره‌ها سردرگم هستند. یکی از اعضای کتابخانه که با علاقه رشته ریاضی را انتخاب کرده بود تا مهندسی بخواند و سازه‌ها را در این کشور بسازد. در تابستان، بعد از تمام شدن سال یازدهم، تصمیم گرفت درس رشته انسانی را بخواند و در سال دوازدهم به صورت غیرحضوری خود را برای کنکور انسانی آماده کند تا یک روانشناس شود و بتواند روان مردم جامعه را سامان دهد. از ریاضی تا انسانی در یک تابستان.

برائش اتفاق‌هایی که در جامعه می‌افتد و احساس نیاز واقعی یا کاذبی که در نوجوان‌های ما رخ می‌دهد، این سردرگمی و حرکت پاندولی در میان آنها بسیار زیاد شده است، اما کمتر از گذشته فرصت و اجازه این‌را دارند تا به دورن خود بنگرند و تمرکز کنند تا بتوانند خواست قلبی‌شان را بشناسند و براساس آن راهی را انتخاب کنند. مدرسه، معلم و دانش‌آموزان نیز در هر دوره‌ای بریک موجی سوار می‌شوند و با آن به سمت بی‌نهایت می‌روند. اما خبرنداریم که این موج هرچه بلندتر باشد، فرود سهمگین‌تر و نتایج فاجعه‌آمیزتری در بر خواهد داشت.

درس خواندن و دانش‌آموز بودن در شرایط کنونی، با سهل‌المتنع بودن که به ظاهر می‌رسد، برای خود دانش‌آموزان سخت‌تر شده است. نوجوان دانش‌آموز در اوج ترشح دوپامین برای هر فعالیتی که انجام می‌دهد، در عصر رسانه و بازی، باید خود را ملزم به خواندن دروسی کند که نمی‌داند در کدام آینده به کارش می‌آید یا نه. شاید برای همین است که بیشتر نوجوان‌ها سرخورده، در پی یافتن مهارت‌های مختلف برای آینده‌ای مبهم هستند.

می‌کنند. بسته به اینکه روابط عمومی مدرسه از چه سکوی وطنی استفاده کند، والدین و دانش‌آموزان هم از آن بهره‌مند می‌شوند.

همه این آسمان و ریسمان‌ها را برای این بافتم - شبکه اجتماعی پلی استیشن و بازی‌های موبایلی را جا انداختم - که بگویم، نوجوان‌ها راه‌های ارتباطی زیادی با هم دارند. همه اینها را هم که نداشته باشند، ایمیل روی تبلت یا کامپیوتر شخصی را که دارند. اما هنوز نیاز به در کنار هم قرار گرفتن و دیدار جسمی و حضوری دارند. نیاز دارند تا از اتفاق‌های بامزه در کلاس کلیپ و صوت بسازند و با هم به آن بخندند و هیچ‌یک از آنها جای یک لبخند و کنار هم نشستن و تعامل با یکدیگر را نمی‌گیرد. دانش‌آموزان دوران متوسطه که سال‌های اول دبستان را به مدرسه رفتند و با آمدن کرونا، خانه‌نشین شدند در ابتدا از نرفتن به مدرسه احساس شغف و شادی می‌کردند. کم‌کم که کلاس آنلاین برقرار شد، با لباس راحتی و گاه روی تخت و از زیر پتو در کلاس شرکت می‌کردند. بازگشت به مدرسه با لباس فرم و رعایت آداب درس و مدرسه سخت بود. فکر کنیم به دانش‌آموزان کلاس اول و دومی که آموزش و سوادآموزی را با کلاس آنلاین و بدون رعایت قوانین خاصی شروع کردند. هر زمان که می‌خواستند آب و تغذیه و سرویس بهداشتی به راه بود و در کنار صحبت‌های معلم، با عروسک و ماشین، بازی کوچکی هم می‌کردند. و بعد از دو سال باید با مراسم صبحگاه و ورزش روز خود را آغاز می‌کردند و به سرکلاسی می‌رفتند که تا به حال آن‌را تجربه نکرده بودند. عادت به نشستن و گوش دادن به صحبت‌های معلم را نداشتند. البته که کودک زیر ۹ سال عموماً آستانه نشستن کمی دارد و همواره در کلاس در حال رفت‌وآمد است، اما بعد از پاندمی کرونا، شرایط کلاس داری و تدریس برای معلم‌ها

## جدول مشخصات سریال

نام فیلم ..... The Edge of Seventeen  
کارگردان ..... Kelly Fremon Craig

## امتیازها

IMDB ..... ۱۰/۷.۳  
Rotten Tomatoes ..... %۹۴



اعتماد می‌کند، آقا برونر (با بازی فوق‌العاده وودی هارلسون)، می‌تواند او را از این پوسته خودشیفتگی خارج کند و این بیشتر به این دلیل است که آقا برونر (حداقل در ابتدا) او را نادیده می‌گیرد. «ندین» افتضاح است، اما هر چه رفتار او وحشتناک‌تر می‌شود، بیشتر دل‌تان برای او می‌سوزد و این احساس بیشتر به دلیل بازی بی‌ظنری استیونل است. او زرد و برقی است که با کفش‌های کتان‌اش به همه جا لگدمی‌زند و با این حال، می‌توانید ببینید که پراز پتانسیل است و می‌تواند آینده‌ای درخشان داشته باشد. حتی اگر نمی‌توانید رفتار او را توجیه کنید، باز هم می‌توانید درخشش‌هایی از فردی که در راه تبدیل شدن به اوست را ببینید. نسل زد در همه جای دنیا شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. نسلی که کاملاً متفاوت فکری می‌کند، از ظاهر بیزار است، در فضای مجازی زندگی می‌کند، ساختارشکن و اطاعت‌ناپذیر است، با کلمات اختصاری مخصوص خود حرف می‌زند یا می‌نویسد، به انتخاب آزادانه سبک زندگی باور دارد، عمل‌گرا است و شجاعانه در پی مطالبات و خواسته‌های بحق خود می‌رود و سلطه‌پذیر نیست. اما یکی از ویژگی‌های این نسل که به عنوان یک معلم در این چند سال شاهد آن بوده‌ام، تفاوت و سلیقه و عقیده و احترام آنها به این تفاوت بوده است؛ ویژگی‌ای که در نسل‌های قبل خیلی کمتر شاهد آن بوده‌ایم. این نوجوانان سرکش و پرشور و هیجان، خیلی چیزها می‌توانند به ما یاد بدهند، اگر از منبر (ما دهه شصتی‌ها/ پنجاهی‌ها) خیلی خوب بودیم) پایین بیاییم!

که برای ایجاد ارتباط با مخاطبان امروزی ضروری است. در «در آستانه هفده سالگی» هیچ کس بی‌عیب و نقص نیست، بخصوص قهرمان فیلم، ندین (هیلی استاینفلد). رفتار نادرست و سوءتفاهم همواره وجود دارد و اغلب موضوع ندین است. طوری که گاهی دل‌تان می‌خواهد شانسه‌ها را بگیرد و محکم تکانش دهید تا به خودش بیاید. اما این مسأله باعث نمی‌شود با او همدلی نکند بلکه او را باورپذیرتر نیز می‌کند. «ندین» بدعق، بی‌حوصله و قضاوت‌کننده، فقط و فقط یک دوست دارد، کریستا (هیلی لو ریچاردسون)، یک دختر نوجوان باهوش و خیلی مهربان که به وضوح از «ندین» متعادل‌تر است. این دوازدهم دوران کودکی، پس از اینکه تصمیم می‌گیرند دوتایی مادر یک گرم‌اپریشم باشند، با هم دوست بوده‌اند. «ندین» همواره از دست مادرش (کی‌راسدویک) و برادرش داریان (بلیک جتر) که یک ورزشکار جذاب و خوش‌چهره است، عصبانی است. اما بیشتر از همه چیز، او از یک غیبت عصبانی است: پدرش، که ندین او را می‌پرستید و خیلی زود درگذشت. ندین هرگز با این سوگ کنار نیامده است و از خشم خود به عنوان یک سپر و سلاح دفاعی در برابر جهان و پنهان‌های همیشه آماده برای حمله به زندگی استفاده می‌کند. کارگردان، از نمایش خودشیفتگی ظاهری و پرخاشگری شخصیت «ندین» خودداری نمی‌کند. ما می‌بینیم که ندین با همکلاسی باهوش و فوق‌العاده‌اش، اروین هیدن ستو که علاقه زیادی به او دارد، چگونه رفتاری سرسختانه دارد، فقط معلمی که ندین به او



نوجوان‌ها راه‌های ارتباطی زیادی با هم دارند. همه اینها را هم که نداشته باشند، ایمیل روی تبلت یا کامپیوتر شخصی را که دارند. اما هنوز نیاز به در کنار هم قرار گرفتن و دیدار جسمی و حضوری دارند.

فائزه صدیقی  
نویسنده


درست کردن نان معمولاً یک برنامه دقیق و زمانبر است. شما باید بگذارید خمیر آن در شرایط مناسب به اصطلاح ور بیاید و معمولاً از ساعت‌ها قبل باید برای پخت و آماده‌سازی نان برنامه‌ریزی کنید. حتی در درست کردن نان‌های حجیم گاهی مراحل آماده‌سازی کار از روزهای قبل شروع می‌شود و این یک جریان کاملاً برنامه‌ریزی شده است که هر قسمت از آن در کیفیت نهایی نان کاملاً تأثیرگذار است. اما خب ما همیشه آنقدر زمان برای انجام پخت نان نداریم، اینجاست که پای یک سری نان‌ها به سفره ما باز می‌شود که به جای مایه خمیر داخل آن‌ها از بیکنگ پودر یا جوش شیرین استفاده می‌شود و به طرز جادویی فوق‌العاده سریع آماده می‌شوند.

یکی از این دسته نان‌های فوری، نان موز بسیار خوشمزه و خوش خوراکی است که امروز قصد آموزش آن را به شما دارم. این نان که به علت وجود موز و شکر در آن شیرین مزه است، گاهی توسط افراد در دسته کیک‌های فوری هم قرار می‌گیرد، اما به هر حال به علت مواد اولیه متفاوت خود، در دسته بندی‌های شیرینی‌پزی در گروه نان‌ها قرار دارد و از نان‌های بسیار معروف دنیا است.

دستور نان موز (Banana Bread) به عنوان نان سریع، با موز له شده و بیکنگ پودر در سال ۱۸۴۳ در آمریکا نوشته شد. در آن زمان خانم‌های خانه‌دار، در دوران بحران اقتصادی آمریکا این دستور را طراحی کردند تا از دور ریختن موزهای رسیده و اضافه آمده در منزل خودداری کنند و کم‌کم این دستور به علت ساده، سریع و خوش طعم بودن بشدت محبوب و ماندگار شد. برای درست کردن نان موز نه برنامه‌ریزی از قبل لازم است و نه هم زدن و ورز دادن. به سرعت پخته می‌شود و بافت آن هم حجیم و ابری است. این نان قابلیت فریز کردن و ماندگاری بالایی نیز دارد. شما می‌توانید آن را بارها و بارها به عنوان یک گزینه مناسب برای عصرانه یا شام درست کنید. یکی از دلایل پرطرفدار بودن دستورهای موزدار، مصرف شدن موزهای بسیار رسیده و زیاد آمده است، ضمن اینکه این نان با داشتن موز، تخم‌مرغ و گردو یک عصرانه کامل برای بچه‌ها است. پس امروز با من همراه باشید تا در کنار هم طرز تهیه این نان موز خوشمزه و دلپذیر را آموزش ببینیم.

### چند نکته در خصوص مواد اولیه

\* برای اندازه‌گیری آرد، ظرف یا پاکت آرد را با قاشق هم بزنید، پیمانه را با قاشق پر کنید و سرپیمانه را صاف کنید. آرد اندازه‌گیری شده را حتماً دو بار الک کنید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی نان کمک می‌کند و باعث می‌شود نان بافت سبک‌تری داشته باشد.

\* برای این دستور می‌توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو کره استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم‌چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند. کره باید آب شده و هم‌دما محیط باشد.

\* گردو در این دستور قابل حذف یا جایگزینی است و شما می‌توانید به جای گردو از فندق یا بادام خرد شده یا شکلات چیپسی استفاده کنید.

\* ادویه در این دستور قابل تغییر است، یعنی شما می‌توانید به جای دارچین، به اندازه یک



در دوران بحران  
اقتصادی آمریکا  
در سال ۱۸۴۳  
زنان این دستور را  
طراحی کردند تا از  
دور ریختن موزهای  
رسیده و اضافه  
آمده در منزل  
خودداری کنند

آموزش نان سریع و بدون دنگ و فنگ

# من این بار یک نان موز برمی‌دارم و می‌روم!



نان موز به علت وجود موز و شکر در آن شیرین مزه است، گاهی توسط افراد در دسته کیک‌های فوری هم قرار می‌گیرد، اما به هر حال به علت مواد اولیه متفاوت خود، در دسته بندی‌های شیرینی‌پزی در گروه نان‌ها قرار دارد و از نان‌های بسیار معروف دنیا است

دارید با دما ۱۶۰ درجه سانتیگراد آن را روشن کنید تا گرم شود.

### طرز تهیه نان موز و نکات آن

برای تهیه نان موز ابتدا کلیه مواد خشک بجز شکر یعنی آرد الک شده، نمک، بیکینگ پودر، جوش شیرین و در صورت دلخواه سیوس را در کاسه‌ای بریزید و خوب با هم مخلوط کنید تا به صورت یکدست پخش شوند و مجدد یک بار دیگر همه مواد خشک را با هم الک کنید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی نان کمک می‌کند و باعث می‌شود بافت سبک‌تری داشته باشد. کاسه مواد خشک را کنار بگذارید.

موزها را در غذا ساز یا به کمک گوشتکوب برقی یا چنگال له کنید. لازم نیست موزها کاملاً پوره‌ای و یکدست شوند و همین که له شوند کافی است. در انتخاب موز برای این دستور دقت کنید. هر چقدر موزها رسیده‌تر باشند، نان موز خوش‌عطرتر و خوش‌مزه‌تر می‌شود. موز را بعد از له کردن در پیمانه بریزید و به اندازه یک پیمانه پر جدا کنید و در کاسه‌ای بریزید. دو قاشق غذاخوری آب لیموترش تازه روی موز له شده بچکانید و هم بزنید. این کار باعث می‌شود موزها بین کار سیاه نشوند.

ادویه، موز له شده و آب لیموترش را خوب با هم مخلوط کنید تا یکدست شوند و بعد کاسه موز را کنار بگذارید.

حالا کاسه مواد تر آماده کنید. در کاسه‌ای تخم مرغ‌ها، شکر، کره مایع و خنک شده و مواد کاسه موز له شده را بریزید و بعد مواد را با ویسک یا دور متوسط همزن دو دقیقه هم بزنید تا کاملاً یکدست شوند. در وسط کاسه مواد خشک، گودی ایجاد کنید و مواد تر را در آن گودی بریزید و آن‌ها را با هم مخلوط کنید. برای مخلوط کردن مواد خشک و تر بهتر است از همزن دستی استفاده کنید. مواد را فقط و فقط تا جایی هم بزنید که آرد کاملاً مخلوط شده و رگه‌های آرد دیده نشود. زیاد هم زدن در این قسمت باعث شفته شدن نان موز می‌شود. گردوها یا خشکبار مورد نظر را آرام در مواد مخلوط (فولد) کنید. مواد را در قالب آماده بریزید و روی آن را صاف کنید. قالب را به مدت ۴۵ دقیقه در فر گرم شده بگذارید. در اواخر زمان پخت نان را تست کنید، هرگاه روی نان طلایی باشد و سیخ چوبی از وسط نان تمیز دربیاید و مایه نان به آن نچسبد یعنی نان ما حاضر است.

قالب را از فر در بیارید و روی توری خنک کننده قرار دهید. دقت کنید نان‌های سریع وسطی کوهی، برآمده و ترک خورده دارند، پس منتظر رویه لطیف کیکی و مسطح نباشید.

حدود یک ربع بعد از خنک شدن نان را از قالب خارج کنید، کاغذ روغنی را از ته آن جدا کنید و دوباره نان را روی توری خنک کننده بگذارید تا کاملاً خنک شود.

نان موز رویه‌ای تُرد و شکننده و بافتی لطیف و مرطوب دارد. این نان به صورت گرم یا هم‌دما محیط سرو می‌شود.

### شرایط نگهداری

برای نگهداری نان موز می‌توانید دور آن محافظ غذا (سلفون) بپیچید یا از ظرف دربسته استفاده کنید. این نان به دلیل رطوبت بالا، ماندگاری زیادی در دمای محیط ندارد و فقط تا سه روز بعد از پخت در دمای محیط قابل نگهداری است. نان موز را یک هفته در یخچال و تا یک ماه در فریزر می‌توانید نگهداری کنید. از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگی‌تان هر روز بیشتر از روز قبل بوده و تنور آشپزخانه دوست داشتنی‌تان به گرمای زندگی‌تان باشد.

قاشق چای خوری از مخلوط زنجبیل، دارچین و جوز هندی به مواد اضافه کنید، یا فقط یک قاشق چای خوری دارچین بریزید یا یک چهارم قاشق چای خوری وانیل استفاده کنید و یا سه قطره اسانس موز را با مواد مخلوط کنید.

\* برای این دستور نیاز به یک قالب لوف ۱۲ در ۲۲ سانتی‌متر دارید. اگر این سایز قالب ندارید، می‌توانید از قالبی با گنجایش مشابه استفاده کنید، یعنی قالبی که پنج تا شش پیمانه آب در آن جا شود. برای اندازه‌گیری حجم قالب، بزرگ‌ترین پیمانه در مجموعه پیمانه‌های اندازه‌گیری (یک پیمانه) را بردارید، با آب پر کنید و در قالب بریزید. قالبی که پنج تا شش پیمانه آب گنجایش داشته باشد مناسب این دستور است. کف قالب انتخاب شده را به کمک برس شیرینی‌پزی با روغن مایع کاملاً چرب کنید و کاغذ روغنی ببندازید.

\* بعد از آماده کردن قالب، کره را آب کنید. برای این کار کره را در کاسه‌ای بریزید و در مایکروویو یا روی بخار آب قرار دهید، دقت کنید که کره نباید به جوش بیاید و جلیز و ولز نکند. کره آب شده را کنار بگذارید تا به دمای محیط برسد. \* اگر از گردو یا هر خشکباری استفاده می‌کنید، بهتر است آنها را روی حرارت گاز یا داخل فر قرار داده و تست کنید. تست کردن مزه و بافت خشکبار را تشدید می‌کند و کمک می‌کند طعم مشخص‌تر و بهتری داشته باشند، ضمن اینکه رطوبت اضافه آنها را از بین می‌برد و باعث می‌شود آجیل‌ها سبک‌تر شده و در کیک و نان ته نشین نشوند. من همیشه مغزها را در سینی شیرینی‌پزی، روی کاغذ روغنی پخش و پنج دقیقه در فر ۱۸۰ درجه حرارت می‌دهم تا بوی مغزها در بیاید، رطوبتش گرفته شود و رنگش یک درجه تیره شود. بعد از تست کردن، گردو را خرد کنید و کناری بگذارید.

. برای لطافت بافت نان، بهتر است از شکر دانه‌ریز استفاده کنید، چرا که دانه‌های درشت شکر در مقابل حرارت آب شده و بافت محصول را تغییر می‌دهند. اگر شکر دانه‌ریز ندارید، شکر معمولی را در آسیاب برقی یا غذا ساز بریزید و فقط دو پالس بزنید. این را بدانید که با این روش، دانه‌های شکر به صورت یک دست ریز نمی‌شوند ولی این ریز و درشتی مشکلی ایجاد نمی‌کند، پس به هیچ وجه بیش از این شکر را آسیاب نکنید چون تبدیل به پودر قند شده که نقش متفاوتی در شیرینی‌پزی دارد.

\* در دستوره‌های نان‌های سریع، به دلیل داشتن بافتی نانی و خشک، اضافه کردن سیوس مجاز بوده و می‌توانید یک هشتم پیمانه از آرد را با سیوس گندم جایگزین کنید. این را بدانید که استفاده از سیوس بافت نان را کمی سفت می‌کند.

پس از آماده‌سازی مواد اولیه، فر را روی ۱۸۰ درجه سانتیگراد روشن کنید تا گرم شود.

\* بگذارید حالا که به این قسمت از کار رسیده‌ایم، نکته مهمی را برایتان بگویم که اوایل کار بارها باعث ناامیدی من از کیک و شیرینی‌پزی می‌شد! دمای پخت در فرهای گازی و برقی در پخت کیک، نان و شیرینی یکی نیست و به طور معمول دما که در فرهای برقی مثل ماکروفر یا سایر نمونه‌ها باید برای پخت انتخاب کنیم حدود ۲۰ درجه کمتر از دمای فرهای گازی است. این عدد می‌تواند با توجه به فضا و اندازه فر برقی شما پنج درجه کمتر یا بیشتر باشد. اما در دستوره‌های آشپزی و شیرینی‌پزی عموماً به این مورد اشاره‌ای نمی‌شود و تنها یک دما که برای فر گازی است بیان می‌شود و اگر شما نکته تفاوت دما را ندانید در نهایت کیک، نان یا شیرینی سوخته و سفت تحویل می‌گیرید!

\* پس با این توضیحات اگر فر شما گازی است آن را روی دما ۱۸۰ درجه بگذارید ولی اگر فر برقی



نان‌های سریع وسطی کوهی، برآمده و ترک خورده دارند

### مواد لازم (کلیه مواد هم دما محیط)

آرد ..... یک و سه چهارم پیمانه \*  
 بیکینگ پودر ..... یک و یک دوم قاشق چای خوری  
 جوش شیرین ..... یک چهارم قاشق چای خوری  
 نمک ..... یک هشتم قاشق چای خوری  
 کره آب شده ..... ۱۰۰ گرم  
 شکر سفید ..... سه چهارم پیمانه  
 تخم مرغ ..... دو عدد  
 موز رسیده و له شده ..... یک پیمانه (دو تا سه عدد)  
 آب لیموی تازه ..... دو قاشق غذاخوری  
 دارچین ..... یک قاشق چای خوری  
 گردو ..... یک پیمانه (قابل حذف)

\* اگر پیمانه‌های استاندارد شیرینی‌پزی را دارید از همان استفاده کنید، اما اگر به آنها دسترسی ندارید یک لیوان دسته‌دار فرانسوی را معادل یک پیمانه در نظر گرفته و برای اندازه‌گیری از آن استفاده کنید.

این نان با داشتن موز، تخم‌مرغ و گردو یک عصرانه کامل برای بچه‌ها است



این نان قابلیت فریز کردن و ماندگاری بالایی نیز دارد. شما می‌توانید آن را بارها و بارها به عنوان یک گزینه مناسب برای عصرانه یا شام درست کنید

## به وقت خروش

زینب گلستانی  
نویسنده



آب را داخل سماور می ریزم و به انتظار می نشینم. همه جا در سکوت مه آلود اول صبح غرق شده است. به آرزوهایم می اندیشم، به آرزوهای دوستم، به آرزو آن پسر بچه در حرم شاه عبدالعظیم حسنی که خانه ای بزرگ می خواست؛ آنقدر بزرگ که خودش و پدر و مادرش و تمام دوستانش آنجا دور هم جمع شدند. با خود می اندیشم چه جای امنی می تواند باشد آنجا که همه دور هم جمع می شوند، بازی می کنند و می خندند.

به آرامش پدر و لبخند مادر می اندیشم، وقتی خیال شان تخت می شود که کودک شان را به جای امن رسانده اند. به مادری می اندیشم که با هزار دلهره و هزار امید کودکش را به فرشتگان درمانگر می سپارد و نمی داند تا دقایقی دیگر هزار امیدش دود می شود و هزار دلهره اش آوار. نسل کنشی قطعاً خیال خام گفتارهای صهیونیست است. به صلیب سرخ می اندیشم به حماقتی که باور کرد گفتار، جنگ جوان مردانه را می فهمد. غافل از اینکه صلیب که سرخ شد دیگر...

احساس می کنم قلم برای نوشتن گیج می زند. صلیب سرخ واژه ای که دلش می خواهد کمک کند اما هنوز گفتار را نشانخته، باور می کند بیمارستان جای امنی است. همه می آیند بیشتر از همه کودکان. این نسل باید بماند و می ماند. حتی اگر تمام بیمارستان ها را ویران کنند و تمام شهر را آوار. تپش نازک یک دانه گندم به آفتاب دم صبح سلام خواهد کرد. خوشه خوشه گندم زار می شود و به گواه تاریخ بهار می آید.

صدای بمب، صدای خمپاره، صدای اشک...

وحشت زده قلم از دستم می افتد، صدای قل قل سماور است، وقت خروش. القدس لنا



تپش نازک یک دانه گندم به آفتاب دم صبح سلام خواهد کرد. خوشه خوشه گندم زار می شود و به گواه تاریخ بهار می آید

# مامکوپولو

تجربه های هیجان انگیز سفر با کودک

رضوان خسروی، آغاز کننده ماجراجویی های مامکوپولو



سمیه ملاتبار  
نویسنده



وقتی اولین فرزندش سه ساله شده بود، میل به سفر زیادی پیدا کرده بود، همان زمان بود که با تیم طبیعت گردی آشنا شد و توانست جمعه ها چند تجربه سفر تنهایی را به خودش هدیه دهد و مشغله زیاد همسر و کوچک بودن پسرش را مانع طبیعت گردی هایش نبیند. اما در تمام سفرها انگار جای خالی بزرگی را حس می کرد و میلش به بودن پسرش تلنگری زده بود که تمرکزش را برای حضور کودکش در سفر فراهم کند. کم کم مادران دیگری هم خواستند که همراهش شوند، آنها هم حس می کردند که چقدر گاهی به سفر زنانه مطمئن نیاز دارند که متناسب با نیازهای فرزندان شان هم باشد و برای شادی دل خود و کودکان شان دنبال کشف چیزهای تازه باشند.

راستش من هم بعد از مصاحبه دوست داشتم که همراه سفرهای رضوان شوم؛ رضوان خسروی مادر دو کودکی که در تمام لحظه های گفت و گو، صدای زیبایی بچه ها را هم می شنود. مادری که سرش درد می کرد برای راه انداختن تور خانوادگی به سبک خودش. رضوان معتقد است که سفر با بچه می چسبید، چون بودن در طبیعت، حال بچه ها را خوب ترمی کند و حتی دیدن تفاوت های فردی و سبک های زندگی متنوع در سفرها، به رشد ذهنی و آگاهی بچه ها کمک می کند. به امید سفرهایی شاد برای بچه ها و بزرگ ترها، بقیه گفت و گو با رضوان خسروی را با هم می خوانیم:

از جایی آرام آرام سفرهای من و پسرم جدی تر شده بود. متوجه شده بودم که می توانم بدون حضور همسرم هم با پسرم به جاده بزنم و منتظر روزهای مرخصی اش از کار نمانم. مقدمات سفر، اقامت، تهیه وعده های غذایی در سفر، همه و همه نیاز به فراغت ذهنی و روانی دارد که همسران ما وقتی روز جمعه ای در خانه بودند هم از خستگی، حوصله اش را نداشتند. انگار تنها راهش این بود که خود دست به کار شوم و به سفرهای خانوادگی با محوریت بچه ها بیشتر فکر کنم. اما مسئولیت، سنگین بود و شد آنچه شد. برای همین در دوره آموزش گردشگری شرکت کردم تا بهتر بتوانم روی این بخش از نیاز جامعه، یعنی سفرهای مناسب خانواده های بچه دار که کمتر دیده می شود، تمرکز کنم.

با وجود تور و آژانس هایی که داریم، ترجیح دادم «مامکوپولو» را افتتاح کنم. برای همه کسانی که دل شان سفر با بچه و مسافرت با تورهای معقول خانوادگی می خواست. حالا قدمان بلندتر هم شده و پسر هم خوشحال تر است که به واسطه راهنما شدن من سفرهای بیشتری را تجربه می کند و ناخودآگاه شرایط راهنما بودن را هم یاد گرفته است. وقتی برایش از ویژگی مقصد و سفر جدید می گویم، ناخودآگاه در سفر می بینم که دارد توضیحاتم را به بچه ها بازگو می کند. ایده و الگوی سفرها را از پسرم علیرضا می گیرم. اینکه دارم توانایی ها، ترس ها، اشتیاق ها و نیازهای یک پسر هفت ساله را می بینم و بر همان اساس، مقصد جدید، زمان حرکت و مسافت مسافرانم را برنامه ریزی می کنم.

از تسهیلگر کودک هم دقیقاً برای تجربه بهتر و برنامه ریزی کنجکاوی فعال برای کودکان در سفر استفاده کردم. مثلاً در سفر بزرگ، تسهیلگر ما غیر از اینکه بچه ها را با خودش برای چیدن گل و دیدن کفش و دوزک ها همراه کرده بود، برگ ها را به بچه ها می داد و از آنها می خواست که برگ ها را بو کنند و برای بچه ها توضیح می داد که برگ ها شبیه به چه چیزی هستند و چه تفاوتی با هم در عطر و

سایز دارند.

در تجربه فیلبند که بخش روستاگردی داشتیم، آنجا هم بچه ها به واسطه حضور تسهیلگر، ارتباط خیلی خوبی با محیط برقرار کرده بودند که خیلی به شناخت محیط و برای همکلام شدن بچه ها کمک کننده بود. مثلاً وارد مغازه کوچکی در روستا شده بودیم که بچه ها و تسهیلگر مشغول جزئیات داخل مغازه کوچک شده بودند که با اینکه خیلی کوچک است ولی تقریباً خیلی از وسایل را دارد. دقیقاً قصدی که من از گردشگری خانوادگی داشتم هم همین بود، که بچه ها از تفکر بسته دور شوند، خلاقیت شان بیشتر شود و توجه شان به همین تفاوت ها بیشتر جلب شود تا بهترین گزینه را انتخاب کنند. از دل همین همکلامی هاست که باورها محک می خورد و آدم ها هویت خودشان را پیدا می کنند.

یک وقت هایی هم تسهیلگر ما، بچه ها را در همان طبیعت بدون والدین سرگرم نگه می داد که حالا با والدین استراحتی و یا چند ساعتی هم برنامه خودشان را داشته باشند بدون اینکه نگران بچه ها باشند. تأکید ما هم همین است که تا جایی که می شود برای سرگرم کردن بچه ها از ابزار خارج از محیط استفاده نشود. مثلاً در تجربه اول ما از فیلبند، از حباب ساز استفاده کرده بودیم ولی تسهیلگرمان برای تجربه دوم، حباب ساز را نپزیرفته بود و ترجیحش این بود که حباب ساز همیشه در خانه در دسترس هست ولی بچه ها فرصت طبیعت را همیشه ندارند، چه بسا که استفاده از خود محیط، خلاقیت بچه ها را هم بالا می برد.

من لیست مشخصی از اهداف برای مامکوپولو دارم ولی باید بتدریج و با گذشت زمان به آنها برسم. هدف اصلی ما از سفر کردن با بچه ها این است که بدون قید و شرطی خوش بگذرد. نمی شود ادعا کرد که در یک سفر، بچه ها خیلی چیزها یاد می گیرند یا همه ابعاد شخصیتی آدم بزرگ ها و بچه ها تقویت می شود. اما دیدن، تجربه کردن و دریافت بیشتر در ادامه داشتن سفرها پیش می آید. برای همین در مورد تغذیه در سفر هم تلاش کردیم که بچه ها این را یاد بگیرند که به طور کاملاً طبیعی در سفر ممکن است همه وعده های غذایی مطابق میل شان نباشد، مثل خوردن زندگی. ولی همیشه سعی کردم طوری غذاها را بچینم که تنوع داشته باشند و دونوع غذا داشته باشیم. پیش هم آمده که بچه ای غذایی را دوست نداشته باشد که درک همان تفاوت هاست، با غذای دیگری سیر می شود ولی به جایش کودک متوجه می شود که طعم غذاها در همه شهرها و محل ها یک جور نیست یا اصلاً غذایی که ما گاهی در خانه می خوریم ممکن است در آن

سفر وجود نداشته باشد. به نظر من بچه ها در این سفرها یاد می گیرند که شکل و سبک زندگی و حتی تفکر آدم ها، فقط محدود به شکل و سبک زندگی و تفکر خودشان نیست و ماصلاً یک سبک زندگی و یک تفکر واحد نداریم.

بخش زیادی از جامعه ما دقیقاً به خاطر ارزش هایی که دارند، اصلاً در فضای مجازی نیستند و طبیعی است که صدایشان شنیده نشود. مردم محلی بلند فریاد نمی زنند اما حالا که پای درد دل شان نشستیم، حرف های مشترکی می گفتند. اینکه کاش گردشگران حواس شان به بلندی صدای موزیک، پوشش و حتی مصرف غیرعقلی یک سری مشروبات می بود. خود ما هم صحنه هایی از این ناهنجاری ها می دیدیم و به مردم محلی حق می دهیم. نکته ای که نسبت به آن کم توجه هستیم، این است که تصویر مردم جامعه تصویری نیست که در فضای مجازی یا شبکه های ماهواره ای می بینیم. در شهرها و روستاها یک کودک واقعاً بحث پوشش هنوز اهمیت دارد، مخصوصاً که سن افراد در روستاها بالاست، از



راستش من ایده والگو سفرها را از پسرم علیرضا می گیرم، توانایی ها، ترس ها، اشتیاق ها و نیازهای پسر هفت ساله ام را می بینم و بر همان اساس، مقصد جدید، زمان حرکت و مسافت مسافرانم را برنامه ریزی می کنم



## معرفی گیاه برگ انجیری

### نماد افتخار

نسرین تقی خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی



گیاه برگ انجیری یک گیاه مقاوم با یک ساقه ضخیم و محکم است که باعث می شود تا برگ های پهن آن همیشه محکم و سر حال باشند. برگ های این گیاه دارای بریدگی هایی است که در طراحی های دکوراسیون داخلی بسیار استفاده می شود. وجود این بریدگی ها به سبب در امان ماندن از باد و باران در زادگاه این گیاه است. این گیاه در تمدن باستان، نماد افتخار و طول عمر و احترام است. برگ انجیری خاصیت تصفیه کننده هوا دارد. نگهداری این گیاه ساده است. برگ انجیری نیاز به نور مستقیم خورشید ندارد برعکس نور غیرمستقیم خورشید را خیلی می پسندد. تابش مستقیم خورشید باعث زرد شدن و آسیب به گیاه می شود. هم چنین نور کم هم باعث کند شدن و توقف رشد و از بین رفتن بریدگی های برگ می شود. با توجه به دما، نیاز به آبیاری هم تغییر می کند. بهترین زمان برای آبیاری، زمانی است که نیمه بالایی خاک کاملاً خشک شده باشد. در این حالت، آبیاری کامل، که آب اضافی از زیرگلدان خارج شود، از نیازهای گیاه است. آبیاری زیاد باعث



شل شدن ساقه این گیاه می شود. رطوبت به رشد گیاه کمک می کند اما توجه به خشک بودن خاک در زمان آبیاری، از عرقاب شدن و آسیب به ریشه جلوگیری می کند. می توان برای تأمین رطوبت گیاه از اسپری برگ های گیاه با آب بدون کلر استفاده کرد. بهترین زمان آبیاری در روز انجام گیرد، چرا که آب فرصت تبخیر دارد و برگ ها آسیب نمی بینند. تمیز کردن برگ های این گیاه با دستمال مرطوب هم از دیگر روش های تأمین رطوبت برای برگ انجیری است. می توان با ساخت جزیره، یک محیط مرطوب برای گیاه فراهم کرد. توجه به خالی کردن مرتب زیر گلدانی بعد از هر آبیاری، به نگهداری ریشه گیاه کمک زیادی می کند.

برگ انجیری می تواند در دمای اتاق به خوبی رشد کند؛ محدوده دمایی ۱۸ تا ۲۷ درجه سانتیگراد برای برگ انجیری مطلوب است. حداقل دما برای رشد و زندگی برگ انجیری، ۱۳ درجه سانتیگراد است. با توجه به اینکه این گیاه در محدوده دمایی متفاوتی رشد می کند، اما بهتر است در برابر تغییرات دما قرار نگیرد. این گیاه نباید در کنار وسایل حرارتی یا به طور کلی در جریان باد قرار گیرد. اگر برگ انجیری کنار منابع گرما یا تابش شدید آفتاب باشد، رنگ برگ های آن به قهوه ای تغییر می کند. خاک مناسب برای برگ انجیری، باید سبک و با زهکش بالا باشد تا بتواند آب اضافی از آبیاری را به خوبی از خود عبور دهد. بهترین ترکیب خاک می تواند پرلیت، خاک باغچه

و خاک برگ باشد. باید توجه شود در صورتی که خاک ضعیف باشد، برگ ها کوچک شده، بریدگی ها از بین می رود و در نهایت ریزش برگ ها را خواهیم داشت. برای جلوگیری از این اتفاق، می توانید گیاه را با کوددهی مناسب، تغذیه کنید. کود با نسبت مناسب عناصر نیتروژن، فسفر و پتاسیم گزینه خوبی برای تغذیه است. بهترین زمان برای کوددهی، بهار و تابستان است. در فصل زمستان نباید کوددهی صورت گیرد چرا که برگ انجیری در این فصل نیاز به استراحت دارد.

تمیز کردن ماهانه برگ ها با دستمال نرم و مرطوب، به درخشان شدن برگ های این گیاه کمک می کند. بی حال بودن برگ ها، بیرون زدن ریشه ها و زرد شدن برگ ها می تواند از علائم کوچک بودن گلدان باشد. در این صورت بهتر است اندازه گلدان تا ۲ الی ۳ برابر بزرگ شود. برگ انجیری در ابتدا رشد به گلدان کوچک نیاز دارد تا همه انرژی خود را صرف ریشه زایی کند و بعد باید گلدان بزرگ تر شود تا توان گیاه صرف پاچوش زدن و رشد برگ ها شود. بهترین زمان برای تعویض گلدان بهار است. اگر همه شرایط برای گیاه ایده آل و مطلوب باشد، گیاه به سمت گلدی می رود. گلدی برگ انجیری در فصل تابستان اتفاق می افتد. گل های برگ انجیری به گل های گیاه اسپاتی فیلوم شبیه بوده و سفید رنگ است. بهترین زمان برای مشاهده گل در گیاه برگ انجیری چیده شود تا انرژی گیاه صرف تولید و سلامت برگ های گیاه شود.

به طور کلی تولید گل در برگ انجیری نشانه سلامت گیاه است. این گیاه میوه هم دارد. میوه های برگ انجیری، به شکل بلالی و سبزرنگ هستند. از مشکلات برگ انجیری، زرد شدن برگ هاست که در اثر آبیاری زیاد اتفاق می افتد؛ برای رفع این مشکل می توان دفعات آبیاری را کنترل کرده و زهکش گلدان را چک کنید. قهوه ای شدن یا سوختگی نوک برگ های برگ انجیری، به دلیل تشنگی زیاد، دمای بالا، رطوبت کم و هوا خشک است. برای رفع این مشکل می توان به تأمین رطوبت مورد نیاز توجه کرده و فواصل آبیاری را کمتر کرد. کوچک ماندن برگ های این گیاه، به دلیل کمبود مواد مغذی یا نور کم است. وجود تارهای شبیه به تار عنکبوت، نشان از کنه غبارپاشی استفاده کرد. اگر در محل اتصال برگ به ساقه و زیر برگ ها، موجوداتی ریزو سفید مشاهده شد، وجود شمشک آرد آلود را خبر می دهد. برای رفع آن می توانید با دستمال مرطوب و تمیز برگ ها را تمیز کنید و از آفت کش ها استفاده کنید.

گیاه برگ انجیری در تمدن باستان، نماد افتخار و طول عمر و احترام است.

مصرف آب صرفه جویی می کردیم که منبع آب خالی نشود هم صاحب اقامتگاه خیلی متعجب شده بود و تشکر کرد که ما آنقدر اهل رعایت در مصرف آب بودیم یا با اینکه همه افراد گروه بچه داشتند، برایشان عجیب بود که آنقدر ساکت و آرام بودیم با اینکه بچه های ما هم در حیاط بازی می کردند و می دویدند. ولی می گفتند معمولاً مسافرها ایشان ساعت یک و دو از شب، تازه مشغول آهنگ و رقص و آواز می شوند در حالی که گروه ما شب رازود می خوابید و همین به آنها هم آرامش داده بود. بگذریم که صدای موسیقی بلند برای پرندگان و موجودات در محیط زیست هم آسیب زاست و حتی باعث سکنه در برخی از پرندگان می شود. آزادی که حرفش می شود شامل حقوق شهروندی هم هست. خیلی ها دوست دارند که فقط به خاطر آرامش طبیعت و سکوت کویر از خانه خارج شوند. ما در دل طبیعت دیده بودیم که گروهی باند موسیقی شان را با فرغون حمل می کردند، تا این حد سنگین بود. آخر چران باید آنقدر ابتدایات انسانیت و حقوق شهروندی در تورها رعایت شود که همه جا از تورها تقدیر کنند؟

این نکات برای من به عنوان توریست جزو امتیازهای ارزشمند به حساب می آید که تا اینجا به خواست خدا به گروه مسافران نمونه تبدیل شده ایم. در حالی که به نظر مار رعایت حقوق اهالی اقامتگاه جزو بدیهیات رفتاری است و چرا همین بدیهیات آنقدر فراموش شده است که مردم محلی از گردشگران شاکی باشند. کاش حواس مان بیشتر باشد که آدم ها را در استفاده از طبیعت محدود نکنیم.

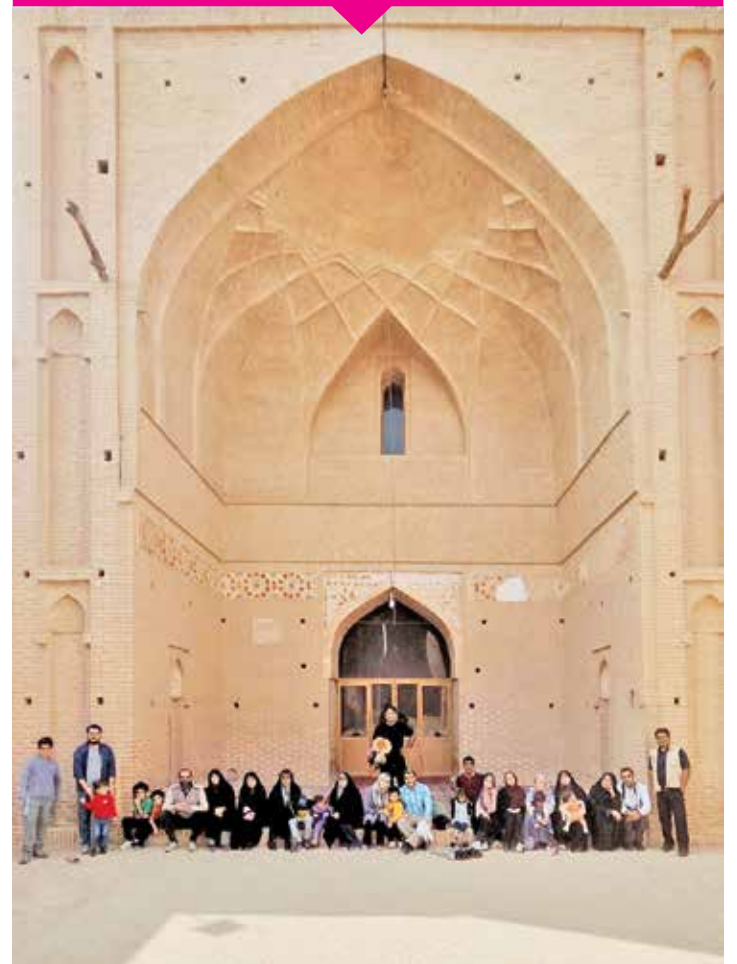
نسل قبلی هستند و طبیعتاً بافت سنتی در آنجا حاکم است و اعتقادات نسل خودشان را دارند، برای همین طبیعی و ساده است که دل شان با بی حجابی صاف نباشد.

گردشگران حرفه ای را هم می شناسم که مذهبی نیستند و در رفت و آمدهای محل زندگی خودشان هم پوشش راحتی دارند ولی در سفرها حتی در روستاهای دور هم خیلی مراعات بافت سنتی اهالی را می کنند. هم از نظر موسیقی و هم مدل رفتار و برخورد. خیلی حواس شان هست که روستاییان را اذیت نکنند و این را جزو پیشفرض های اصلی جهانگردی و گردشگری می دانند.

همیشه قبل از سفرها، مسیر و مقصد را خودم برای شناسایی می بینم. در سفر بزرگ قبل از اینکه تور به ما ملحق شود، لیدر محلی با احترام از من خواسته بود از افراد تور بخواهم که هوای اهالی روستا را داشته باشند، تذکر پوشش را به مسافران بدهم تا مسأله ای پیش نیاید و واقعیت هم این است که اگر تور از نظر پوشش نامناسب باشد، لیدر بازخواست می شود. من پاسخ خاصی نداده بودم و فقط گفتم چشم، چون خودم از مسافرها هم شناخت کافی داشتم. اما بعد که تور را دیدم غافلگیر شده بود و گفتم واقعاً جزو بهترین تورها بودید. یاد در فیلبند هم خیلی از رفتار ما خوششان آمده بود و باب درد دل شان به همین دلیل با ما باز شد.

واقعاً غیر از ظاهر و پوشش، رفتار گروه مامکوپولو هم همیشه مورد تحسین قرار گرفته، هم از لحاظ حفظ محیط زیست و هم حفظ اقامتگاه ها. برای خود ما خیلی مهم است که حتی اقامتگاه را هم مثل دسته گل تحویل دهیم. یاد در فیلبند که باید در

دقیقاً قصدی که من از گردشگری خانوادگی داشتم، این بود که بچه ها از تفکر بسته دور شوند، خلاقیت شان بیشتر شود و توجه شان به تفاوت ها بیشتر جلب شود و بهترین گزینه را انتخاب کنند. از دل همین همکلامی هاست که باورها محکم می خورد و آدم ها هویت خودشان را پیدا می کنند، حتی کودکان



گروه مامکوپولو در مسجد جامع زواره

# فناوری و رسانه



## گزارشی از اعتیاد سرسام آور به بازی های موبایلی

بنیاد ملی بازی های رایانه ای در بین خردسالان بازی های تفننی و آموزشی و همچنین بازی های مسابقه ای بیشترین جذابیت را دارد. جوانان ۱۸ تا ۳۴ سال هم که تعداد اصلی گیمرها را به خود اختصاص داده اند، بیشتر طرفدار بازی های ورزشی و بتل رویال و همچنین معمایی هستند. کارشناسان می گویند برخی از بازی ها بشدت خشونت زا و اعتیاد آور است و والدین بی توجه به این مسأله گوشی همراه یا تبلت را حتی در اختیار کودکان و خردسالان قرار می دهند. در واقع میزان یادگیری از این ابزار به مراتب در مقابل اثرات سوء آن کمتر است. موضوعی که موجب شده مقوله اعتیاد بازی های رایانه ای بجد از سوی کارشناسان هشدار داده شود و متأسفانه تحقیقات جامعی در کشور در این خصوص صورت نمی گیرد.

### زنان به اندازه مردان خوره بازی شده اند

براساس گزارش بنیاد ملی بازی های رایانه ای ۳۴ میلیون گیمر در ایران فعال هستند که ۵۸ درصد آنها به شکل آنلاین بازی می کنند. نکته جالب تناسب جنسیتی بین گیمرهاست که ۵۹ درصد از جمعیت را مردان و ۴۱ درصد را زنان به خود اختصاص داده اند.

میانگین سنی گیمرها ۲۳ سال است که بیشترین سهم هم با ۳۴ درصد به جوانان ۱۸ تا ۳۴ سال می رسد. از بین جمعیت گیمر ایران ۴ میلیون نفر گیمر حرفه ای یا پیشتاز محسوب می شوند که بیش از ۲۱ ساعت در هفته بازی می کنند. این گروه ۱۲ درصد از کل گیمرها را به خود اختصاص داده است.

سهم اصلی به گیمرهایی تعلق دارد که به شکل تفننی بین ۱ تا ۵ ساعت در هفته بازی می کنند. این گروه ۴۵ درصدی ۱۵ و نیم میلیون نفر جمعیت دارند. گیمرهای مصمم نیز بین ۵ تا ۲۱ ساعت در هفته به شکل پایدار مشغول به بازی هستند.

گیمرها به طور متوسط ۹۵ دقیقه در روز بازی می کنند و سهم بازی گیمرهای مرد در زمانی که صرف بازی می شود تقریباً نزدیک به دوبرابر گیمرهای زن است.

### موبایل دستیابی به بازی را راحت تر کرده است

سختی های تأمین تجهیزات بازی های رایانه ای و دسترسی به آن با بازی در موبایل تسهیل شده است؛ تا جایی که اگر زمانی بازی های رایانه ای در فروشگاه هایی خاص ارائه می شد یا تجهیزات خاصی باید تهیه می شد، امروز به سادگی در هر گوشه ای قابل استفاده است تا جایی که بنیاد ملی بازی های رایانه ای اعلام کرده است که گوشی هوشمند پرطرفدارترین و جذاب ترین ابزار بازی شناسایی شده که البته این موضوع را به قیمت کنسول ها و قابل حمل بودن گوشی و تبلت هم می توان نسبت داد.

از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ تعداد کل

ونوس بهنود

دبیر تحریریه  
vbehnood@gmail.com



این روزها گرایش به بازی های موبایلی به حدی با افزایش همراه است که تقریباً تمامی کاربران موبایل را به نوعی درگیر خود ساخته و عواقب آن نادیده گرفته می شود.

بازی های رایانه ای همان طور که بارها گفته شده یکی از زمینه های سرگرمی در ایران است که بعد از بهبود بسترهای اینترنت و افزایش کاربران موبایل در سال های اخیر رشد قارچ گونه ای داشته و دیگر نه محدودیت سنی و جنسیتی دارد و نه میزان درآمد می تواند مانع از خرید تجهیزات و گرایش به سمت آن شود.

کافی است نگاهی به اطراف خود بیندازید تا سبیلی از بازیگران را در اطراف خود مشاهده کنید. در کمال شگفتی بازی های رایانه ای به یکی از سرگرمی های مشترک دوستان یا اعضای خانواده نیز تبدیل شده و هزینه های سنگینی برای تأمین تجهیزات و نرم افزارهای آن از سوی خانواده ها پرداخت می شود و در مقابل خانواده ها خود را عاجز از خرید بسیاری از کالاهای فرهنگی مانند کتاب می دانند. والدین نیز نه تنها مخالف بازی نیستند بلکه در بسیاری از مواقع حاضر به تأمین هزینه ها و حتی مشارکت با کودکان و نوجوانان در بازی هستند.

### خشونت طلبی و حس فاتح بودن دلیل بازی

یکی از کاربران بازی های رایانه ای در گفت و گو با «ایران جمعه» دلیل گرایش به بازی را حس برنده شدن و نتیجه گرفتن در پی تلاش کردن توصیف کرد. محمدی که زنی ۳۴ ساله است، می گوید: حداقل با بازی رایانه ای می توانم سرم را گرم کنم و در نهایت با طی کردن مراحل بازی حس خوشایندی داشته باشم.

وی در پاسخ به اینکه آیا بازی باعث نمی شود دچار اضطراب، سردرد یا خشم و پریشانی شود، اضافه کرد: هر چند این موارد وجود داشته باشد اما می آرد. رستمی پور شهروند دیگری که پدر دو فرزند است، می گوید: با پسرم بازی های رایانه ای پی اس فور را انجام می دهیم. این بازی ها حس رقابت طلبی و جنگجویی را در کودک تقویت می کند که از نظر من ایرادی ندارد. این شهروند معتقد است در وضعیتی که مشکلات بسیاری در جامعه وجود دارد و همه جا باید برای رسیدن به حقت بجنگی، بهتر است کودکان برای رقابت و تلاش برای کسب حق خود آماده شوند و اینکه می گویند بازی های رایانه ای تأثیر منفی دارد، من اعتقادی به آن ندارم. اما این بازی ها چه چیزی به کاربران می دهد و چه اثراتی دارد؟ براساس گزارش

## مظنه خوره بازی شدن چند؟

گیمرهای ایرانی با نرخ رشد ترکیبی سالانه برابر با ۷ درصد افزایش داشته است. این رشد در سال های اول دهه ۱۳۹۰ بیشتر بوده که دلیل اصلی آن در این سال ها رشد بازی های موبایلی و افزایش ضریب نفوذ اینترنت و دسترسی گسترده تر به موبایل و اینترنت بوده است. جالب است بدانید که گیمرهای ایرانی براساس گزارش بنیاد ملی بازی های رایانه ای برای سخت افزارها و نرم افزارهای بازی های دیجیتال در سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۹ هزار میلیارد تومان، هزینه کرده اند. منظور از هزینه کرد، تمامی هزینه هایی است که گیمرها برای دسترسی به نرم افزار یا سخت افزار بازی به روش های مختلف صرف می کنند. در این عدد، علاوه بر خرید دستگاه از فروشگاه یا هزینه کردهای داخل بازی، معاملاتی همچون خرید و فروش ارز درون بازی از واسطه ها و تبادلات میان بازیکنان لحاظ شده و در عین حال آن دسته از درآمدهای حوزه بازی که در دسته هزینه کردهای بازیکنان نیست، محاسبه نشده اند.

بیش از ۵۱۲ میلیارد تومان مجموع هزینه ای است که گیمرهای پلتفرم موبایل در سال ۱۴۰۰ برای بازی انجام داده اند. البته در این گزارش به هزینه VPN اشاره ای نشده و آماری از هزینه این موضوع در دست نیست. نکته ای که در این گزارش بر آن تمرکز شده در جریان هزینه های گیمرهای موبایل، هزینه بیش از ۲۰۲ میلیارد تومان به عنوان سهم بازی های موبایل بومی است. سهم پلتفرم کنسول و رایانه به شکل قابل توجهی در جریان اقتصادی بیشتر از موبایل است. بیش از ۱۸ هزار میلیارد تومان مجموع هزینه کرد گیمرهای کنسول و رایانه در سال ۱۴۰۰ است که بیش از ۱۶ هزار میلیارد از این میزان هزینه صرف تهیه کنسول های بازی شده است. ۸۶ درصد از کل هزینه کردهای گیمرها، صرف خرید سخت افزار و مخصوصاً کنسول بازی شده و به دلیل رشد شدید نرخ ارز و وابستگی مستقیم قیمت سخت افزار به آن، این موضوع منجر به ایجاد گردش مالی بسیار قابل توجه شده است. باید پرسید با سرخ کردن در گوشی و ساعت ها بازی چه کسی سود می برد؟





در ساعات بعد از نگارش این گزارش اینترنت غزه در نهایت با فشار افکار عمومی برقرار شد



## جنایت حساب شده با قطعی اینترنت در غزه

# انزوی تاریک بی خبری

### بزرگ‌ترین انزوی خبری

اما پیامد قطعی اینترنت صرفاً قطع اخبار از فلسطین نیست. به گزارش الجزیره، انجمن هلال احمر فلسطین نگرانی خود را درباره تأثیر قطعی بر خدمات پزشکی اضطراری در غزه بیان کرده و گفته این قطعی توان آنها را در ارتباط با اتاق عملیات خود محدود کرده و شماره اضطراری مرکزی «۱۰۱» را تحت تأثیر قرار داده است. به همین دلیل رسیدن بموقع خودروهای آمبولانس به زخمیان و مجروحان دچار مشکل می‌شود. اگرچه در ابتدای تنش‌ها خدمات ارتباطی ضعیف شده بود، اما قطعی کنونی بسیار بدتر است. ارائه دهندگان اینترنت و برج‌های موبایل به تأمین الکتریسیته مداوم نیاز دارند، اما با محدودیت‌های برق و کمبود سوخت، حفظ اتصال روز به روز دشوارتر شده است. قبلاً هم قطعی‌هایی در دسترسی به اینترنت در غزه رخ داده است، اما این واقعه به عنوان بزرگ‌ترین قطعی از زمان شروع تنش‌ها توصیف می‌شود.

طارق ابو عروم از الجزیره گزارش داده است: «ما هیچ اینترنتی نداریم، هیچ نوع سیگنالی در تلفن‌هایمان نداریم و کاملاً در قلمرو منزوی شده‌ایم. او گفته ساکنان هراسان هستند و ترسیده‌اند.» همچنین بی‌بی‌سی نیز به این قطعی‌ها واکنش نشان داده و در گزارشی آورده است: «در حال حاضر نمی‌توانیم به دلیل قطعی‌ها با افراد در غزه ارتباط برقرار کنیم. سعی کردیم یک پیام واتساپی ارسال کنیم که هنوز یک تیک دارد، به این معنی که توسط تلفن شخص دریافت نشده است. تلاش برای تماس تلفنی نیز فقط یک پیام غیرقابل دسترسی دریافت می‌کنید. برای چندین تماس دیگر هم تجربه مشابه داشتیم.»

مهدی موسوی، خبرنگار عربی بی‌بی‌سی تمام‌روز سعی کرده با خبرنگاران و مقامات بهداشتی غزه تماس بگیرد و فقط توانسته در واتساپ پاسخ‌های کوتاهی دریافت کند، اما تا عصر تمام خطوط ارتباطی قطع شده است و تا آن زمان، فیلم زنده، تاریکی کامل را در سراسر منطقه نشان می‌دهد. خبرنگار ما برای هر کسی که اوایل روز با آنها صحبت کرده بود پیام فرستاد، اما پاسخی دریافت نکرده است. وحشت و اضطراب بین فلسطینیان در حال گسترش است. در ۲۰ روز گذشته تبادلات پراکنده و محدود در واتساپ آن هم به صورت گاه و بیگاه برقرار شده، با این حال هر شکاف گسترده‌ای در ارتباط با اضطراب فلج‌کننده مواجه شده است که با سؤال‌الایمانی مانند «آیا آنها مرده‌اند، زنده‌اند یا خانه آنها نیز بمباران شده»، همراه است.

### پوشش جنایت در بی خبری

دیدبان حقوق بشر نیز گفته است که خاموشی تقریباً کامل مخابرات در غزه خطر ایجاد پوششی برای «جنایت‌های گسترده» را ایجاد می‌کند. دیورا براون، محقق ارشد فناوری و حقوق بشر این گروه در بیانیه‌ای گفت: «این خاموشی اطلاعات، خطر ایجاد پوششی برای جنایات جمعی و کمک به معافیت از مجازات نقض حقوق بشر را به همراه دارد.» شرکت تأمین‌کننده ارتباطات فلسطینی جوال می‌گوید که با توجه به تجاوزات ادامه‌دار، تمام خدمات ارتباطی و اینترنتی با نوار غزه قطع شده، در واقع «آخرین مسیرهای بین‌المللی» که غزه را به جهان خارج متصل می‌کند قطع شده است. بی‌بی‌سی در پی بروز این فاجعه اعلام کرد که ارتش اسرائیل خواسته در مورد قطع ارتباط اظهار نظر کند اما تاکنون پاسخی نداده است.

بعد از بمباران اسرائیل، اینترنت غزه به صورت کامل قطع شد؛ موضوعی که عواقب آن تا انزوی کامل و تشدید بحران مرگ‌های دسته‌جمعی در انزوا بی‌خبری، پیش‌بینی شده است. هر چند قطعی‌های مکرر اینترنت و خطوط مخابرات در پی درگیری‌های اخیر نیروهای حماس و رژیم صهیونیستی به دفعات اعلام شده بود اما این بار نت بلاکس که پایش اینترنت جهانی را به طور مستمر انجام می‌دهد، با انتشار یک پست در ایکس (توییتر سابق) از قطع کامل اینترنت در نوار غزه خبر داد و آن را با قطعیت تأیید کرد. این قطعی که در بمباران اخیر رژیم صهیونیستی به نوار غزه و ویرانی تمام زیرساخت‌های مخابراتی و اینترنتی روی داد، موجی از نگرانی را بین مردم درگیر در جنگ به وجود آورده است. خبرنگاران و فعالان شبکه‌های اجتماعی که طی روزهای گذشته به انتشار فجایع رخ داده به واسطه بمباران رژیم صهیونیستی می‌پرداختند، هیچ امکانی برای انتشار وقایع در یکی از شدیدترین حملات هوایی اسرائیل ندارند و «جوال» یکی از اپراتورهای ارتباطی غزه نیز از قطع کامل خدمات ارتباطی تلفن همراه همراه بر اینترنت خبر داده است. پیش از این، سازمان حقوق دیجیتال اکسسو هشدار داده بود قطع شدن اینترنت در فلسطین می‌تواند عواقب جدی داشته باشد. این سازمان غیردولتی در بیانیه‌ای نوشته بود: با وجود هزاران نفر کشته و در حال حاضر خاموشی تقریباً کامل، دسترسی به اطلاعات کمیاب شده است و «قطع اینترنت به طور مستقیم بر مستند شدن جنایات انجام شده تأثیر می‌گذارد.» مردم نمی‌دانند محل عزیزانشان کجاست و اینکه آیا آنها مرده یا زنده هستند. گفتنی است در روزهای گذشته نیز اینستاگرام حساب کاربری فلسطینی را که به پوشش وقایع غزه می‌پرداخت و ۶ میلیون دنبال‌کننده داشت، حذف کرد. صفحه «eye on Palestine» که برای پوشش وقایع غزه و اخبار و ویدیوهای روزانه مربوط به فلسطینی‌ها ایجاد شده بود، به علت روایت‌های بموقع و موثق از وقایع غزه، ۶ میلیون دنبال‌کننده از سرتاسر جهان داشت. پیش از آن نیز صفحات مختلف فلسطینی‌ها که به انعکاس رویدادهای غزه می‌پرداخت در پلتفرم‌های مختلف از جمله یوتیوب، اینستاگرام، ایکس و تیک‌تاک حذف شده بود. این موضوع تا جایی پیش رفت که طبق اعلام تلگرام، «گوگل برخی کانال‌های متعلق به فلسطینی‌ها را در نسخه تلگرام نصب شده از طریق گوگل پلی مسدود کرد.» شرکت «پالتل» بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده خدمات ارتباطی در غزه، قطعی کامل تمام خدمات خود را تأیید کرده است. اسیک ماتر از شرکت نت بلاکس، این واقعه را بزرگ‌ترین قطعی در دسترسی به اینترنت در غزه از زمان شروع تنش‌ها توصیف کرده و گفته توان ساکنین غزه برای ارتباط با جهان خارج به دلیل از دست دادن مسیرهای بین‌المللی بشدت محدود شده است.

## درخواست کمک و بوته آزمایش

این کشور فراهم کرد و اجازه داد نظامیان و شهروندان اوکراینی در مناطقی که خارج از پوشش سیستم مخابراتی داخلی است، به اینترنت دسترسی داشته باشند. ایلان ماسک پس از مدتی اعلام کرده بود اسپیس ایکس نمی‌تواند هزینه فراهم کردن این سرویس در اوکراین را برای همیشه تقبل کند اما اندکی بعد از این اظهارات عقب‌نشینی و اعلام کرده بود به فراهم کردن خدمات اینترنت ماهواره‌ای اسپاتلینک ادامه می‌دهد.

ماهواره‌های اسپیس ایکس بخشی از شبکه اسپاتلینک هستند که دسترسی به خدمات اینترنت پرسرعت را از طریق آنتن به زمین فراهم می‌کنند. آنتن‌های اسپاتلینک به برق نیاز دارند اما برق آنها می‌تواند از طریق ژنراتورها یا پاوربانک تأمین شود.

تمامی رسانه‌ها به قطعی اینترنت در غزه اذعان داشته‌اند که به دلیل بمباران شدید و از بین رفتن زیرساخت‌ها به وقوع پیوسته است اما افکار عمومی به دنبال نوع برخورد و مواجهه غول‌های رسانه‌ای بعد از این فاجعه است و اینکه شعار جریان آزاد اطلاعات که در این منطقه جنگ‌زده می‌تواند منجر به مرگ صدها نفر شود، چقدر محقق خواهد شد.

امادری پروژ این بحران و در وضعیتی که تمام پلتفرم‌های غول پیکر رسانه‌ای بر خلاف ادعای پایبندی به جریان آزاد اطلاعات به انزوی خبری غزه کمک می‌کنند، کاربران شبکه اجتماعی در نوار غزه از ایلان ماسک خواستند خدمات اینترنت ماهواره‌ای اسپاتلینک را برای این منطقه فراهم کند. بر اساس گزارش وبسایت Time Now، کاربران متعددی در شبکه اجتماعی ایکس که به ایلان ماسک تعلق دارد، از او خواستند اینترنت اسپاتلینک را که توسط شرکت هوافضای امریکایی اسپیس ایکس اداره می‌شود، برای غزه فراهم کند. یک هفته پیش وبسایت ایندین اکسپرس گزارش کرده بود که رژیم صهیونیستی در تماس با شرکت اسپیس ایکس برای استفاده از خدمات اینترنت ماهواره‌ای اسپاتلینک برای کمک به تقویت ارتباطات در آستانه تدارک عملیات زمینی در غزه است. اینترنت ماهواره‌ای که چندی پیش در جنگ روسیه و اوکراین به یاری اوکراینی‌ها شتافت، این بار در بوته آزمایش است که آیا بار دیگر پیرو شعارهای خود خواهد توانست سد قطع اینترنت در غزه را بشکند. شرکت اسپیس ایکس ایلان ماسک، از زمان آغاز حمله نظامی روسیه به اوکراین در فوریه سال ۲۰۲۲، اسپاتلینک را در اوکراین فعال و هزاران پایانه اینترنتی برای



# زنان



## تسخیر لانه از نگاه دختران دانشجو

گفت‌وگو با فائزه مصلحی دانشجوی حاضر در تسخیر سفارت امریکا در سال ۵۸



آزادی ای که امریکا بخواهد برای زنان بیاورد، چه آزادی ای است؟ این یک سؤال جدی است. با این آزادی زن به ارزش‌هایی نزدیک می‌شود که حول محور شیء بودن می‌چرخد. این شیء بودن زن، دستاورد امریکا و نظام غربی است تا بتوانند سلطه‌شان را بیش‌تر کنند

مواجهه با ایران برمی‌گشت. امریکا بعد از جنگ جهانی دوم، یعنی شهریور ۱۳۲۰ که ایران اشغال شد، به نوعی در ایران حضور پیدا کرد؛ هم حضور نظامی و هم حضور مستشاری؛ تا زمانی که بحث ملی شدن صنعت نفت پیش آمد و دولت ملی آقای مصدق با پشتیبانی مردم و آیت‌الله کاشانی روی کار آمد و نهایتاً منجر به کودتایی برای عقیم گذاشتن حرکت‌های مردمی توسط امریکا در ایران شد. این دخالت‌های امریکا یک لطمه ذهنی بسیار منفی را در ایران ایجاد کرده بود و چنین زمینه‌هایی در عرصه عمل هم خودش را نشان داد. بعد از کودتا بحث کاپیتولاسیون مطرح شد که اختیارات امنیت قضایی و کنسولی را به امریکا می‌داد و باعث تحقیر ایران می‌شد. در اینجا تأسیس ساواک و امثال آن که در داخل ایران انجام داده بود را هم می‌توان اضافه کرد که لیست بلندبالایی است، در حقیقت این موارد سوابق عملکردی امریکا در حافظه ایران بود. بعد از انقلاب نیز، شاه را با وجود جنایاتی که در ایران با کمک و تأیید خودش کرده بود، به بهانه مداوا پذیرفت. بعد از انقلاب هم این تأییدها و حمایت‌ها همچنان وجود داشت. لذا اولین خواسته دانشجویان که با تصرف سفارت امریکا داشتند برگشت شاه به ایران بود تا در مقابل گروگان‌ها را آزاد کنند اما امریکا به این خواسته تن در نداد. لذا گروگان‌ها به مدت ۴۴۴ روز در اختیار دانشجویان بودند.

از روز ۱۳ آبان ۵۸ بفرمایید. شما در آن روزها دانشجوی کدام دانشگاه بودید و چگونه در جریان روند تسخیر سفارت امریکا قرار گرفتید؟

من دانشجوی رشته الهیات در دانشکده دماوند بودم که بعدها به دانشگاه تهران منتقل شدیم. من آن روز به دلیل بیماری در منزل بودم و از طریق اخبار رادیو متوجه شدم؛ بلافاصله با رادیو و تلویزیون تماس گرفتم و چون جزو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه بودم، از این حرکت اعلام حمایت کردم. تقریباً یک هفته بعد، به عنوان نماینده انجمن به سفارت آمدم و به مدت یک ماه در جریان بعد از تسخیر در آنجا حضور داشتم. افرادی که در روند تسخیر و پس از آن برای نگهداری از گروگان‌ها و بازایی اسناد و فعالیت‌های رسانه‌ای و... حضور داشتند همه از دانشجویان بودند و خاطر هم هست که حدود ۷۰۰-۵۰ نفر از این دانشجویان هم خانم بودند.

اسامی خانم‌هایی که باید یادگردد در سفارت حضور داشتند خاطرتان هست؟

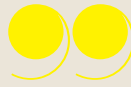
بله. خانم زینب کدخدا، مولود ستیج‌نیا، صدیقه روشن‌دل، مریم بدیعی، مریم مؤمن زحمتکش، معصومه نورمحمدی، فروز رجایی‌فر، لعیام ملک و خانم فریده ماشینی که مرحوم شدند و... شما به عنوان دانشجوی دهه پنجاه، هدف دانشجویان از تسخیر را چه می‌دیدید؟ زمینه‌های این حرکت به عملکرد امریکا در



۱۳ آبان سالروز تسخیر لانه جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار جهانی است که حرکتی خودجوش از سوی دانشجویان انقلابی دهه ۵۰ بود. این اقدام که با گروگانگیری کارکنان سفارت و بازایی اسناد، ۴۴۴ روز ادامه پیدا کرد توسط امام خمینی (ره) به عنوان انقلاب دوم نامگذاری شد. با آنکه این اقدام منتسب به کلیت جنبش دانشجویی می‌شود، اما به واسطه حضور پررنگ دختران در آن برخلاف ادعایی که ابتدای انقلاب از محدود شدن آنان توسط جمهوری اسلامی می‌رفت، از جنبه‌های مختلف قابل بحث و روایت است. بدین منظور گفت‌وگویی با خانم دکتر فائزه مصلحی استاد حوزه و دانشگاه و از دانشجویان فعال و حاضر در روند تسخیر لانه جاسوسی انجام دادیم.



حضور خانم‌ها در انقلاب، حتی پیشاپیش آقایان بود. یک روز ایشان دیداری در لانه داشتند و بعد از آن که با گروه‌گان‌ها دیدار کردند، به فضای بیرونی آمدند و روی صندلی نشستند. من از ایشان سؤال داشتم و ایشان با لیخنند و روی گشاده پاسخ من را دادند. من احساس نکردم که حضورم در آن مجموعه سؤال برانگیز بود



آمدند و روی صندلی نشستند. من از ایشان سؤال داشتم و ایشان با لیخنند و روی گشاده پاسخ من را دادند. من احساس نکردم که حضورم در آن مجموعه سؤال برانگیز بود. این قضیه برای ایشان کاملاً عادی بود. از یک جهت هم حضور خانم‌ها در آن مجموعه برای دنیا این پیام را داشت که خانم‌ها می‌توانند با حفظ شئون‌ها در عرصه‌های سیاسی و مطالبات ملی و بین‌المللی، حضور پیدا کنند. این یک الگو و مدل موفق بود که به دنیا ارائه می‌شد.

نگاه خانواده‌ها، دیگر مسئولان و روحانیون ... چطور بود؟ آیا حضور دختران دانشجوی و دختران فعال فرهنگی از نظر جامعه پذیرفته شده بود؟

من مانعی نمی‌دیدم. نه تنها من، حتی دیگران. چرا که اگر مانعی بود، ما یک سال در آن مجموعه باقی نمی‌ماندیم. چیزی که خیلی اهمیت داشت، این بود که حضور ما در یک چهارچوب مشخص بود. خوابگاه‌ها کاملاً جدا بودند و فعالیت ما بدون اختلاط بود. ارتباطات بین خانم‌ها و آقایان به صورت حداقلی بود و حتی یک جاهایی سلام و علیک هم نمی‌کردند یعنی رعایت مسائل شرعی تا این حد لحاظ می‌شد. جلسات مشترک ما با آقایان، یکی نماز جماعت بود و دیگری دعای کمیل و جلسات تحلیل‌های سیاسی که در روزهای چهارشنبه، به صورت تفکیک شده و بدون اختلاط برگزار می‌شد. وقتی که فضا سالم باشد، خود همین جلسات، زمینه را برای فعالیت مهیای می‌کند. اینجا دیگر این سؤال پیش نمی‌آید که چرا حضور وجود دارد. اتفاقاً این تصور ایجاد می‌شود که حالا امکان حضور و زمینه فعالیت وجود دارد و می‌توان اهداف را بدون حاشیه پیگیری کرد.

اگر بخواهیم فعالیت دختران دانشجوی را در دهه ۵۰ و زمان حال مقایسه کنیم، از نظر شما این فعالیت‌ها چه تفاوتی کرده است؟

هرزمانی اقتضات خودش را دارد و نمی‌شود این زمان را با آن زمان مقایسه کرد. آن زمان فضای عمومی جامعه در زمان دفاع مقدس به گونه‌ای بود که همه به این سمت حرکت می‌کردند یعنی به سمت توجه به آرمان‌ها و اهداف می‌رفتند و مجموعه به هم بود. بعد از آن ما وارد یک دوره‌ای شدیم که تقریباً می‌شود گفت برعکس دهه شصت عمل شد. دهه هفتاد زمانی بود که نگاه به فرهنگ اسلامی متأسفانه کم‌رنگ شد، یعنی به جای اینکه نگاه به درون داشته باشد، به بیرون داشت. مثلاً در زمینه مکان‌های مذهبی، در دهه شصت، همه توجه‌ها به سمت مسجد بود. اما در دهه هفتاد در کنار مساجد، فرهنگسراها ساخته شدند. این فرهنگسراها یک انقطاعی بین نسل حامل انقلاب که انقلاب کرده بود، با نسل جوانی که به تازگی به سن رشد عقلی می‌رسید، ایجاد کرد. این انفکاک حتی در مکان‌ها هم صورت گرفت، به طوری که جوان به جای اینکه بیاید مسجد، رفت فرهنگسرا. این گسست نسلی از همین جا هم می‌تواند اتفاق بیفتد چون این گفتمان شکل نمی‌گیرد. مثلاً اگر جوانی می‌آمد کنار یک خانمی که هم

امریکا و سیاستمداران در یک روالی طی می‌شود و یک سند زنده و سند پویاست. مثلاً آقای کالین پاول وقتی بعد از تسخیر عراق و افغانستان به منطقه آمد، گفت ما سه هدف را دنبال می‌کنیم و بحث زنان اولین هدفی بود که عنوان کرد. گفت ما به دنبال این هستیم که بحث آزادی را برای زنان بیاوریم. آزادی‌ای که امریکا بخواهد برای زنان بیاورد، چه آزادی‌ای است؟ این یک سؤال جدی است. با این آزادی زن به ارزش‌هایی نزدیک می‌شود که حول محور شیء بودن می‌چرخد. این شیء بودن زن دستاورد امریکا و نظام غربی است تا بتوانند سلطه‌شان را بیش‌تر کنند. در جامعه‌ای که زن به عنوان پایه اساسی خانواده مطرح می‌شود، امریکا و غرب هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند، چون زن محور خانواده است. انقلاب اسلامی یک الگوی زن و دختری را به دنیا معرفی کرده که در جامعه فعال و سازنده است و در کنار این فعالیت، کرامت انسانی و خانواده‌اش را هم حفظ کرده است. این الگوی زن تراز تمدن‌ساز است که انقلاب اسلامی به دنیا ارائه کرده و جهان غرب از این می‌ترسد. یعنی نقطه ضعف و پاشنه آشیل جهان غرب بحث زن است و این مسأله در رابطه با انقلاب اسلامی یک نقطه قوت است. به همین دلیل دشمن می‌خواهد با تغییر الگوها این را تبدیل به نقطه ضعف کند که ما نمونه عینی این را نشان دادیم. خانم دباغ در عین این که مادر هشت فرزند است، یک فعال سیاسی و اجتماعی است. این الگو در هیچ کجای دنیا حتی در جایی مثل جنبش‌های آزادی‌بخش در امریکا لاتین هم وجود ندارد. در آن جنبش‌ها شما می‌بینید که زن دیگر در خانواده نیست؛ خانه را رها می‌کند و با گروه‌های چریکی در جنگل زندگی می‌کند. اما این الگو در ایران در دهه ۶۰ و ۷۰ اتفاق افتاده است. خانم دباغ در عین مادر بودن، زندانی سیاسی است و بعد از انقلاب فرمانده سپاه همدان می‌شود. در هیأتی که حضرت امام می‌فرستند تا نامه‌اش را به کرملین ببرند و به گورباچف برسانند، خانم دباغ همراه می‌شود. با حفظ چادر هم این کار را می‌کند. ما به عنوان افرادی که در این دریا هستیم، شاید متوجه نباشیم. اما کسی که از بیرون نگاه می‌کند، می‌بیند که حضرت امام یک خانمی را با چادر انتخاب کرده که به دیدار گورباچف برود. این خیلی پیام دارد. یعنی زن ما، زن تراز انقلاب اسلامی، زنی که در همه عرصه‌ها هست، با حفظ کرامت و نه شیء بودن، در چنین فضایی حضور پیدا می‌کند و ما باید این را تبیین کنیم.

نگاه حضرت امام و رهبر معظم انقلاب (چه در آن زمان و چه در زمانی که به عنوان رئیس جمهور و رهبر انتخاب شدند)، به دختران دانشجوی و حضورشان در سفارت چطور بود؟ حضور خانم‌ها در انقلاب، حتی پیشاپیش آقایان بود. طوری بود که حضرت امام فرمودند بانوان رهبران این انقلاب بودند. بنابراین تفکیک در فعالیت نه مد نظر حضرت امام بود و نه حضرت آقا. البته رعایت حدود شرعی بسیار مهم بود. یک روز ایشان دیداری در لانه داشتند و بعد از آن که با گروه‌گان‌ها دیدار کردند، به فضای بیرونی

در روز تسخیر سفارت امریکا و ۴۴۴ روز پس از آن نقش دختران دانشجوی به چه صورت بود؟ در اتاق فکر اولیه، آقایان بودند و خانم‌ها در حلقه اصلی حضور نداشتند. در جلسه‌ای که بعد از آن گذاشتند، ظاهراً چند نفر از خانم‌ها هم بودند. روز اشغال اگر چه خود من نبودم ولی اطلاع پیدا کردم خانم‌ها در کنار برادران دانشجوی حضور داشتند و حتی آن قیچی که باید از طریق آن زنجیرهای در ورودی لانه جاسوسی را باز می‌کردند، توسط خانم‌های دانشجوی حمل و در زیر چادرشان پنهان شده بود و همین مسأله ضریب موفقیت را بالا برد.

در ادامه، حضور خانم‌ها در لانه، یک فعالیت مشترک با آقایان بود. مثلاً در واحد روابط عمومی، هم آقایان و هم خانم‌ها حضور داشتند یا واحدهای تبلیغات، عملیات، نگهداری و... منتها تمام این حضورها با موازین شرعی بود. هم خانم‌ها بسیار رعایت می‌کردند و هم آقایان و بحث تفکیک خیلی رعایت می‌شد.

در این واحدها چه کارهایی انجام می‌شد؟ در واحد تبلیغات پوستر چاپ می‌شد و اهداف دانشجویان برای مردم تبیین می‌شد. یک نمایشگاهی بود که پوسترها و تصاویری با ابعاد ۲۵×۲۰ سانتیمتر در آن وجود داشت و این تصاویر را کارخانه‌ها، انجمن‌های دانش‌آموزی و تشکل‌های صنفی می‌گرفتند و برای مخاطب‌های خودشان به نمایش می‌گذاشتند. اینها به صورت بسته به متقاضیان داده می‌شد. از طرفی جلسات پرسش و پاسخ بود. یک چادر در ضلع شمالی لانه در خیابان نصب شده بود که یکی از فعالیت‌ها در این چادر، بحث پرسش و پاسخ دانشجویان بود. ما در این واحد پاسخگو بودیم. در واحد عملیات هم پست دادن و نگهداری وجود داشت که بین کل خانم‌ها و آقایان مشترک بود. دو ساعت در روز یا در شب باید پست می‌دادند. بحث نگهداری از گروه‌گان‌های خانم هم بود که خاص خانم‌ها بود. گروه‌گان‌ها آقا را آقایان نگهداری می‌کردند. خانم‌ها تقسیم شده بودند و این تقسیم بندی به صورتی بود که خانم‌ها زبان انگلیسی بدانند تا بتوانند با گروه‌گان‌ها ارتباط داشته باشند. یک بحث مهم هم بحث اسنادی بود که رشته رشته شده بودند و باید بازسازی می‌شدند و دانشجویان در این زمینه کمک کردند. نوعاً خانم‌ها در این کارها با حوصله بودند و کمک می‌کردند. آقایان هم بودند، اما بیشتر خانم‌های دانش‌آموز و دانشجوی کمک کردند. جالب اینجاست که یکی از خانم‌های گروه‌گان هم در این زمینه کمک و راهنمایی کرد.

در اسناد ضبط یا بازسازی شده سفارت، آیا سندی مبنی بر طرح و برنامه امریکا خاص زنان و دختران ایرانی پیدا شد؟ نزدیک ۱۰۰ جلد از این اسناد منتشر شده. باید بررسی کنیم سندی بوده که خاص خانم‌ها منتشر شده باشد یا نه. اینها اسنادی هستند که پودر نشد و بازسازی شد. خیلی از اسناد مهم‌تر متأسفانه از بین رفت اما یک زمانی هست که شما در بین اسناد دنبال چیزی می‌گردید یا زمانی هم هست که خارج از اسناد، می‌بینید که سیاست



یک بحث مهم هم بحث اسنادی بود که رشته رشته شده بودند و باید بازسازی می‌شدند و دانشجویان در این زمینه کمک کردند. نوعاً خانم‌ها در این کارها با حوصله بودند و کمک می‌کردند. آقایان هم بودند، اما بیشتر خانم‌های دانش‌آموز و دانشجوی کمک کردند.



افرادی که در روند تسخیر و پس از آن برای نگهداری از گروه‌گان‌ها و بازسازی اسناد و فعالیت‌های رسانه‌ای و... حضور داشتند همه از دانشجویان بودند و خاطرهم هست که حدود ۷۰-۵۰ نفر از این دانشجویان هم خانم بودند





«دعاء شرف»، «سلما مخیمر» و «لام میمه» سه زن خبرنگار شهید هستند که در کنار «شیرین ابوعاقله» که سال گذشته هدف مستقیم تیرهای اسرائیل قرار گرفت، در روزهای اخیر در کنار سایر همکاران شان در غزه به شهادت رسیدند.

### شیرین ابوعاقله

شیرین ابوعاقله متولد، ۱۹۷۱ خبرنگار فلسطینی - امریکایی بود که به مدت ۲۵ سال در شبکه عربی زبان الجزیره فعالیت می کرد. او که خبرنگار مشهوری در زمینه پوشش اخبار فلسطین بود؛ سال گذشته در اردیبهشت ماه خبر شهادتش رسانه ها را پر کرد. ابوعاقله در حالی که مشغول پوشش اخبار حمله نیروهای ارتش اسرائیل به شهر «جنین» در کرانه باختری بود، مورد هدف مستقیم نیروهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت و در ۵۱ سالگی به دلیل اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید. شهادت او به عنوان خبرنگار، جامعه جهانی و انسان های آزاده بسیاری را تحت تأثیر قرار داد؛ بخصوص آن که به طور مستقیم و با گلوله جنگی به شهادت رسید. علاوه بر تشییع باشکوهی که به همراه پرچم های فلسطین در نزدیکی بیت المقدس برای او برگزار شد و با حمله پلیس اسرائیل به این مراسم بیش از پیش چهره انسان ستیز رژیم غاصب نمایان شد، یادبودهای بسیاری در سرتاسر جهان از جمله مقابل سفارت فلسطین در ایران برای او برگزار شد. نام شیرین ابوعاقله که پس از شهادتش به «قهرمان رسانه ها و نماد مطبوعات آزاد و طرفدار انسانیت» تبدیل شد برای همیشه در اذهان مردم جهان و بخصوص مردم مقاومت زنده خواهد ماند.

### سلما مخیمر

شهید مخیمر که تنها ۳۱ سال داشت، مدرک لیسانس زبان عربی، روزنامه نگاری و رسانه خود را از دانشگاه اسلامی غزه دریافت کرد. او به عنوان روزنامه نگار آزاد فعالیت رسانه ای خود را در پیش گرفت. سلما که پس از ازدواج به اردن سفر کرده بود در اوایل ماه اوت قصد داشت مدت کوتاهی را برای دیدار خانواده خود به غزه سفر کند که این دیدار همزمان با شروع حملات شدید اسرائیل به این منطقه شد. سرانجام در تاریخ ۲۵ اکتبر ۲۰۲۳ در اثر حمله هوایی رژیم جعلی در رفح در جنوب غزه سلما مخیمر به همراه علی فرزند شیرخوار خود که در آغوش او بود تنها چند روز قبل از تولد پسرش به شهادت رسید و حتی نتوانست اولین تولد او را جشن بگیرد. این بانوی خبرنگار در آخرین مکالمه ای که با دوست خبرنگارش داشت، گفته است: «صد مرتبه خدا را شکر که من با خانواده ام در جنگ هستم زیرا این از صد بار مردن در غربت برای من آسان تر است».

### دعاء شرف

شهید دعاء شرف روزنامه نگار فلسطینی و مجری رادیو الاقصی (وابسته به حماس)، قربانی دیگری از جنگ بود که در تاریخ ۲۶ اکتبر ۲۰۲۳



## شهادت سه زن خبرنگار در حملات اخیر رژیم صهیونیستی در سکوت فمینیست ها و مجامع حقوق بشری

# حقوق بشر

# زنان و خبرنگاران

فرناز اینانلو  
دبیر گروه زنان

کشتار، نسل کشی، غارت و غضب کردن رویه ۷۰ ساله رژیم صهیونیستی در سرزمین فلسطین است. پس از حمله طوفان الاقصی توسط حماس که در نوع خود دفاع بی سابقه ای از سوی فلسطینیان برای بازپس گیری حق مسلم شان بود، اسرائیل برای کمزنگ کردن تبعات رسانه ای این اتفاق دست به حملات وحشیانه ای زد. تخریب منازل مسکونی و کشتار مردم بی گناه، هدف قرار دادن بیمارستان المعمدانی و شهید شدن نزدیک به ۱۵ هزار بیمار و کادر درمان که اکثر آنان زنان و کودکان بودند، استفاده از بمب های ممنوعه فسفری، قطع آب، برق و اینترنت در نوار غزه، بی توجهی به قطعنامه های بین المللی مبنی بر توقف کشتار مردم بی گناه فلسطین و... گوشه ای از جنایات این رژیم جعلی تنها از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا به الان بوده است. یکی دیگر از جنایات اسرائیل در این جنگ بی توجهی به مصونیت خبرنگاران، عکاسان و کادر رسانه حاضر در فلسطین است. روزنامه نگاران طبق قوانین بین المللی بشردوستانه، غیر نظامی محسوب شده و نباید در حملات مورد هدف قرار گیرند. وزارت بهداشت غزه می گوید از ابتدای حملات رژیم صهیونیستی ۳۴ خبرنگار شهید شده که کمیته حفاظت از روزنامه نگاران، شهادت ۲۴ فلسطینی را تأیید می کند و از این تعداد سه نفر از آنان خبرنگاران زن بوده اند. «دعاء شرف»، «سلما مخیمر» و «اسلام میمه» سه زن خبرنگار شهید هستند که در کنار «شیرین ابوعاقله» که سال گذشته هدف مستقیم تیرهای اسرائیل قرار گرفت، در روزهای اخیر در کنار سایر همکاران شان در غزه به شهادت رسیدند و مادر این یادداشت قصد بررسی بخش کوچکی از زندگی و نحوه شهادت آنان را داریم.

در حمله هوایی اسرائیل به خانه اش در محله یرموک غزه به همراه عبیده فرزند کوچکش و جمعی از خانواده خود به شهادت رسید.

### سلام میمه

میمه دیگر خبرنگار شهید این روزهای غزه که صاحب سه فرزند به نام های هادی، علی و شام بود، ۱۰ اکتبر زمانی که به همراه همسر و فرزندانش در خانه خود در منطقه بیرالنجاه در اردوگاه جبالبیه واقع در شمال نوار غزه بودند، مورد حمله هوایی رژیم صهیونیستی قرار گرفتند و سه روز بعد در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳ توسط نیروهای جست و جوگر از زیر آوار به عنوان شهید بیرون آمدند. شهید میمه که خود متولد غزه و رئیس کمیته زنان روزنامه نگار مجمع رسانه ای غزه بود به دفاع از آرمان های فلسطین مشهور است. او که در دهه چهارم زندگی خود بود با وجود شرایط ناامن این منطقه حاضر به ترک وطن خود نشده و با جدیت به رسالت خود که انتشار اخبار مظلومیت مردم فلسطین است تا پای شهادت ادامه داد. سلما میمه قبل از شهادت با انتشار تصویری از فرزندانش در شبکه اجتماعی خود نوشت: «کودکان من! تکیه گاه، آرامش و لذت زندگی من هستند. خدایا آنان تکه ای از جان من هستند. پس پروردگارا آنها را برای من حفظ کن. هادی، علی و شام...». این زنان در کنار برادران خبرنگار شهیدشان تمام تلاش خود را برای پوشش اخبار جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین کردند. آنها با وجود خطرات بالایی که با آن ها مواجه بودند، سعی کردند در کنار قطعی مکرر برق و اینترنت و در زیر حملات هوایی ویرانگر رژیم



نام شیرین ابوعاقله که پس از شهادتش به «قهرمان رسانه ها و نماد مطبوعات آزاد و طرفدار انسانیت» تبدیل شد، برای همیشه در اذهان مردم جهان و بخصوص مردم مقاومت زنده خواهد ماند.

بزرگ و اول دنیا را به واکنش و انمی دارد؟! چرا زنان خبرنگار شهیدی مانند ابوعاقله، میمه، مخیمر و شرف صحبت اول فمینیسم های جهان برای توقف ظلم به زنانی که با آزادی مشغول به حرفه خود هستند، نمی شود؟! اگر چه خون های پاک زنان، مردان و کودکان شهید این روزهای غزه بدون شک به تنهایی در طول زمان حق را آشکار و ظلم را رسوا می کند. مانند تحولات اخیر جوامع گوناگون و مردم های کشورهای مختلف از سرتاسر جهان که برخلاف سیاست های کشورشان به دلیل فعالیت های همین خبرنگاران و انتشار عکس، فیلم و خبر در فضای مجازی تصمیم به حمایت از جریان حق گرفته اند.

# سبک زندگی امریکایی جان بازیگر کم‌مدین را گرفت



هائیه شجاعی زند  
نویسنده

متیو پری کم‌مدین معروف سریال فرندز این روزها بار دیگر خبرساز شده است. خبری که برخلاف روزهای او جش در سریال فرندز برای دوستدارانش حکم قرص ضد افسردگی ندارد. کسانی که در مواقع افسردگی و تنهایی شان به این سریال پناه می‌برند و با آن می‌خندیدند تا حالشان عوض شود، امروز در بهت خبری نشسته‌اند که می‌گوید متیو پری بازیگر نقش جذاب چندلر بینگ سریال فرندز بعد از سال‌ها تنهایی و افسردگی در سن ۵۴ سالگی در جکوزی خانه‌اش غرق شد و تمام کرد.

امروز کسانی برای متیو غصه می‌خورند که روزی او را به دلیل شهرت و محبوبیت و پولدار بودنش تحسین می‌کردند اما امروز مبهوت به اطرافشان نگاه می‌کنند که چرا متیو با تمام آن چیزی که ما آرزوییش را داریم زندگی اش تنها در دو کلمه خلاصه می‌شود: «تنهایی انسان»؛ تنهایی که متیو را به اعتیاد و افسردگی کشاند. عاقبت تلخی که شاید در زندگی ظاهری پری عیان نبود اما امروز او را یک بشر مفلوک می‌خوانند و از خبر مرگ او شوکه می‌شوند. شاید این بهت و حیرت در میان کسانی که از بیرون از مرزهای امریکا سبک زندگی این کشور را آرزو دارند شدیدتر هم باشد. اخبار هر روز از این کشور و در این آخر، مرگ متیو در خانه‌اش نشان می‌دهد مهم نیست که در امریکا پول

داشته باشی یا کارتون خواب باشی، سرنوشت همه افراد تنها یک پایان مشترک دارد. مرگ در تنهایی، افسردگی و پوچی! سبک زندگی که امروزه تمام دنیا را هم فراگرفته و به عنوان فرهنگ جهانی این تنهایی بشری را به دنیا تسری داده است. تنهایی که در آن خدا غایب است و حتی پول، ثروت، شهرت و قدرت هم نمی‌تواند نجات بخش او باشد.

### مرگ متیو تنها یک مردن ساده نیست

مرگ متیو تنها یک مردن ساده نیست، مرگی است که به توصیف اهالی رسانه‌ای برای امریکایی‌ها یک باخت ویران‌کننده محسوب می‌شود. ابراز احساسات مردم و رسانه حکایت از غمی دارد که سابقه نداشته است. تأثیر مرگ او روی افکار عمومی را حتی بسیار آندوهناک‌تر از مرگ پله یا مایکل جکسون می‌دانند.

شاید یک بعد تأثیر منفی شدید مرگ پری به روی مخاطبانانش همذات‌پنداری عمیق با شخصیت او در سریال فرندز باشد. سریالی که طی بیش از ۱۰ سال خود را به جزئی از زندگی مخاطبان تبدیل کرد و حال مرگ او در حقیقت از دست دادن بخشی از وجود کسانی است که تا عمق وجودشان را درگیر سریال می‌کنند و به عبارتی با او زندگی می‌کنند. هر چند برخی معتقدند که خود بازیگران هم بخشی از قربانیان این دست از سریال‌ها هستند. تأثیرپذیری از فیلم، تنها برای مخاطب صورت نمی‌گیرد بلکه خود نقش‌آفرینان هم تحت تأثیر فضای فیلم ساختار زندگی خودشان را شکل می‌دهند. مثل متیو که

مرور سیر زندگی و پایان بندی آن همین نگاه را تأیید می‌کند.

در حالی که مرور اخبار و رسانه‌ها در بازتاب مرگ متیو این طور نشان می‌دهند که سرنوشت او تحت تأثیر طلاق پدر و مادرش و اعتیاد، به مرگ خود خواسته انجامیده است. اما میان صحبت‌های او و حفره‌های عمیق تری وجود دارد که ناگفته مانده است. دلایلی که بیش از عواملی مانند اعتیاد می‌تواند در سرنوشت یک نفر مؤثر باشد. مثلاً چرا متیو هرگز ازدواج نکرد.

او بواسطه شهرت و محبوبیت فراوان طرفداران زیادی داشت که برای تصاحب او تلاش می‌کردند حتی تا مدت‌ها با جولیا رابرتز به صورت مجازی ارتباط عاشقانه داشت اما هرگز تن به زندگی مشترک نداد. در حقیقت زندگی متیو پری یا تولد کاراکتر چندلر بینگ دچار تحول عمیقی شد. او درست زمانی به این سریال پیوست که در او ج جوانی به سر می‌برد و آغاز جوانی او با شخصیت چندلر بینگ شروع شد. یعنی زندگی در قالب شخصیتی که همجنس‌خواهی و روابط نامشروع را تبلیغ می‌کرد. تبلیغی که سبک زندگی خود کاراکتر را هم متحول کرد. تحولی که حتی مرگ خود را هم از سکانسی از این فیلم الهام گرفت تا عمق تأثیر فیلم را بر زندگی اش مهر و موم کند.

### غرق شدن متیو در نقش چندلر بینگ شخصیت سریال فرندز

متیو در توصیف سبک زندگی خود، نشانه‌هایی از انحرافات جنسی متأثر از کاراکتر خودش در

سریال فرندز را بر ملا می‌کند. آنجایی که او در یک برنامه شوی تلویزیونی صراحتاً از احوالات خود بعد از رویارویی با مدل‌های امریکایی می‌گوید. شرایط روحی که برای خلاصی از آن در تنهایی خود به فیلم‌های پورن پناه می‌برد. شاید این درد دل آن هم روی یک آنتن جهانی تلویزیونی نمایشی از یک نظام اخلاقی فروپاشیده را به نمایش بگذارد اما در عین حال جواب روشنی است برای تأثیرات سریال‌هایی که مخاطبان‌شان برای پاسخ‌گویی به تمایلات جنسی، مسیرهای انحرافی را تبلیغ می‌کنند؛ تبلیغاتی که خود کاراکترها را هم آلوده می‌کند.

متیو هر چند در برهه‌ای از زندگی اش به واسطه تجربه مرگی که داشت و از کما خارج شد تلاش کرد از مواد مخدر فاصله بگیرد و خود را نجات دهد اما روایت کتابش نشان می‌دهد که تنها مواد مخدر عامل تباهی او نبوده است. چنانچه پری در کتاب خاطراتش «دوستان، معشوقه‌ها و آن فاجعه بزرگ» در بخش ابتدایی آن، خود را مرده توصیف می‌کند. او بعد از معرفی خود می‌گوید: «من باید مرده باشم. آگه دوست داری می‌تونی چیزی رو که قراره بشنوی پیامی از اون دنیا در نظر بگیری! او دنیای من...» متیو مرده بود قبل از اینکه در وان خانه‌اش پیدا شود. حتی قبل از اینکه مواد مخدر بلای جان‌ش باشد. همان طور که پلیس امریکا گزارشی از آثار مواد مخدر در خانه او گزارش نکرده است. اما شیوه مرگش مهم‌ترین قاتلش را به رخ مخاطبان‌ش می‌کشد. این همان صحنه‌ای از فیلم فرندز است. آنجایی که چندلر بینگ در وان حمام خوابیده و زمزمه می‌کند: «ممکنه همین جا خوابم بیره، ممکن است همین جا غرق شوم...» متیو غرق شد غرق در سبک زندگی‌ای در قالب شخصیت چندلر بینگ با آن زندگی کرد و تحت تأثیر همان سبک زندگی غلطی که در

فیلم ترویج می‌شد سکانس آخر زندگی خود را بازی کرد.



امروز کسانی برای متیو غصه می‌خورند که روزی او را به دلیل شهرت و محبوبیت و پولدار بودنش تحسین می‌کردند اما امروز مبهوت به اطرافشان نگاه می‌کنند که چرا متیو با تمام آن چیزی که ما آرزوییش را داریم زندگی اش تنها در دو کلمه خلاصه می‌شود: «تنهایی انسان»؛ تنهایی که متیو را به اعتیاد و افسردگی کشاند. عاقبت تلخی که شاید در زندگی ظاهری پری عیان نبود اما امروز او را یک بشر مفلوک می‌خوانند و از خبر مرگ او شوکه می‌شوند



در پی مواضع حمایتی نمایشگاه فرانکفورت از جنایات اسرائیل

## ناشران مسلمان

# نمایشگاه کتاب فرانکفورت را تحریم کردند

می کند. کسانی که برمدار انسانیت هنوز نفس می کشند و کسانی که برای زیست خود تعاریفی و رای اصول انسانی برای خود قائل هستند. معنای انسانی که در هدف برایشان تعریف می شود و در مقام انسانیت جایگاهی ندارند. در این دسته بندی دنیای کتاب و ادبیات هم مصون نماند. غربالگری که در آن می توان پشت چهره انسان نمای کسانی را دید که کتاب به دست می گیرند و زست انسان بودن به خود می دهند.

نسل کشی و خونریزی امروز رژیم صهیونیستی در غزه در حالی به اوج خود رسیده است که فجایع انسانی و وحشتناکی در قرن ۲۱ در حال رخ دادن است. نسل کشی که همچون خونریزی دوران رنسانس برگ جدیدی از تاریخ را رقم خواهد زد. در این برهه تاریخی دیگر حتی بازی های رسانه ای هم نمی توانند جنایات رژیم صهیونیستی را توجیه کنند و همین عیان بودن چهره واقعی امروز رژیم صهیونیستی بر مردم جهان دنیای امروز را به دودسته تقسیم

هانیه شجاعی زند  
نویسنده



امسال نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت در حالی افتتاح می شود که مراسم اعطای جایزه به نویسنده فلسطینی تبار لغو شد. قرار بود امسال در حاشیه

این جشنواره جایزه «لیبراتور» به عدنیه شبلی نویسنده فلسطینی تبار اهدا شود که به دلیل حمایت های اخیر مسئولان این نمایشگاه از مواضع ضد انسانی رژیم صهیونیستی خود این مراسم را لغو کرد

### مواضع ضد فلسطینی نمایشگاه کتاب فرانکفورت

دفاع می کند در تضاد است و تمرکز ما همیشه انسانیت و صلح بوده است. این مدیر نماینده جریان گفتگومانی است که جان کسانی مانند مردم غزه در ابعاد تعریف آنها از انسانیت و صلح معنا پیدا نمی کند. به عبارت بهتر در این بی معنایی نسل کشی مردم غزه تنها راه حل برای بر جای ماندن کسانی است که خود را انسانی می دانند و حفظ بقای آنها به هر قیمتی یعنی صلح. صلحی از غصب سرزمین شروع می شود و تا نسل کشی و نابودی مردمان آن سرزمین ختم می شود.

هرچند مرور سیاست های گذشته این نمایشگاه نشان می دهد که نمایشگاه کتاب فرانکفورت بیش از اینکه یک رویداد ادبی باشد یک رویداد سیاسی است و حمایت این روزهای این نمایشگاه از رژیم صهیونیستی رویکرد تازه ای نیست. در گذشته با اتخاذ سیاست هایی از جمله دعوت از سلمان رشدی در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۳ این مواضع را اثبات کرده است.

این روزها نمایشگاه کتاب فرانکفورت از بحران امروز بین المللی در امان نماند و به عبارت بهتر نحوه مواجهه با این نمایشگاه به شاخص گذاری مهمی در عرصه ادبیات مبدل شد. اینکه کدام کشورها در غربالگری امروز دنیا میان جبهه توحش و تمدن ادبیات خود را شکل می دهند. امسال نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت در حالی افتتاح می شود که مراسم اعطای جایزه به نویسنده فلسطینی تبار لغو شد. قرار بود امسال در حاشیه این جشنواره جایزه «لیبراتور» به عدنیه شبلی نویسنده فلسطینی تبار اهدا شود که به دلیل حمایت های اخیر مسئولان این نمایشگاه از مواضع ضد انسانی رژیم صهیونیستی خود این مراسم را لغو کرد. این نمایشگاه پیش از این برای نمایش ضد فلسطینی و دهن کجی به مسلمانان علاوه بر دعوت از سلمان رشدی در این نمایشگاه قرار است در جشن ادبیات نمایشگاه کتاب این رویداد جایزه صلح خود را به ارزش ۲۶ هزار دلار به سلمان رشدی اهدا کند.

**یورگن** باس مدیر نمایشگاه کتاب فرانکفورت صراحتاً اعلام کرده است که برنامه های ویژه ای راه هم برای حمایت از رژیم صهیونیستی در این نمایشگاه تدارک دیده اند. او برای توجیه نسل کشی رژیم صهیونیستی در غزه گفت: جنگ علیه رژیم صهیونیستی با همه ارزش هایی که نمایشگاه فرانکفورت از آن

کارین اشمیتز،  
فریدریشز، رئیس انجمن  
کتاب فروشان آلمان

عدنیه شبلی نویسنده فلسطینی تبار

### جهان بیدار است

این بیانیه، ایکاپی شرکت در نمایشگاه کتاب فرانکفورت ۲۰۲۳ را لغو کرد. هیثم حافظ، رئیس اتحادیه ناشران سوریه به خبرنگار سانا تصریح کرد: دفتر اجرایی این اتحادیه به دلیل اصرار آشکار مدیریت نمایشگاه در همکاری با رژیم غاصب صهیونیستی و پیگیری منفی آن از واقعیت آنچه در فلسطین می گذرد، تصمیم به تحریم نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت گرفت.

برخی کشورها و انتشاراتی ها شیوه متفاوتی را برای نمایش اعتراض خود به سیاست های نمایشگاه بین المللی فرانکفورت داشته اند. مانند کشور تونس که در انتقاد به لغو اعطای جایزه به عدنیه شبلی، نویسنده فلسطینی تصمیم گرفته است همه آثار این نویسنده را منتشر کرده و در همه کشورها توزیع کند. یا همین کتابفروشی کوچک به نام «اسم» که در اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی طراحی و پوستر خود را در حمایت از مردم مظلوم غزه تغییر داده و آن را با سخنی از شهید عماد فایز مغنیه تزئین کرده است.

بیش از ۶۰۰ نویسنده و ناشر در نامه ای با اعتراض به مواضع نمایشگاه کتاب فرانکفورت تجدید نظر در لغو این مراسم را مطالبه کردند. در این نامه آمده بود: «نمایشگاه کتاب فرانکفورت به عنوان یک نمایشگاه بزرگ بین المللی کتاب، مسئولیت دارد فضایی برای نویسندگان فلسطینی ایجاد کند که آنها هم بتوانند افکار، احساسات و تأملات خود را در مورد ادبیات در این دوران وحشتناک و ظالمانه به اشتراک بگذارند، نه اینکه بخواهد صدای آنها را خاموش کند.»

انجمن ناشران اندونزی، انجمن ناشران عرب، انجمن ناشران امارات و اداره کتاب شارجه، اتحادیه ناشران سوریه از حضور در نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت در پی مواضع ضد فلسطینی این نمایشگاه خودداری کردند.

البته ایران نیز از حضور در این دوره خودداری کرده است و مسئولان وزارت ارشاد موضع گیری سیاسی مدیران نمایشگاه کتاب را دلیل شرکت نکردن در هفتاد و پنجمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت اعلام کرده اند. همچنین مدیر آژانس ادبی پل هم از حضور در نمایشگاه کتاب فرانکفورت انصراف داده است. آریس هیلمان نوگرها، رئیس انجمن ناشران اندونزی گفت: «همراهی با رژیم صهیونیستی و در عین حال فراموش کردن رنج مردم فلسطین مانند خواندن تنها یک کتاب است تا احساس کنید که کل جهان را درک می کنید.» در ادامه

یورگن باس مدیر نمایشگاه کتاب فرانکفورت



هیثم حافظ، رئیس اتحادیه ناشران سوریه

### تناقض گویی آشکار از زبان مدعیان آزادی بیان

اگر امسال به نمایشگاه بین المللی فرانکفورت سری بزنید ثمره آزادی بیان این نمایشگاه را خواهید دید. جای خالی ناشران مسلمان امسال در این رویداد نشان می دهد که دیگر وجدان های بیدار در برابر ظلم و توهین به اسم آزادی سکوت نمی کنند.

مراسم تجلیل از او می توان اشاره کرد. این در حالی است که در یک رفتار کاملاً متناقض کارین اشمیتز فریدریشز، رئیس انجمن کتابفروشان آلمان، روز سه شنبه در نشست مطبوعاتی افتتاحیه این نمایشگاه گفت که نمایشگاه کتاب فرانکفورت به مدت ۷۵ سال «محل آزادی بیان و تنوع عقاید» بوده است.

حال و هوای امسال نمایشگاه بین المللی فرانکفورت تجلی گاه رویدادی است که بخوبی نبود آزادی بیان را در خود فریاد می زند. از لغو مراسم اعطای جایزه به نویسنده فلسطینی در ادامه سیاست حمایت از رژیم صهیونیستی و سکوت رسانه ای در قبال فلسطین تا حضور رشدی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت و





## گالری گردی در پایتخت به وقت آبان؛

# نمایشگاهی که تا پیروزی مقاومت غزه ادامه دارد

### گالری ایوان:

در ادامه گالری گردی، می توانید با یک تیر دو هدف بزنید: نمایشگاه های آثار حجم الناز رحیم پور با عنوان «لاته خرگوش» و آثار نقاشی علی زعیب با عنوان «فرنگیست» با نمایشگاه گردانی جلال مشهدی فرد تا ۱۹ آبان ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری ایوان به نشانی خیابان مهدیه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، بن بست حمید، شماره یک برای علاقه مندان این سبک ها، برپاست و چه چیز برای یک علاقه مند به هنرهای تجسمی بهتر که در لذت تماشای دو نمایشگاه، در یک زمان و مکان واحد غرق شود.



### گالری بهارک:

اگر نقاشی دوست هستید، پیشنهاد ما به شما «بهشت» است! نمایشگاه انفرادی بهشته امینی با عنوان «بهشت» تا ۱۰ آبان در گالری بهارک واقع در میدان ونک، ده ونک، کوچه شهید صابری، کوچه یکم، پلاک ۱، برای علاقه مندان برقرار است. این نمایشگاه شامل ۲ مجموعه از نقاشی و هندسه نقوش است.

### گالری کاما:

اما حسن ختام این گالری گردی نمایشگاه مروری بر آثار استاد حسین محجوبی نقاش و معمار پیشکسوت به انتخاب سعید محجوبی است. این نمایشگاه تا ۱۶ آبان در گالری کاما به نشانی بلوار نلسون ماندلا (جردن)، خیابان دیدار شمالی، کوچه کیش شرقی، پلاک ۲۰، برقرار است.



چشم به هم زدیم، دومین ماه از سومین فصل سال، این میانه برگ ریزان پاییزی هم فرار رسید و در این روزهای پرهیاهو و پرفراز و فرود، چه چیز بهتر از گالری گردی و به تماشای نشستن هنرهای تجسمی برای علاقه مندان به این عرصه، آن هم در تهران درندشت.

سمیه دهقان زاده  
روزنامه نگار



می کنیم» مناسب شماسست، این نمایشگاه تا ۹ آبان روزهای شنبه تا سه شنبه ساعت ۹ تا ۱۷ در نگارخانه لاله به آدرس خیابان دکتر فاطمی، ضلع شمالی بوستان لاله، روبه روی پارکینگ طبقاتی لاله دایر است.

### گالری شماره یک خانه عکاسان ایران حوزه هنری:

اما یکی از خاص ترین مجموعه آثار می توانید در نمایشگاه عکس «باطوفان الاقصی» تا روز آخر، به تماشای بنشینید، این نمایشگاه با ۴۲ اثر از آثار عکاسان رسانه های بین المللی فعال در فلسطین اشغالی از عملیات طوفان الاقصی ۲۴ مهر در گالری شماره یک خانه عکاسان ایران در حوزه هنری انقلاب اسلامی واقع در خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ افتتاح شد و تا «روز پیروزی مقاومت غزه» روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۹ ادامه دارد. آثار این نمایشگاه هر هفته به روز شده و تغییر می کند و عکس هایی که از دیوار پایین می آید به صورت

کوچکنتری روی یکی از دیوارهای نمایشگاه اضافه می شود.

### گالری عصر:

«پیشه در آب» نمایشگاه آثار نقاشی مرضیه صفرزاده است که تا ۱۹ آبان در گالری عصر به آدرس میرزای شیرازی شمالی، خیابان دلاویز، پلاک ۱۸ برقرار است؛ نمایشگاهی که شما را به تفکری عمیق وامی دارد.

### موزه هنرهای معاصر فلسطین:

این روزها کسی نیست که از مظلومیت فلسطینی ها و جنایات اسرائیل نگوید و نشنود؛ دیدن یک نمایشگاه به زبان طنز آن هم از هنرمندی که همه چیز را با پوست و گوشت و استخوانش لمس کرده، چیز دیگری است.

پس نمایشگاه منتخب آثار کاریکاتور «امیه جحا» هنرمند فلسطینی با موضوع

مقاومت را از دست ندهید، این

نمایشگاه تا ۲۰ آبان به جزوهای

پنجشنبه و جمعه ساعت ۱۰ تا ۱۶

در موزه هنرهای معاصر فلسطین،

به نشانی خیابان ولی عصر (عج)،

خیابان بزرگمهر، نبش خیابان

شهید برادران مظفر، پلاک ۷۴

دایر است. این نمایشگاه شامل

۶۵ اثر کاریکاتور با موضوعاتی

چون مقاومت و مظلومیت

مردم فلسطین و افزایش جنایات

اشغالگران و متجاوزان صهیونیست

است. «امیه جحا» که خود همسر

یکی از شهدای راه آزادی سرزمین فلسطین بوده است، تاکنون جوایز متعددی

همچون جایزه آفرینش های هنری زنان از وزارت فرهنگ دولت فلسطین و جایزه

بهترین کاریکاتوریست عرب را دریافت کرده است.

### نگارخانه لاله:

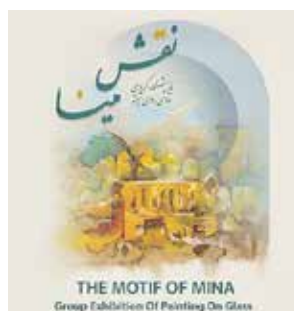
اگر پوستری بیشتر باب طبع تان است هم، نمایشگاه و کارگاه پوستر غزه «مقاومت

### گالری پردیس ملت:

حال، بعد از این همه نمایشگاه پر شور، دیدن نمایشگاه گروهی نقاشی روی شیشه «نقش مینا» خالی از لطف نخواهد بود. این نمایشگاه به کوشش و گردآوری مینا تقی زاده و با حضور ۷ هنرمند، تا ۱۲ آبان ماه در گالری پردیس ملت به نشانی خیابان ولیعصر (عج)، ابتدای بزرگراه هاشمی رفسنجانی (نیایش)، روبه روی بزرگراه کردستان، طبقه منفی ۲ برقرار است. علاقه مندان می توانند برای بازدید از نمایشگاه همه روزه از ساعت ۱۱ الی ۱۹ و روزهای پنجشنبه و جمعه از ساعت ۱۵ الی ۱۹ به گالری پردیس ملت مراجعه کنند. هنر نقاشی روی شیشه (ویتراژ) از قدیمی ترین تکنیک های نقاشی در دنیا است و هنرمندان شرکت کننده در این نمایشگاه تلاش کرده اند تا با الهام از مناظر طبیعی و بناهای تاریخی ایران، آثاری نو در این زمینه ارائه دهند.



آبان ماه آمده،  
این بار نه فقط  
بانم باران و  
رنگارنگی طبیعت  
که پراز اتفاقات  
تلخ و شیرین،  
از جنگ و ظلم  
تا قهرمانی و  
وحدت، بلکه  
گالری های  
پایتخت هم  
سنگ تمام  
گذاشته اند در  
این اثنا، کافی  
است وقت خالی  
کنید تا انعکاس  
واقعیت را به  
زبان هنر ببینید  
از «مقاومت  
می کنیم» و  
«بهشت» تا  
نمایشگاهی که تا  
پیروزی مقاومت  
غزه ادامه دارد



نگاهی به یک واقعه تاریخی به بهانه اجرای نمایش «کلنل»

# عاشقانه‌ای برای اولین خلبان ایران

ونوس بهنود  
روزنامه‌نگار



نمایش کلنل به نویسندگی محمد نقایی و کارگردانی امیر بشیری به اذعان مخاطبان یکی از اجراهای موفق در بازپرداخت یک واقعه تاریخی بوده است. پسیان که در طول زندگی خود به عنوان سربازی دلاور شناخته می‌شد در این نمایش نیز در برهه‌های مختلف در مقابل وسوسه‌ها و حيله‌های پیرامون می‌ایستد و خود را یک سرباز معرفی می‌کند

محمد تقی خان پسیان اولین خلبان ایرانی بود که آوازه رشادت و وطن‌پرستی او همچنان در حافظه تاریخ ماندگار است. چهره‌ای که زندگی عزت بار و مرگ دلخراشش بهانه تولید دیگر باره یک نمایش شد. نخستین ایرانی که موفق به طی دوره خلبانی و پرواز با هواپیما شد، «کلنل» (سرهنک) محمد تقی خان پسیان بود که در سال ۱۲۹۹ به هنگام حضور در کشور آلمان موفق به این کار شد و با انجام سی و سه سورتی پرواز نام خود را به عنوان نخستین خلبان ایرانی در تاریخ ثبت کرد. نمایش کلنل به نویسندگی محمد نقایی و کارگردانی امیر بشیری به اذعان مخاطبان یکی از اجراهای موفق در بازپرداخت یک واقعه تاریخی بوده است. پسیان که در طول زندگی خود به عنوان سربازی دلاور شناخته می‌شد در این نمایش نیز در برهه‌های مختلف در مقابل وسوسه‌ها و حيله‌های پیرامون می‌ایستد و خود را یک سرباز معرفی می‌کند. اما پسیان که بود و چرا بارها مورد توجه قرار گرفته است؟ در سال ۱۳۰۹ هجری قمری در محله سرخاب تبریز طفلی به نام محمد تقی متولد شد.

پدرش یاور محمد باقرخان پسیان از ایلات کرد منطقه و مادرش فاطمه سلطان عزت‌الحاجیه بود که در این نمایش به شخصیت برجسته مادر در تربیت اخلاقی محمد تقی به دفعات اشاره می‌شود. وی دوران تحصیلات ابتدایی خود را در تبریز به پایان برد و در سال ۱۳۲۴ هجری قمری برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و وارد مدرسه نظام شد. او در سال ۱۳۲۹ هجری قمری با درجه نایب دومی وارد خدمت شد و مدارج ترقی را یکی بعد از دیگری پیمود. در سال ۱۳۳۱ هجری قمری وارد مدرسه صاحب‌منصبان ژاندارمری شده و در سال ۱۳۳۲ ق در جنگی که با الوار در پروچرد داشت شجاعانه جنگید و مجروح شد. وی پس از پیروزی از سوی ستاد ژاندارمری به درجه یابوری رسید. در ۲۰ رجب ۱۳۳۲ ق به ریاست باطالین همدان منصوب گشت. هنگام جنگ جهانی اول همراه ملیون به مبارزه پرداخت و از خود شجاعت بسیار نشان داد به طوری که آوازه شجاعت او در جنگ با روس‌ها حتی به خارج از ایران رسید و پس از عقب‌نشینی ملیون به ناچار به آلمان رفت.



## تلاش برای اصلاح امور مملکت ارجح بر رفاه شخصی

کارگردان در مقطع حضور پسیان در آلمان به زیبایی فرصت‌های متعدد رفاه و آسایشی که می‌تواند با ماندگاری پسیان برای او به وجود بیاید ریا داد آور می‌شود. اما محمد تقی به تمامی آنچه که او را از مبارزه برای اصلاح امور مملکت دور سازد، نه گفته و به ایران بازمی‌گردد و اندکی بعد به سمت ریاست ژاندارمری خراسان می‌رسد. در آن زمان قوام السلطنه حاکم خراسان بود و کلنل به محض ورود مشغول به اصلاح امور و برقراری امنیت شد و با ساختگری بر کارپردازان دستگاه والی، قوام السلطنه را از خود رنجاند. پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و روی کار آمدن دولت سید ضیاءالدین طباطبایی، کلنل پسیان طبق دستور رئیس دولت اقدام به دستگیری قوام السلطنه کرد (۱۳ فروردین ۱۳۰۰ خ) و او را تحت الحفظ به تهران فرستاد اما پس از مدتی سید ضیاءالدین متواری شد و قوام السلطنه خود به نخست‌وزیری رسید و کشمکش میان کلنل و قوام شروع شد. کلنل در نمایش می‌گوید: «در سرم مدام صدای اسبانی است که می‌دوند. اسبانی وحشی که رام نشده‌اند.» در طول داستان نیز تمامی علاقه‌مندی قوام السلطنه یعنی اسب‌های وی را مصادره می‌کند و بعدها می‌گوید:

«او در دو جازا من دلچرکین شد. زندانی شدن خودش و اسبانش.»

## مبارزه با فساد حتی به قیمت از دست دادن جان

محمد نقایی در نمایش کلنل بسیاری از ترفندها برای به عقب راندن و مبارزه با اقدامات اصلاح‌گرانه کلنل را به جا آورده است؛ حتی اصلاحاتی که در سایه برقراری امنیت و نظم و مبارزه با فساد در مشهد شکل می‌گیرد و تبعات اجتماعی و فرهنگی آن موجب می‌شود مردم ستم دیده چند صباحی به راحتی زندگی کنند. این اثرنمایشی در تالار وحدت با بازی و خوانندگی همزمان محمد معتمدی آینه‌ای از تاریخ گذشته این مرز و بوم است تا جایی که در آن بسیاری از مشکلات و

فسادهای ریشه‌دار حکومت و مقابله با مشروطه خواهان، انزوای اهل اندیشه و بی‌توجهی به امنیت و قوام کشور مورد توجه قرار گرفته است. بعد از ماجراهای پیش آمده، قوام السلطنه، نجد السلطنه را به حکومت خراسان گمارد اما کلنل که از حکومت قوام السلطنه بی‌مناک شده بود به فکر طغیان افتاد و مصمم شد که خود زمام امور خراسان را در دست بگیرد. بدین نیت هنوز چند روزی از کفالت نجد السلطنه نگذشته بود که بدون بهانه و بی‌مقدمه شخص نامبرده را توقیف کرده، اداره حکومتی را خود در دست گرفت و جمعی از ارباب نفوذ شهر که محل امنیت می‌شمرد توقیف و تبعید کرد. در مرداد ۱۳۰۰ دولت بار دیگر مصمصام السلطنه

بختیاری را به حکومت خراسان منصوب کرد و مصمصام السلطنه نیز برای دلجویی یا فریب کلنل محمد تقی خان پسیان با آگاهی از محبوبیت و نفوذ او در خراسان او را طی حکمی به کفالت ایالت خراسان منصوب نمود و با او مدارا نمود. اما در اواخر مرداد ۱۳۰۰ شمسی قوام السلطنه با کلنل علناً مخالفت کرد و طی تلگراف‌هایی برای حاکمان و خوانین منطقه کلنل را یاغی و متمرد خواند و دستور شورش علیه او را صادر کرد. بدین ترتیب سردار معزز والی بجنورد، شجاع الملک رئیس ایل هزاره، شوکت السلطنه و سید حیدر رؤسای طوایف سریری و سالار خان بلوچ جهت جنگ با کلنل بسیج شدند. به روایت تاریخ امیر شوکت الملک خواهان خاتمه قضیه با صلح و آشتی بود و در حالی که شرایط ملاقاتی را با کلنل در گناباد فراهم نمود، سردار معزز با کردهای قوچانی به

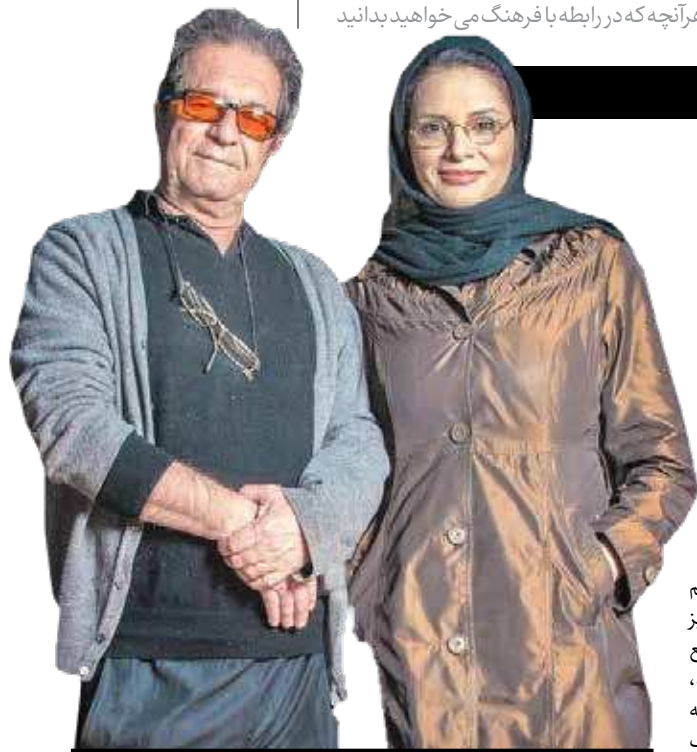
شهر قوچان حمله کرده ژاندارمری را خلع سلاح نموده و قوچان را متصرف شدند. کلنل به محض شنیدن این خبر گناباد را ترک کرد و راهی قوچان شد و در جعفرآباد دو فرسنگی قوچان جنگ سختی بین قوای کلنل و کردهای قوچانی شروع شد و کلنل شخصاً در تپه‌های جعفرآباد با تفنگ و شصت تیر جنگید و به دلیل محاصره شدید و اتمام مهمات، ناجوانمردانه کشته شد. در اینجاست که کلنل آرام گرفته و به تعبیری در صحنه‌ای می‌گوید دیگر صدای شیهه اسبان آزارش نمی‌دهد. وصیت می‌کند پرچم ایران کفنش باشد. سرکلنل توسط کردهای قوچانی از بدن جدا گشت. پس از رسیدن خبر شکست ژاندارمری و مرگ کلنل، محمودخان نوذری بلافاصله دولت را از قتل کلنل آگاه ساخت و خود نیز اظهار اطاعت نمود. جنازه و سر کلنل در ۱۵ میزان هجری شمسی ۱۳۰۰ با تجلیل و احترامات نظامی فراوان به مشهد وارد شد و عده بسیاری از اهالی شهر و افراد ژاندارم در حالی که گریه می‌کردند آن را مشایعت کردند. کارگردان در صحنه به صحنه فیلم قهرمان داستان خود را در یک دوراهی قرار داده و از او می‌خواهد انتخاب کند. انتخاب‌هایی که در طول زندگی کوتاه کلنل پسیان از او یک چهره ملی و مبارز می‌سازد. اما این تمام داستان نیست. کارگردان به دنبال تکتیر این اندیشه است و به دنبال بازآفرینی ارج و قرب جوانمردی و وطن‌دوستی.





در حواشی یک قتل سینمایی! / آیشیران معرکه پویش #نه-به-اعدام راه می اندازند!؟

# نگاهی به پیشینه قتل های سینمایی و حواشی آن



رسیدنش می بایست حواشی عدیده ای را ایجاد می کرد، اما چون پلیس و سیستم قضایی با کسی تعارف ندارد، نکات محافل سینمایی در حد گمانه زنی ماند.

«سری دیوی» هنرپیشه مطرح هندی هم چند سال قبل در وان هتلی که همسرش نیز همانجا ساکن بود، غرق شد و بعد از تشییع جنازه ای میلیونی برای او توسط مردم هند، ماجرای مرگش مانند خاکستر بدنش به آب ریخته شد و کسی پیگیر مرگ مشکوک یا به عبارتی قتل او نشد. اینها چند نمونه از اتفاقاتی است که چون نام هایی آشنا در آن وجود داشتند به عنوان مصداق بیان شد والا که بی شمار مصداق در جهان وجود دارد. از مرگ «اناتالی وود» و «بروس لی» و بعدها پسرش «براندون لی» تا مرگ «مایکل جکسون» به خاطر تزییق اشتباهی!

در این شرایط یک کارگردان باید برای ثبت کردن موضوعی که روی او تأثیر عمیقی گذاشته است، برخیزد و کاری بکند. بهروز افخمی مرد عمل است و تأثیر قتل همکارش او را وادار کرده که با اینکه اعلام کرده بود، دیگر فیلم نخواهد ساخت و کارگردانی را با ساخت سریال ادامه خواهد داد، دوباره به فکر ساخت فیلم بیفتد. تأثیری که وقایع هنرمی گذارند، گاهی در حدی عمیق است که تا در مورد آن موضوع کاری نسازند، آتش درونشان خاموش نمی شود. البته این ادعای ما نیست؛ از گذشته تا به امروز تمامی کارگردانان این ادعا را داشته اند و گویی بین هنرمندان تمام رشته ها به صورت قانونی نانوشته و البته تثبیت شده، مورد تأیید است؛ فلذا در مورد بهروز افخمی هم این قانون صدق میکند.

بهروز افخمی، فیلمنامه نویس و مدرس و کارگردان سینما است. او پس از قتل داریوش مهرجویی که او را با نام استاد خطابش می کند و به مراسم تشییع اش در روز ۲۶ مهر می رود، تصمیم به تحقیق در مورد زوایای حادثه می گیرد.

فردای روز تشییع، یعنی ۲۷ مهرماه او به محل زندگی مرحوم مهرجویی می رود و از دیدن خبرنگاران و پلیس که برای بازسازی صحنه قتل به محل حادثه آمده اند، غافلگیر می شود. مانند بسیاری از انسان های عادی که وقتی می خواهند کاری را مخفیانه و بی سروصدا انجام دهند، اما با دیدن پلیس و خبرنگاران، از لو رفتن قصدش به خنده می افتد، اما با لیخنند ماجرا را مدیریت می کند. با پاسخ هر سؤالی که نمی خواسته کسی بداند، لیخنند می زند اما همین موضوع ساده باعث انتقاد تند پرویز پرستویی از او شد.

البته بهروز افخمی در مصاحبه با خبر تلویزیون بدون آن که نامی از کسی ببرد، اینگونه پاسخ انتقادهای تند و بی رحمانه برخی از اهالی هنر را داد: «خننده من می تواند خنده تلخ باشد به افرادی که اشک تمساح می ریزند. می گویم شما همان کسانی هستید که مخالف مجازات اعدام بودید. حالا لابد باید سعی کنید برای قاتلان مهرجویی هم



مریم اسدزاده  
نویسنده

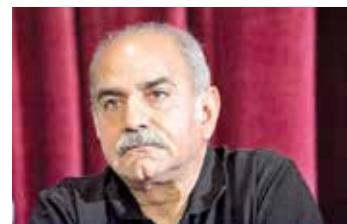
سری دیوی، هنرپیشه هندی

خرمدین» توسط پدر و مادرش را به راحتی باور کردند و واکنشی نداشتند، اکنون برای مرگ داریوش مهرجویی توسط کارگر باغ، هزاران دلیل نقض آوردند تا به نوعی قتل او و همسرش را گردن نظام بیندازند؛ مسأله ای که علاوه بر ایران در آمریکا و اروپا و همین آسیا هم بارها اتفاق افتاده است.

در آمریکا، «شارون تیت» همسر ۲۶ ساله و باردار «رومن پولانسکی» به همراه ۴ نفر از دوستانش که میهمان او بودند به طرز فجیعی با چاقو به قتل رسیدند. در ایتالیا «پیرپائولو پازولینی» بعد از ضرب و شتم با ماشین خودش زیر گرفته می شود و چندین بار از رویش رد می شوند و بعد از شکنجه، بدنش را با بنزین می سوزانند. کارگردان مطرحی که به خاطر فیلم ها و تفکراتش، این گونه به قتل



بهروز افخمی



پرویز پرستویی



رومن پولانسکی و همسرش شارون تیت



هر روز افخمی مرد عمل است و تأثیر قتل همکارش او را وادار کرده که با اینکه اعلام کرده بود، دیگر فیلم نخواهد ساخت و کارگردانی را با ساخت سریال ادامه خواهد داد، دوباره به فکر ساخت فیلم بیفتد. تأثیری که وقایع هنرمی گذارند، گاهی در حدی عمیق است که تا در مورد آن موضوع کاری نسازند، آتش درونشان خاموش نمی شود. البته این ادعای ما نیست؛ از گذشته تا به امروز تمامی کارگردانان این ادعا را داشته اند و گویی بین هنرمندان تمام رشته ها به صورت قانونی نانوشته و البته تثبیت شده، مورد تأیید است؛ فلذا در مورد بهروز افخمی هم این قانون صدق می کند

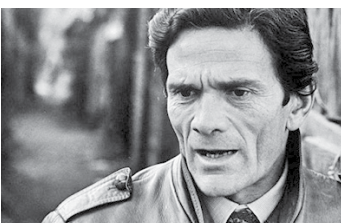
رضایت بگیرید! شما به من می گوید گفتار! خب خودتان که لابد شیر هستید! جرأت دارید حرف قبلی تان در مخالفت با مجازات اعدام را تکرار کنید و بروید برای قاتلان مهرجویی رضایت بگیرید؟ اینها آدم قابل احترامی نیستند و خودشان را فراموش شده احساس می کنند و به هر کسی برای جلب نظر آویزان می شوند. افخمی پس از آن در صفحه شخصی خود، پیگیری اش برای ساخت اثری در این باره را مانند کاری که ترومن کاپوتی برای نوشتن کتاب در کمال خونسردی انجام داده بود، دانست.



بابک خرمدین



ترومن کاپوتی



پیر پائولو پازولینی



مایکل جکسون

جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب  
• سردبیر: محمدصادق علیزاده  
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری  
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود  
• دبیران:  
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)  
• صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)  
• آیه طائبی (زندگی)  
• فرناز اینانلو (زنان)  
• زینب فروزنده (زوم)  
• فاطمه کهربایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط  
• مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵  
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی  
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸  
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:  
• ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

# نگاهی به واکنش‌های هنرمندان ایران و جهان نسبت به مسأله فلسطین جنايات اسرَائیل گارد محافظه کاری سلبریتی هارا هم باز کرد



بهناز شریفی  
روزنامه نگار

جامعه سینمایی ایران با بیش از ۴۷۰ سینماگراز بزرگان سینما، پیشکسوتان، فیلمسازان جوان و فعالان و دست اندرکاران سینما هم سو با سایر مردم دنیا با انتشار بیانیه‌ای، کشتار انسان‌های بی گناه، مادران و کودکان بی پناه غزه و فلسطین به دست رژیم صهیونیستی را محکوم کرده‌اند

هنوز صدای گریه و زاری کودکان بی گناه فلسطین در غزه به گوش می‌رسد و تصویروداع مادران با دخترکان و پسرانشان از مقابل چشم‌انمان کنار نمی‌رود؛ گویی انقلابی درونمان رخ داده است و مجال حرف زدنمان نیست؛ داغی بردلمان است که از سنگینی اش باید مرثیه‌ها نوشت و روضه‌ها سرداد. نه تاب رفتن داریم و نه نای ماندن؛ دلخوش به امیدی هستیم که سال‌ها در دلمان جوانه زده و وقت بالیدنش فرارسیده است؛ روز را به امید شب و شب را با توکل سر می‌کنیم تا روح آزرده خاطرمان را التیام ببخشیم که همچون پروانه‌ای بر آتش از این سو به آن سوی پرواز نمی‌کند. صدایمان درآمده از بی عدالتی و یغمای جان مردمانی که سودای حفظ وطن دارند؛ ولولهای به جانمان افتاده و آتشی به پا شده است که هیچ آبی یارای خاموش کردنش را ندارد و هیچ دستی توان برخاستنش را نیافته است؛ دردی در سینه داریم که فراق در مقابلش زانو زده است و دل‌تنگی رقیبش نیست. خیالمان آسوده است در دنیایی که بهای جان آدم‌ها را پول و دلار تعیین می‌کند و حق و باطل جای خود را عوض کرده‌اند، دغدغه‌مندان از اعماق وجود فریاد خونخواهی و آزادی سر برمی‌آورند و به جای عضویت در احزابی که با بادی بیاید و به نسیمی دستاویز باشد، برای دفاع از مظلوم و گرفتن حق ظالم هم‌قسم شده‌اند. هنرمندانی که هنرشان را فقط در مقابل دوربین و فضای مجازی و کف‌زدن‌های پی‌درپی تعریف نکرده‌اند و برای همدردی و همنوایی با مردمانی که

پناهی ندارند و گوش شنوایی در مجامع بین‌المللی و حقوق بشر برای شنیدن صدای آوار بمباران بر سر و رویشان نیست، به‌پاخاسته‌اند. محسن چاووشی از خوانندگان نسل جوان یکی از هنرمندان دغدغه‌مندی است که همواره در مناسبات اجتماعی و فرهنگی واکنش‌های مختلفی بروز می‌دهد؛ وی در روزهای آتش و خون غزه، ویدیویی از حادثه بمباران بیمارستان «المعمدانی» در محکومیت جنایات اسرَائیل علیه مردم غزه منتشر کرد و نوشت: نفرین بر جنگ.

## امضای ۴۷۰ نفر از چهره‌های سینمایی ایران پای بیانیه اعتراضی

جمعی از هنرمندان ایرانی نیز هم‌زمان با جنایات بی‌سابقه رژیم صهیونیستی و هدف قراردادن بیمارستان المعمدانی در نوار غزه برای دادخواهی و ابراز همدردی با مردم مظلوم فلسطین ویژه برنامه شب شعر «طوفان خشم» گرد هم آمدند و ضمن خلق آثار هنری، اشعاری در محکومیت جنایات اسرَائیل قرائت کردند. فریاد همصدایی با فلسطین به همین جا ختم نشده است و جامعه سینمایی ایران با بیش از ۴۷۰ سینماگراز بزرگان سینما، پیشکسوتان، فیلمسازان جوان و فعالان و دست اندرکاران سینما هم سو با سایر مردم دنیا با انتشار بیانیه‌ای، کشتار انسان‌های بی گناه، مادران و کودکان بی پناه غزه و فلسطین به دست رژیم صهیونیستی را محکوم کرده‌اند. از سلبریتی‌های آن سوی مرزها نیز خبر رسیده است که ۵۵ هنرمند برجسته در نامه‌ای سرگشاده به باین خواستار برقراری آتش‌بس در غزه و اسرَائیل شدند؛ خواکین فینیکس، کیت بلانشت، جان استوارت، کریستن استوارت، سوزان ساراندون، ماهرشالا علی، ریز

احمد، رامی یوسف و جسیکا چستین از جمله بازیگرانی هستند که این نامه را امضا کرده‌اند.

## تولید اثر توسط چنگیز حبیبیان

در این میان چنگیز حبیبیان خواننده موسیقی پاپ نیز دست روی دست گذاشته و برای ارائه اثری مربوط به فجایع غزه آماده شده است تا سهمی در دفاع از مظلوم و محکومیت ظلمی که به واسطه کودک‌کشی در غزه رخ داده است، داشته باشد. وی محکوم کردن ظلم را وظیفه انسانی دانسته است. ابوالقاسم طالبی هم شعر «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» را دروغ بزرگ صهیونیستی قلمداد کرده و گفته است: وظیفه هنرمندان و جامعه هنری در قبال وقایع اخیر در نوار غزه و کودک‌کشی و نسل‌کشی صهیونیست‌ها این است که صدای آنها باشند و آگاهی بخشی کنند. تاکنون بسیاری از فعالان فرهنگی، هنری و رسانه‌ای در صفحات مجازی خود نسبت به جنایات رژیم غاصب صهیونیستی واکنش نشان داده‌اند که از جمله آنها می‌توان به اسامی که در ادامه آمده است، اشاره کرد: احسان علیخانی، لاله اسکندری، حمیدرضا پگاه، فرهاد قائمیان، محمد گلریز، غلامرضا صنعتگر، مرضیه پرومند، شهرام شکوهی، داوود میرباقری، هوتن شکبیا، فرزاد حسنی، مسعود کرامتی، شهرزاد کمال‌زاده، ملیکا زاری، محمدحسین مهدویان، سوگل طهماسبی، علیرام نورایی، نعیمه نظام دوست، داریوش فرعیایی، فرزین محدث، هومن حاجی عبداللهی، مجید واشقانی، آزاده آل ایوب، رضا میرکریمی، جلیل سامان، حامد آهنگی، مهران احمدی، کورش سلیمانی، اتابک نادری، علی ضیاء، بهرام افشاری، شبنم مقدمی، مسعود فراسی، هدیه تهرانی، علیرضا خمسه، حسین فرح بخش، محمد

## امضای نامه‌ای توسط بیش از ۲۰۰۰ چهره هنری فرهنگی بریتانیا

در این نامه بر اظهار نظر جیمز الدر سخنگوی یونیفکس که بر ویرانی‌های وارد آمده بر مردم غزه به دلیل حمله‌های هوایی مداوم اسرَائیل و قطع آب و برق اشاره داشته، تأکید شده و آمده است: «انگیزهای سرسختانه برای دفاع از انسانیت مشترک خود داریم... نمی‌خواهیم نسل‌های آینده ما را به سکوت متهم کنند و بگویند ایستادیم و کاری انجام ندادیم.» امریکا فررا، اندرو گارفیلد، انوشکا شانکار، باسوم یوسف، چینگ تاتوم، حسن مناج، مارک روفالو، اسکار آیزاک، رونی مارا، رایان کوکلو، ساندرا اوه، سباستین سیلوا، شلین وودی، والاس شاون و کوئینتا برانسون از دیگر چهره‌هایی هستند که این نامه را امضا کرده‌اند. در روزهای گذشته بیش از ۲۰۰۰ چهره هنری فرهنگی بریتانیا با امضای نامه‌ای سرگشاده خواستار توقف فوری محاصره و بمباران غزه توسط رژیم صهیونیستی شدند و اعلام کردند: «ما از جنبش جهانی علیه ویرانی غزه و آوارگی گسترده مردم فلسطین حمایت می‌کنیم و از دولت‌هایمان می‌خواهیم که به حمایت نظامی و سیاسی خود از اقدامات اسرَائیل پایان دهند.»

معتدی، روزبه بمانی، زینبا کرمعلی، رضا رشیدپور، ژیلادصادقی، آریتا تراکشوند، روزبه نعمت‌اللهی، حسین سلیمانی، مژده لواسانی، مریم مؤمن، رسول صدرعاملی ...

